ایران

• چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵
• ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
• ۲۶ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۰۷
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پزشکیان در دیدار صمیمی جمعی از نوجوانان و جوانان افتخارآفرین:

امضای تفاهمنامه از روی منطق و آگاهی بود

در دومین روز از هفته دولت، صدها پروژه عمرانی و زیرساختی دیگر در استان‌های مختلف به بهره‌برداری رسید

۲ ۳

بیانیه مشترک تهران و مسقط برای ایجاد کریدور موقت دریانوردی و پاکسازی مین‌ها منتشر شد

توافق درباره تنگه هرمز

چارچوب پیشنهادی شامل ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشترک از طریق تنگه هرمز و توافقی برای اجرای یک پروژه مشترک به منظور پاکسازی تنگه از مین است. مذاکرات فنی میان دو طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائمی و اداره آینده تنگه و همچنین سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوطه ادامه خواهد یافت.

۴

«ایران» از دو نشست علمی در دانشگاه تهران گزارش می‌دهد

ایران و جنگ مسأله‌ای روی میز دانشگاه

۱۵

چالش ناترازی بنزین و راه‌حل‌هایی که می‌کوشند بدون شوک اجرا شوند

اقتصاد بنزین از تثبیت قیمت تا مدیریت تقاضا

۷

تجربه ۴۷ ساله نشان می‌دهد شرکای تجاری تهران لزوماً از سیاست‌های تحریمی واشنگتن تبعیت نمی‌کنند

ترامپ در جنگ اقتصادی هم تنها می‌ماند

یادداشت‌هایی از دنیل فرید، دکستر تیف رابرتس، خالد عظیم، اندرو ال. پیک، نیت سوانسون و جاناتان پانیکوف

۵ ۸

رئیس جمعیت هلال احمر در گفت‌وگو با «ایران» از ۶ هزار عملیات موفق هلال احمر در جنگ سوم می‌گوید

نجات ۷ هزار و ۲۵۰ هموطن از زیرآوار موشک‌ها

۶

دومین المپیاد ملی هنر با معرفی ۱۵ تیم برگزیده به کار خود پایان داد

میدانی تازه برای کشف استعدادهای هنری

۱۶

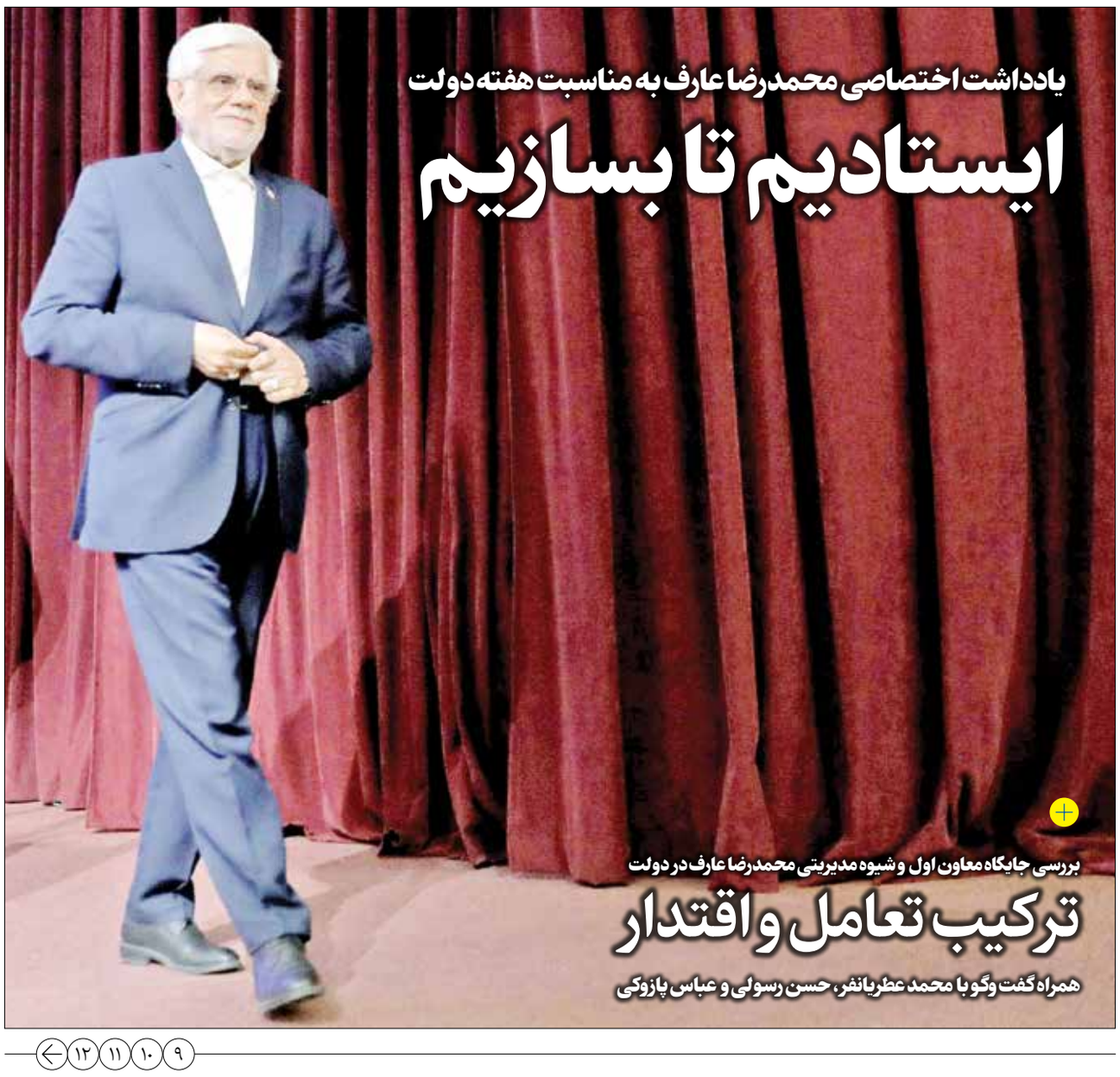

یادداشت اختصاصی محمدرضا عارف به مناسبت هفته دولت

ایستادیم تا بسازیم

بررسی جایگاه معاون اول و شیوه مدیریتی محمدرضا عارف در دولت

ترکیب تعامل و اقتدار

همراه گفت‌وگو با محمد عطریانفر، حسن رسولی و عباس پازوکی

۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

طلوع «آفتاب امید» از سرزمین فارس

یادداشت

محسن پاکنژاد
وزیر نفت

کشف یک مخزن عظیم گاز طبیعی در جنوب استان فارس در روزهای گذشته برای همکاران من در صنعت نفت قطعیت یافت. این مخزن در جنوب استان فارس، حدود ۱۰ کیلومتری شمال‌غرب شهر «خُنج» و در مجاورت ذخایر گازی ارم، هما، شانول، سفید باغون، سفیدزاخور و هالگان قرار دارد. مخزن تازه کشف شده حاوی گاز شیرین و میعانات گازی، با فرض متوسط قیمت ۲۹ سنت به ازای هر مترمکعب در حدود ۴۵ میلیارد دلار ارزش اقتصادی دارد.

اولین علایم وجود ذخائر گازی در این مخزن در آذرماه ۱۴۰۳ و در اولین ماه‌های آغاز به کار دولت چهاردهم اثبات شد با این حال، گزارش‌های تکمیلی از نتایج فنی چاه‌های اکتشافی این مخزن جدید در روزهایی دریافت شد که کشورمان با پشت سر گذاشتن جنگ تحمیلی و سربلندی در نبرد رمضان، در «بیم و امید» از «آینده پیش رو» به سر می‌برد.

«آخرین گزارش» درباره این مخزن و قطعی شدن وجود ۷/۵ تریلیون فوت مکعب گاز، مرا به این نتیجه رساند که «وزن امید» در معادلات آینده ایران عزیز، بسیار بیشتر از «نگرانی» است چرا که به نظرم کشف این مخزن، آن هم در میانه روزگاران پرمخاطره پس از جنگ، یک نشانه و یک نماد از آینده پرامید و روشنی است که میهن ما باید منتظر آن باشد.

روزهای سخت جنگ تحمیلی با ایستادگی و اتحادملی، با جانفشانی همه ایرانیان، از جمله نیروهای مسلح مقتدر ایران و پرسنل شجاع و باغیرت صنعت نفت سپری شد و اکنون نشانه‌ها و نمادهایی همچون اکتشافات جدید هیدروکربوری، نوید روزها و آینده‌ای بهتر را می‌دهد.

گویی نعمات خاک زرخیز ایران زمین تمامی ندارد و این «مائده زیرزمینی»، همچون «برکتی آسمانی» به همه ما وعده نصرت الهی را یادآوری می‌کند. اگر بخواهم به زبانی غیرفنی ابعاد این مخزن و گنجینه درونی آن را برای هموطنان عزیزم تشریح کنم باید بگویم میزان گاز قابل استحصال درون این مخزن معادل ۱۵ سال یک فاز از میدان پارس جنوبی است. این میزان در حدود کل مصرف یک سال ۱۰ استان پرمصرف و بزرگ ایران است و یا با نسبتی تقریبی معادل تأمین ۷ سال کل مصرف استان اصفهان یا چیزی نزدیک به مصرف ۶ سال کل استان تهران طی سالهای اخیر است.

کشف این مخزن در کنار قطعی شدن افزایش ۱۰ تریلیون فوت مکعبی حجم گاز درجای میدان گازی «پازن» که در اواخر سال گذشته اثبات شد، در اکتشافات گازی جهان طی یک دوره محدود، کم سابقه است.

در سنت فرهنگی دیرینه ایرانیان، نشانه‌ها و نمادها اهمیت بسیاری دارند، فرهنگ غنی ما سرشار از نشانه‌هایی است که بر ذهنیت‌ها و تفکرات ما تأثیر می‌گذارند. اکنون این گنجینه‌های خدادادی از اعماق زمین، رخ نموده است تا ما را به وجود نشانه‌هایی از آینده خوب دلالت کند. انرژی و تأمین پایدار انرژی، مدت هاست که به یکی از نگرانی‌های جدی کشورهای توسعه‌یافته جهان تبدیل شده است. در ایام پس از تجاوز دشمن آمریکایی صهیونی به میهن عزیزمان وجود این نگرانی بیشتر عیان شده است و هرمز به عنوان شاهرگ بی‌رقیب انرژی جهان، علاوه بر یادآوری اقتدار ایران، مسأله «اختلال در پایداری تأمین انرژی» در جهان را بیشتر از هرزمان پررنگ کرده است. در سوی دیگر، مجموع ذخایر و دارایی‌های هیدروکربوری ایران، «ثبات و تضمین پایداری در دسترسی به انرژی» را برای دهه‌های متوالی تضمین می‌کند. ثبات در چشم‌انداز تأمین انرژی کشور در ده‌ها سال آینده، عامل محرک و اطمینان بخش برای تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی و صنعتی است. به نظرم لازم است همه ما این واقعیت را باور کنیم که ذخایر انرژی امروز، پشتوانه نسل فردای ایران است تا بدون نگرانی به مسیر آبادانی ایران عزیز ادامه دهند.

اگر با این نگرش به مسأله ذخایر هیدروکربوری ایران نگاه کنیم، کشف هر ذخیره جدید و از جمله مخزن اخیر، یک نقطه قوت اساسی در معادلات آینده ایران است. با این حال اولویت مهم این است که کشورمان منابع انرژی را به سوی ایجاد ارزش افزوده هدایت کند. بهینه‌سازی مصرف، دائمی‌سازی فرهنگ استفاده بهینه و تحول بخشی در شیوه‌های مدیریت مصرف یک الزام اقتصادی و در نگرشی همزمان یک روش «شکرگزاری بابت نعمات خدادادی» است.

رئیس شورای‌عالی قضایی عراق با رئیس جمهوری، رئیس مجلس و دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان دیدار کرد

پزشکیان: اتحاد کشورهای اسلامی زمینه‌ساز صلح و ثبات پایدار در منطقه است

روزگذشته رئیس شورای‌عالی قضایی جمهوری عراق با رئیس‌جمهوری کشورمان، رئیس مجلس شورای اسلامی و دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار کرد.

رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان در دیدار فائق زیدان، رئیس شورای‌عالی قضایی جمهوری عراق و هیأت همراه، ضمن تشکر و قدردانی از ملت و دولت این کشور به پاس تمهید مقدمات برگزاری باشکوه مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی و میزبانی شایسته از زائران حسینی در ایام اربعین، اظهار کرد: «از حضور هیأت عراقی در جمهوری اسلامی ایران عمیقاً خرسند هستم و امیدوارم این دیدار زمینه‌ساز توسعه و تقویت ارتباطات فرهنگی، تجاری و اقتصادی دو کشور شود.»

پزشکیان با تأکید بر اهمیت حفظ وحدت و انسجام میان کشورهای همسایه و مسلمان، تصریح کرد: «ضرورت دارد ملت‌های اسلامی تعاملات فرهنگی، تجاری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود را بیش از پیش گسترش دهند، چرا که این همگرایی، عامل برقراری امنیت، صلح و ثبات در منطقه در برابر دشمنان مشترک از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد بود.»

وی با اشاره به ذخایر و سرمایه‌های عظیم منطقه، هشدار داد که دشمنان با چشم طمع به این ثروت‌ها، به دنبال ایجاد اختلاف، جنگ و درگیری برای تصاحب آنها هستند و تنها راه مقابله، حفظ هوشیاری و اتحاد کشورهای اسلامی است.

رئیس‌جمهوری در ادامه سخنانش، تلاش برای برقراری عدالت در کشورهای اسلامی را عاملی برای کاهش مشکلات و اختلافات و افزایش روحیه همکاری‌های چندجانبه دانست و خاطرنشان کرد: «همه باید بکوشند تا سوءتفاهم‌ها برطرف شده و بستر گسترش امنیت منطقه‌ای فراهم آید.»

پزشکیان با تأکید بر ضرورت تشکیل ائتلافی از کشورهای مسلمان در قالب امت واحده برای تقویت ثبات و امنیت در منطقه، افزود: «تمامی مسلمانان ساکن در غرب آسیا، بر اساس آیات قرآن، امت واحده هستند و الگوی رفتاری آنان باید بر مبنای تقوای الهی سنجیده شود. امیدوارم با تحقق وحدت میان کشورهای اسلامی، زمینه برای خروج آمریکا از منطقه فراهم شده و حاکمان کشورهای منطقه، الگویی بومی و پایدار از برقراری ثبات را مستقر کنند.»

ایران نقش محوری در ثبات منطقه و مهار تروریسم دارد

در بخش دیگری از این دیدار، فائق زیدان، رئیس شورای‌عالی قضایی عراق، با قدردانی از همراهی‌های شایسته و حمایت‌های پیوسته جمهوری اسلامی ایران از ملت و دولت عراق در ادوار مختلف تاریخ سیاسی این کشور، گفت: «همراهی و همدلی بی‌بدیل ایران در مبارزه با تروریسم و گروهک داعش، با نقش‌آفرینی شهید حاج قاسم سلیمانی و نیروهای مستشاری، نمونه‌ای بارز از این حمایت‌های راهبردی است.»

رئیس شورای‌عالی قضایی عراق همچنین ضمن پاسداشت اقدامات جمهوری اسلامی در مهار تروریسم در منطقه، اظهار کرد: «چنانچه طرح‌های مشترک فیمابین در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به گام‌های اجرایی تبدیل شوند، دستاوردهای بزرگی در مسیر پیشرفت و موفقیت منطقه‌ای رقم خواهد خورد.»

زیدان گسترش روابط سیاسی و امنیتی را عاملی برای تقویت ثبات و تعاملات منطقه‌ای و مهار رژیم صهیونیستی دانست و بر نقش محوری جمهوری اسلامی ایران در این زمینه تأکید کرد.

فائق زیدان با اشاره به ذخایر فراوان منطقه تصریح کرد: «توسعه روابط بین‌المللی و چندجانبه، تمام کشورهای منطقه را از منافع آن بهره‌مند خواهد ساخت؛ عراق خواستار همکاری‌های اقتصادی ویژه با محوریت جمهوری اسلامی ایران است و آمادگی خود را برای تعمیق این همکاری‌ها اعلام می‌دارد.»

قالیباف: آمریکا در جنگ اقتصادی هم شکست می خورد

رئیس مجلس هم در دیدار فائق زیدان رئیس شورای عالی قضایی جمهوری عراق گفت: جا دارد از دو اتفاق مهم یعنی برگزاری تشییع باشکوه پیکر امام شهید و برگزاری با کیفیت مراسم اربعین در سال جاری که برای هر دو ملت افتخار بزرگی است قدردانی و تأکید کنم این مراسم ها ظرفیت بزرگی برای جهان اسلام و تشیع است.

محمد باقر قالیباف با بیان اینکه آمریکا، جنگ علیه ایران را با نیت براندازی جمهوری اسلامی و گسترش هژمونی آمریکا در غرب آسیا و جهان اسلام راه انداخت، افزود: اما به برکت خون شهدا و به همت ملت رشید ایران و به همت جبهه مقاومت آنها به وضوح شکست خوردند و همه دنیا بر این موضوع صحه گذاشتند. رئیس قوه مقننه با اشاره به تشدید فشارهای اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران گفت: آمریکا در جنگ نظامی و سیاسی از ایران شکست خورد و در اقدامات اقتصادی نیز شکست خواهد خورد.

قالیباف با اشاره به شرایط منطقه و نشانه ها از حرکت به سمت نظم منطقه‌ای جدید با تأکید بر اینکه در شرایطی که نظم منطقه‌ای جدیدی در حال ایجاد است شرایط برای ایران و عراق حساس و تاریخی است گفت : اینکه قرار است نیروهای ائتلاف آمریکایی از عراق خارج شوند، یک افتخار تاریخی برای دولت و ملت عراق است، امیدواریم این خروج به طور کامل از زمین و هوای عراق محقق شود.

رئیس شورای عالی قضایی جمهوری عراق نیزبا اشاره به پیام همبستگی دولت و مردم عراق با جمهوری اسلامی ایران در جنگ ظالمانه اخیر گفت: من پیام همبستگی ملت و حاکمیت عراق را برای شما آوردم و آمادگی خود را جهت همکاری با جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنیم. وی با تأکید بر اینکه همکاری و توافق و ائتلاف سازی بین کشورهای منطقه راه رهایی از ناامنی است و تصور می‌کنم این موضوع بسیار نزدیک است، خاطرنشان کرد: روابط خوب عراق و ایران فضایی را فراهم می‌کند که ما با دیگر کشورهای منطقه نیز جهت شکل دادن توافق های همکاری گام برداریم. وی در پایان تأکید کرد: معتقدم هم آوایی و همبستگی ملت ایران و عراق یک همبستگی ابدی است و لذا آنچه در مراسم تشییع رهبر شهید ایران دیدیم یک اقدام خودجوش و مردمی بود .

رضایی: ایران خواهان عراق مستقل و قوی است

همچنین سرلشکر محسن رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضایی عراق با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران خواهان عراقی مستقل و قوی است گفت: «کشورهای منطقه خود درباره آینده خویش تصمیم‌گیری خواهند کرد و آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت.»

وی در این دیدار تأکید کرد: «وضع گروهک‌های ضد ایرانی مستقر در مرزهای دو کشور باید تعیین تکلیف شود.»

در ادامه فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضایی عراق در این دیدار از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران قدردانی کرد و سلام مقامات عراقی را به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ و یاد و خاطر شهیدان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را گرامی داشت.

این مقام ارشد عراقی همچنین بر همکاری‌های منطقه‌ای و بر لزوم تأمین امنیت در مرزهای مشترک دو کشور تأکید کرد.

همکار ارجمند و محترم جناب آقای احسان بداغی

بدینوسیله درگذشت خواهر عزیزتان را به شما تسلیت عرض نموده، از خداوند باریتعالی برای آن مرحوم رحمت واسعه الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسألت داریم.

مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

ایران online
www.ion.ir
www.ion.ir
با ایران آنلاین، آنلاین باشید

اخبار

تأکید خاتمی بر فعال بودن دیپلماسی و دستیابی به صلح شرافتمندانه

سیدمحمد خاتمی در دیدار با سیدهادی خامنه‌ای، یاد رهبر شهید را گرامی داشت و بر فعال بودن دیپلماسی و عقلانیت و دستیابی به آرامش و صلح شرافتمندانه تأکید کرد. در این دیدار سیدمحمد خاتمی با بیان خاطراتی از رهبر شهید و اظهار تأسف از فقدان ایشان، بر لزوم فعال بودن جریان دیپلماسی و عقلانیت در کشور و دستیابی به آرامش و صلح شرافتمندانه تأکید کرد. سیدهادی خامنه‌ای نیز در این دیدار با قدردانی از حضور سیدمحمد خاتمی و لطف و نجابت همیشگی وی، از علاقه عاطفی رهبر شهید به آقای خاتمی گفت و مواضع وی در ماه‌ها و روزهای اخیر را مهم و قابل توجه در جهت راهبردهای سیاسی و بین‌المللی کشور دانست.

هشدار فرمانده نیروی زمینی ارتش به تکفیری‌ها

به مرزهای ایران نزدیک نشوید

امیر سرتیپ علی جهانشاهی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جریان بازدید از مناطق مرزی شمال‌شرق کشور و بررسی میزان آمادگی رزمی، توان دفاعی و نحوه استقرار یگان‌های این نیرو در مرزها، اظهار کرد: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از اشراف اطلاعاتی کامل، تمامی تحرکات دشمن در آن‌سوی مرزها را به‌صورت شبانه‌روزی رصد و پایش می‌کند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با هشدار به گروهک‌های تکفیری و عناصر معاند مستقر در آن‌سوی مرزها که درصدد ایجاد ناامنی و انجام اقدامات تروریستی در نزدیکی مرزهای کشور هستند، گفت: هرگونه تحرک، شرارت و اقدام علیه مرزهای جمهوری اسلامی ایران با پاسخی قاطع و کوبنده مواجه خواهد شد.

امیر سرتیپ جهانشاهی تأکید کرد: در صورت هرگونه تجاوز و تعدی، تمامی مواضع و پایگاه‌های عوامل تهدیدکننده امنیت کشور، در تیررس توان پهپادی و توپخانه‌ای یگان‌های نیروی زمینی ارتش قرار خواهد داشت و پاسخ نیروهای مسلح به هرگونه تهدید، سریع، دقیق و پشیمان‌کننده خواهد بود. وی همچنین با اشاره به تجهیز یگان‌های نیروی زمینی ارتش به تسلیحات و تجهیزات نوین گفت: امروز نیروی زمینی ارتش در بالاترین سطح آمادگی رزمی قرار دارد و با بهره‌گیری از تجهیزات و تسلیحات جدید، متناسب با هر نوع تهدید، طرح و برنامه عملیاتی مشخصی برای مقابله با دشمن در اختیار دارد.

پزشکیان در دیدار صمیمی جمعی از نوجوانان و جوانان افتخارآفرین:

امضای تفاهمنامه از روی منطق و آگاهی بود

پزشکیان: شما جوانان و نوجوانان، سرمایه‌های ارزشمند کشورمان هستید که هر یک می‌توانید آینده ایران را، در صورتی که استعدادها و خلاقیت‌هایتان بیدار شود، بسازید

دولت

گروه سیاسی

رئیس‌جمهور پزشکیان در دیدار صمیمی با جمعی از نوجوانان و جوانان افتخارآفرین ایران، وفاق و همدلی را پیش‌نیاز پیشبرد طرح‌ها و برنامه‌ها برای پیشرفت و آبادانی کشور برشمرد و گفت: همه باید دست به دست یکدیگر بدهیم و میهن‌مان را آباد کنیم. چنانچه با یکدیگر مشارکت و هماهنگی داشته باشیم، می‌توانیم مملکت را بسازیم، اما اگر افراد را به خودی و غیرخودی تقسیم‌بندی کنیم، با تفرقه و دعوا مواجه خواهیم شد.

وی با اظهار اینکه ایجاد تفرقه و دودستگی یکی از اهداف دشمنان برای کشورمان است، افزود: جنگ‌ها امروز تغییر ماهیت داده‌اند. دشمنان متوجه شده‌اند که از راه نظامی نمی‌توانند ملت ایران را تسلیم کنند یا شکست دهند، از همین رو بر روی ایجاد مسائل اجتماعی و نارضایتی‌های اقتصادی هدف‌گذاری کردند تا از این طریق ایران را به آشوب بکشانند. تمام تلاش من و مسئولان نظام این است که وحدت و انسجام را حفظ کنیم. ایجاد فشار اقتصادی یکی از راهبردهای آمریکا و دشمنان برای این است که تسلیم شویم، اما آیا باید در برابر مشکلات کوتاه بیاییم و تسلیم شویم؟ قطعاً خیر. هر یک از ما راه را پیدا و با مشارکت تمام آحاد جامعه، منطقه و کشورمان را آباد خواهیم کرد.

پزشکیان با اعلام اینکه پیشنهادها و مطالبات شما نوجوانان و جوانان افتخارآفرین ایران را درباره مسائل مختلف شنیدم، تصریح کرد: شما جوانان و نوجوانان، سرمایه‌های ارزشمند کشورمان هستید که هر یک می‌توانید آینده ایران را، در صورتی که استعدادها و خلاقیت‌هایتان بیدار شود، بسازید. من نیز همچون شما فردی عادی بودم و اکنون در این جایگاه هستم.

رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه نهضت مدرسه‌سازی فقط محدود به ایجاد ساختمان و سازه نیست، تشریح کرد: اکنون با همکاری شهرداری تهران، در حال ساخت چندین مجتمع آموزشی بزرگ‌مقیاس هستیم. در این مدارس، تمام امکانات آموزشی برای دانش‌آموزان، خانواده‌ها و معلمان فراهم است. این مدارس مبتنی بر آموزش‌های نوین و آینده‌محور، به دنبال مهارت‌افزایی و قرار دادن دانش‌آموزان در مسیر حل مسأله، برقراری ارتباطات مؤثر، کار گروهی و مدیریت هستند، زیرا یکی از چالش‌های اساسی ما در کشور این است که دانش‌آموزان و سایر افراد، توانایی برقراری ارتباط و گفت‌وگو ندارند و همین مسأله، زمینه‌ساز ایجاد اختلاف‌نظرها و دعواها شده است. تا جایی که بتوانیم، بستر را برای خلق آزادی‌های اجتماعی و گفت‌وگو آماده خواهیم کرد، چرا که تجربه نشان داده هیچ‌گاه با پرخاشگری نمی‌توان به تعامل و هم‌افزایی دست یافت.

پزشکیان با یادآوری اینکه ذهن خلاق را نمی‌توان به زنجیر کشید و باید آن را در مسیر درست برای رشد هدایت کرد، اظهار کرد: در اسرع وقت جلساتی برگزار خواهیم کرد تا از طرح‌ها و پیشنهادهای شما دانشجویان، نوجوانان و جوانان برای حل مسائل و بهبود شیوه حکمرانی استفاده کنیم. موضوع مهم این است که به جای نقد، راه حل ارائه بدهیم. برای خدمت به ایران و آبادانی کشور، تفاوت نمی‌کند که افراد مذهبی باشند یا غیرمذهبی، چرا که خداوند بر اساس آیات قرآن بیان می‌کند آن کس که می‌داند، خدایی‌تر است.

رئیس‌جمهوری استفاده از ظرفیت اساتید و دانشجویان برای حل مسائل جاری کشور در حوزه‌های گوناگون را از دیگر سیاست‌های دولت عنوان کرد و گفت: در زمینه حفظ محیط‌زیست، کاهش ناترازی‌ها و حکمرانی آب، از دانش و تجربه دانشگاهیان استفاده می‌کنیم. او در ادامه با اشاره به امضای تفاهم‌نامه و هماهنگی اعضای شورای امنیت و سران قوا بر سر این موضوع، تأکید کرد: تصمیمی که در شورای امنیت اتخاذ شد، مبتنی بر خرد جمعی و تعامل میان سران قوا، نیروهای نظامی و سایر بخش‌ها بود. اکثریت با در نظر گرفتن اصل حکمت، عزت و مصلحت، توافقنامه را پذیرفتند. هیچ یک از افراد وا ندادند، چرا که همه آنها توانستند جنگ را اداره کنند و در برابر قدرت قاهر اتمی جهان ایستادند. بنابراین امضای توافقنامه از روی ترس و وادادگی نبود، بلکه بر اساس منطق و آگاهی شکل گرفت، اما عده‌ای کنار گود نشسته‌اند و مطالب نادرستی را مطرح می‌کنند. در بخشی از این دیدار صمیمی، بیش از ۱۵ تن از نوجوانان و جوانان، مسائل و مطالبات خود را با رئیس‌جمهوری در میان گذاشتند. در پایان این دیدار، مسعود پزشکیان به دیدار خانواده شهید ماکان نصیری (از شهدای مدرسه شجره طیبه میناب) رفت و خانواده این کودک شهید را مورد تفقد قرار داد.

آمریکا رویکرد خود در برابر ایران را اصلاح کند

رئیس جمهوری شامگاه دوشنبه، دوم شهریورماه ۱۴۰۵ در دیدار با عاصم منیر، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی پاکستان، ضمن قدردانی از اقدامات سازنده و میانجیگرانه دولت این کشور در مسیر برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای، اظهار امیدواری کرد که با تداوم اراده‌ها و همکاری‌های مشترک، اهداف مندرج در توافق اسلام‌آباد محقق شود. پزشکیان با تأکید بر لزوم پایبندی آمریکا به تعهدات خود در قبال جمهوری اسلامی ایران بر مبنای حقوق حقه و موازین بین‌المللی، خاطرنشان کرد: آمریکا باید لحن و رویکرد خود در تعامل با ایران را اصلاح کند، چرا که تکیه بر زورگویی و قلدری، تنها فرآیندهای اجرایی را با پیچیدگی مواجه خواهد ساخت. رئیس جمهوری با یادآوری وحدت، انسجام و هماهنگی موجود در داخل کشور برای پیشبرد اهداف صلح و ثبات منطقه‌ای، ابراز امیدواری کرد که با تلاش‌های دیپلماتیک اسلام‌آباد، منطقه و جهان اسلام به بالندگی، عزت و سربلندی روزافزون دست یابد. در ادامه این دیدار، عاصم منیر ضمن تشکر و قدردانی از تلاش‌های دکتر پزشکیان در مسیر ایجاد ثبات و آرامش در منطقه، خاطرنشان کرد: برای پیشبرد اهداف مشترک و دستیابی به توافقی جامع، ضروری است فرآیندهای دیپلماتیک با دقت و وسواس کامل مورد بحث و بررسی قرار گیرند. وی با اشاره به تجارب موفق میانجیگری اسلام‌آباد، اظهار کرد: پاکستان با قاطعیت به نقش تسهیلگر خود ادامه خواهد داد و معتقد است که پایان این بحران، سرآغاز فصل نوینی از همکاری‌های همه‌جانبه در جهت بازسازی، توسعه منطقه‌ای و تحقق امنیت جمعی خواهد بود.

خلاصه تصمیمات مجمع صندوق سرمایه‌گذاری مختص اوراق دولتی بازده پایه بازار صبا
به‌شناسه ملی ۱۴۰۱۱۵۹۶۵۸۷
مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ ساعت: ۰۸:۰۰
کلیه دارندگان واحدهای ممتاز پس از بحث و تبادل نظر به اتفاق آرا با تغییر بند ۹-۳ امیدنامه (کارمزد بازارگردان صندوق) به شرح صورتجلسه صندوق (قابل دستیابی در تارنمای صندوق به آدرس https://diba.sabaamc.ir/ و سامانه کدال به نشانی http://www.codal.ir) موافقت نمودند.

نوبت دوم
آگهی فراخوان مناقصه عمومی
خرید کتاب توسط پیمانکار برای کتابخانه‌های عمومی کشور
نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در نظر دارد، تهیه کتاب مورد درخواست خود را از طریق مناقصه عمومی و انعقاد قرارداد با پیمانکار واجد شرایط و سابقه اجرایی مرتبط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به‌شماره مناقصه ۲۰۰۵۰۰۵۳۷۳۰۰۰۰۰۳ واگذار نماید. لازم به توضیح است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.
علاقه‌مندان به شرکت در این مناقصه می‌توانند جهت آگاهی با شماره تلفن ۰۲۱-۶۲۹۳۱۰۰۰، داخلی ۲۱۳۲ و شماره همراه ۰۹۱۲۶۹۶۹۷۰۰ آقای نوریان تماس حاصل فرمایند.

آگهی مزایده عمومی
شماره ۵۰۵/۰۲
یک واحد تولیدی در نظر دارد اقلام مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به خریداران واجد شرایط به‌فروش برساند.
۱- مقوا گرافت لایه قیراندود ۱۸٪ به مقدار ۲۵۵۰۰۰ کیلوگرم
۲- مقوا گرافت دورو مشکی ۱۵٪ به مقدار ۱۰۰۰۰۰ کیلوگرم
۳- نمد پشمی قطر ۸ میلیمتر رولی به مقدار ۳۳۰۰ کیلوگرم
۴- نمد پشمی قطر مختلف به مقدار ۴۷۰۰۰ کیلوگرم
لذا متقاضیان می‌توانند به آدرس زیر مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.
آدرس: تهران - پاکدشت - پارچین - صنایع شهدای مهام پارچین
• میزان سپرده شرکت در مزایده طبق اسناد می‌باشد.
• هزینه درج آگهی و دستمزد کارشناس دادگستری به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.
• صنایع شهدای مهام پارچین در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
• استعلام های رسیده به‌صورت غیر حضوری مفتوح و نتیجه آن کتباً اعلام می‌گردد.
تلفن تماس: ۰۲۱-۳۶۳۴۰۱۸۵

نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)
شماره مناقصه: RKP-1405156036-KM/S-05
شرکت پالایش نفت کرمانشاه
شرح کالای مناقصه خرید: نوار عایق مشکی و سفید و چسب پرایمر
مطابق با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه خرید
۱- نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه به نشانی کرمانشاه، بلوار شهید دکتر بهشتی، مقابل پارک شاهد، مدیریت بازرگانی تلفن: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۵ و فکس: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۶ کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۷۹۴
۲- نوع، کمیت و کیفیت کالا: شرح کامل مناقصه خرید در آدرس اینترنتی WWW.KORC.IR قید شده است.
۳- نوع و مبلغ تضمین: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد به‌شماره حساب (شبای) IR۹۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۸۲۸۰۵۴۶۵۸ این شرکت نزد بانک تجارت شعبه نفت
۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: مدیریت بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۹
۵- زمان گشایش پیشنهاد فنی: تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ و زمان گشایش پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۰ می‌باشد.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

نوبت دوم
فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
ILC شرکت مایع سازی گاز طبیعی ایران Iran Liquefied Natural Gas Co
شرکت مایع‌سازی گاز طبیعی ایران در نظر دارد اجرای عملیات حفظ و نگهداری تجهیزات در سایت پروژه را به پیمانکاران واجد صلاحیت و فعال در این حوزه (Perservation) از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای واگذار نماید.
۱- موضوع: مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌کارگیری پیمانکار تخصصی نگهداشت تجهیزات (Perservation)
۲- محل اجرا: استان بوشهر - منطقه ویژه اقتصادی پارس - منطقه تنبک (حدود ۱۵ کیلومتری شهر کنگان - سایت عملیات شرکت مایع‌سازی گاز طبیعی ایران)
۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (پانزده میلیارد ریال)
۴- مدت پیمان: ۱۲ ماه شمسی
۵- متقاضیان محترم می‌بایست با ارائه معرفی‌نامه رسمی، معتبر، مهر شرکت و کارت ملی نسبت به دریافت اسناد مناقصه در تاریخ‌های ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ و ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ اقدام و سپس اسناد تکمیل شده به‌همراه ضمائم مربوطه را طی مهلت مقرر به نحوی که مدارک مشخص شده، تحویل نمایند.
۶- محل دریافت و تحویل اسناد: تهران- میدان آرژانتین-ابتدای خیابان الوند-پلاک ۲۰ -واحد قراردادها
تلفن ۲۴-۸۸۸۷۷۰۱۱-۰۲۱
۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه متعاقباً درج خواهد شد.

نوبت دوم
آگهی مناقصه
تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای یکپارچه
شماره IKAC-۱۴۰۵/۰۲
IKAC شهر فرودگاهی امام خمینی
موضوع: خرید خدمات انتظامات و نگهبانی از اماکن تأسیسات، ابنیه، اراضی و تجهیزات شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)
شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به برگزاری تجدید مناقصه با موضوع **«خرید خدمات انتظامات و نگهبانی از اماکن، تأسیسات، ابنیه، اراضی و تجهیزات شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)»** از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به‌شرح زیر اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت اسناد ارزیابی پیمانکاران و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه مذکور به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه ستاد، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص)- اداره کل حراست
نشانی: تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، کیلومتر ۳۰، شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص)
۲-شرایط متقاضی: دارا بودن گواهی نامه صلاحیت امور خدمات حفاظتی و مراقبتی صادره توسط پلیس پیشگیری فراجا دارای اعتبار و سایر شرایط ذکر شده در اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه
۳- نحوه دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:
• **تاریخ‌های چاپ آگهی:** نوبت اول (۱۴۰۵/۰۶/۰۳) - نوبت دوم (۱۴۰۵/۰۶/۰۴)
• **شماره فراخوان در سامانه ستاد:** ۲۰۰۵۰۰۱۶۲۱۰۰۰۰۱۴
• **مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد:** ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
• **مهلت ثبت اسناد در سامانه ستاد و تحویل اصل پاکت «الف»:** تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۰
• **محل تحویل اصل پاکت «الف»:** دبیرخانه شرکت به نشانی مندرج در بند ۱
۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۴۶,۷۴۵,۴۱۰,۳۲۸ ریال
بدیهی است ثبت مدارک فوق‌الذکر در سامانه مذکور هیچ‌گونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۵۱۰۰۸۸۴۵ با دفتر پیمان و امور قراردادها تماس حاصل نمایند.
شماره تماس مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه: ۰۲۱-۱۴۵۶
شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص)

آگهی مناقصه
خرید تجهیز Gas Oil Pump
شرکت صنایع آذرآب_شهریور ماه ۱۴۰۵
شرکت صنایع آذرآب
شرکت صنایع آذرآب در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه خرید تجهیز Gas Oil Pump پروژه C047 با مشخصات فنی مندرج در مدارک پیوست از طریق استعلام کمترین قیمت و کوتاهترین زمان اقدام نماید.
به این جهت درصورت تمایل به شرکت در این مناقصه، اسناد مناقصه را مطالعه نموده و با در نظر گرفتن تمامی ضوابط و شرایط مربوطه، حداکثر تا ۱۰ شهریور ۱۴۰۵ نسبت به ارائه پیشنهاد فنی و مالی و تکمیل اوراق پیوست، اقدام نموده و پس از مهر و امضای تمام صفحات به همراه قیمت پیشنهادی خود در پاکت در بسته مطابق شرایط زیر به آدرس دفتر مرکزی این شرکت واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، پلاک ۱۵، جنب سازمان بورس شرکت صنایع آذرآب، واحد مناقصات - تلفن تماس: ۰۲۱۸۴۹۲۲۶۰۶ تحویل و رسید دریافت گردد.
ضمنا شرکت آذرآب در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و هزینه‌های آگهی به‌عهده برنده می‌باشد.
آگهی مناقصه از طریق سایت WWW.Azarab.ir قابل دسترس می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) همراه با ارزیابی کیفی
شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران
چاپ نوبت اول: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ چاپ نوبت دوم: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
مناقصه‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران
موضوع مناقصه: انتخاب پیمانکار جهت تأمین نیروی انسانی به‌شرح ذیل می‌باشد:

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	مبلغ پایه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) به ریال
۱	۱۴۰۵/۱۵۵-۰۲	تأمین نیروی انسانی به روش مدیریت پیمان به تعداد ۴۵ نفر	۴۷۲,۸۶۸,۸۴۹,۲۵۸	۲۳,۶۴۳,۴۴۲,۴۶۳
۲	۱۴۰۵/۱۵۵-۰۳	انجام خدمات در بخش‌های مالی، عمومی، مشترکین و... در قالب نیروهای حجمی به تعداد ۱۰۴ نفر	۱,۰۱۷,۱۰۸,۲۹۵,۹۷۵	۴۵,۷۲۲,۱۶۵,۹۲۰

مهلت خرید و نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می‌توانند از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ لغایت روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ به‌منظور دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.
مبلغ خرید اسناد مناقصه: مبلغ ۳,۵۰۰,۰۰۰ ریال به ازای خرید هر اسناد در مدت زمان تعیین شده در بند فوق به‌حساب سیهر (شماره ۰۱۰۱۸۵۳۷۶۵۰۰۵) بانک صادرات کد ۲۰۰۸
نوع تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار) به‌شرح زیر می‌باشد:
- ضمانت‌نامه بانکی حداقل با اعتبار سه ماه و قابل تمدید به مدت سه ماه دیگر
- اصل فیش واریز وجه به‌حساب جام به‌شماره ۱۶۷۲۰۴۰۵۱۵۰ بانک ملت شعبه مرکزی چالوس
- ضمانت‌نامه صادره توسط مؤسسات بیمه‌گر دارای مجوز لازم برای فعالیت و صدور ضمانت‌نامه از سوی بیمه مرکزی ایران
- کسر از محل مطالبات به‌صورت سند حسابداری از محل مطالبات قطعی تأیید شده از سوی امور مالی
تاریخ بارگذاری پاکت مناقصه: روز سه‌شنبه (ساعت ۰۸:۰۰) مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
تاریخ گشایش پاکات مناقصه: زمان بازگشایی ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ در محل حوزه ستادی - دفتر کمیسیون مناقصه و مزایده
سایر شرایط:
- هزینه آگهی مناقصه هر دو نوبت بر عهده دستگاه مناقصه‌گزار می‌باشد.
- حضور یک نفر از طرف پیشنهاددهندگان با ارائه معرفی نامه کتبی در جلسه گشایش پاکات آزاد می‌باشد.
- اعتبار موضوع مناقصه از محل منابع داخلی می‌باشد.
- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نمی‌شود.
- شرکت‌کنندگان می‌بایست دارای پروانه صلاحیت معتبر از مراجع ذی‌صلاح در ارتباط با موضوع مورد مناقصه را داشته باشند.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

صدها پروژه عمرانی و زیرساختی دیگر در استان‌های مختلف به بهره‌برداری رسید

روز پرکار کابینه در دومین روز هفته دولت

دولت

گروه سیاسی

برنامه‌های روز دوم از هفته دولت، با بهره‌برداری نیروگاه‌های خورشیدی ۹۵ مگاواتی استان تهران توسط رئیس‌جمهور آغاز شد. در همین رابطه پزشکیان با بیان اینکه انتظار این است در دو سال آینده ۳۰ هزار مگاوات را از طریق انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر تولید کنیم، یادآور شد: «یکی از الزامات مورد توجه در کنار بهره‌گیری از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، ارتقای سطح بهره‌وری از فضا و امکانات است. بنابراین با دانشگاهیان و کارشناسان حوزه کشاورزی، هماهنگی و تعامل‌های لازم را برای کشت گیاهان دارویی و استفاده از آبی که پنل‌ها را شست‌وشو می‌دهد، برگزار کنید.»

وی با اشاره به حمایت تمام‌قد از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی پنل‌های خورشیدی، اعلام کرد: «هیچ‌گونه محدودیتی برای پشتیبانی در زمینه تولید داخلی پنل‌های خورشیدی نخواهیم داشت و چنانچه سرمایه‌گذاری بخواهد در این حوزه اقدام کند، زمین و امکانات مورد نیاز را در اختیارش خواهیم گذاشت.»

در بخشی از مراسم نیز، عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو با بیان اینکه تعاملات بین‌المللی برای حرکت به سوی بهره‌وری اقتصادی است، یادآور شد: «رئیس‌جمهوری محترم در این مراسم، به طور همزمان در سراسر کشور دستور راه‌اندازی ۶۰۰ مگاوات برق تولیدی نیروگاه‌های خورشیدی را صادر کرده‌اند. تمام پیشرفت‌های حاصل‌شده در این زمینه به برکت توصیه‌ها و رهنمودهای دکتر پزشکیان است.»

همچنین عبدالرضا همتی، رئیس کل بانک مرکزی نیز در این مراسم با اشاره به اینکه تاکنون ۱/۷ میلیارد دلار برای پیشبرد این فناوری اختصاص داده شده است، اعلام کرد: «از نظر تأمین ارز و ریال در حوزه حمایت از تولیدکنندگان داخلی پنل‌های خورشیدی، محدودیتی وجود ندارد. استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر یک ضرورت است، چرا که علاوه بر حفظ محیط زیست، باعث می‌شود نیاز ما به استفاده از سوخت فسیلی کاهش یابد.»

در ادامه این مراسم، محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران برطرف کردن ناترازی برق را یکی از دغدغه‌های پزشکیان برشمرد و گفت: «گفتمانی که رئیس‌جمهوری محترم در زمینه توسعه و گسترش نیروگاه‌های خورشیدی و انرژی‌های جدید داشته‌اند، سبب شده مردم نیز در این زمینه مشارکت و سرمایه‌گذاری مؤثر داشته باشند.»

> پزشکیان: هیچ‌گونه محدودیتی برای پشتیبانی در زمینه تولید داخلی پنل‌های خورشیدی نخواهیم داشت و چنانچه سرمایه‌گذاری بخواهد در این حوزه اقدام کند، زمین و امکانات مورد نیاز را در اختیارش خواهیم گذاشت

افتتاح واحدهای نهضت ملی مسکن در اردبیل

در اولین برنامه سفر زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده به استان اردبیل، ۸۶۳ واحد از پروژه‌های نهضت ملی مسکن افتتاح و به متقاضیان تحویل داده شد. این اقدام در راستای تحقق وعده‌های دولت برای تأمین مسکن اقشار مختلف جامعه و کاهش مشکلات مسکن در استان‌های کمتربرخوردار صورت گرفت.

علاوه بر مسکن، نیروگاه خورشیدی CHP کمی‌آباد اردبیل با ظرفیت ۹ مگاوات و سرمایه‌گذاری ۳ میلیون یورو نیز با حضور معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده به بهره‌برداری رسید. این نیروگاه که همزمان با هفته دولت افتتاح شد، بخشی از تلاش‌های دولت برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی است. ظرفیت ۹ مگاواتی این نیروگاه می‌تواند بخش قابل‌توجهی از نیاز انرژی منطقه را تأمین کند.

همچنین در جریان این سفر، عملیات اجرایی شهرک تخصصی فناوری در استان اردبیل آغاز شد. این شهرک که با هدف توسعه فناوری‌های نوین و ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان طراحی شده، می‌تواند به ایجاد اشتغال پایدار و رشد اقتصادی استان کمک کند و زمینه را برای حضور سرمایه‌گذاران بخش خصوصی فراهم آورد.

در استان خوزستان، پروژه تور بادی (ویندفنسینگ) شرکت فولاد خوزستان با حضور شینا انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و جمعی از مسئولان استانی و مدیران شرکت فولاد خوزستان به بهره‌برداری رسید. این پروژه که در راستای کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی و کنترل گردوغبار در منطقه صنعتی طراحی شده، گامی مهم در جهت حفاظت از محیط زیست و بهبود کیفیت هوای اطراف مجتمع‌های صنعتی به شمار می‌رود.

افتتاح پروژه‌های گسترده ارتباطی توسط وزیر ارتباطات

در استان ایلام نیز آیین کلنگ‌زنی فاز دوم مجتمع فرهنگی، ورزشی و توانبخشی ایثار توسط سیداحمد موسوی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، به نمایندگی از هیأت دولت برگزار شد. این پروژه در زمینی با زیربنای کل ۱۶۳۵ مترمربع اجرا می‌شود که از این میزان، حدود ۶۶۰ مترمربع به سالن آمفی‌تئاتر، ۳۳۰ مترمربع به فضای ورودی و ۶۴۵ مترمربع به ساختمان جنوبی اختصاص یافته است. سالن آمفی‌تئاتر این مجموعه با ظرفیت ۳۰۸ صندلی طراحی و احداث می‌شود و می‌تواند محل برگزاری برنامه‌های فرهنگی، ورزشی و توانبخشی برای جامعه ایثارگران باشد. اعتبار مورد نیاز این پروژه از محل تملک دارایی‌های سرمایه‌ای ملی و اعتبارات داخلی بنیاد شهید و امور ایثارگران تأمین می‌شود و مدت زمان پیش‌بینی‌شده برای تحویل اولیه آن ۱۸ ماه اعلام شده است.

سید ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز، همزمان با سفر خود به استان چهارمحال و بختیاری در هفته دولت، در جلسه شورای اداری استان حضور یافت و ۸۹۷ پروژه دستگاه‌های اجرایی و ۱۳۱ پروژه حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات را افتتاح کرد. این پروژه‌ها در بخش‌های مختلف عمرانی، زیرساختی، خدماتی و ارتباطی با هدف توسعه متوازن استان، ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود دسترسی مردم به خدمات به بهره‌برداری رسیدند. در بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۱۳۱ پروژه با مجموع اعتباری بالغ بر ۱۶ هزار و ۱۸۴ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید که طیف متنوعی از طرح‌های توسعه ارتباطات روستایی، شبکه ثابت و سیار، زیرساخت و فیبر نوری را شامل می‌شود.

افتتاح بیش از دو هزار واحد مسکن در همدان توسط وزیر راه و شهرسازی

در استان اصفهان، فاز اول شرکت بزرگ «اصفهان مقدم» با حضور سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت و جمعی از مسئولان کشوری و استانی در شهرک صنعتی مبارکه به بهره‌برداری رسید. این طرح با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیون یورو و ایجاد ۵۰۰ فرصت شغلی، به عنوان اولین واحد تولیدکننده فیلم ۱۳ لایه در کشور، محصولات هایبرید مورد استفاده در صنعت بسته‌بندی را تولید می‌کند. بهره‌برداری از این واحد صنعتی علاوه بر افزایش ظرفیت تولید داخلی در حوزه محصولات تخصصی بسته‌بندی، زمینه ایجاد اشتغال و توسعه فناوری‌های نوین در صنایع پایین‌دستی را فراهم می‌کند. تولید فیلم‌های چندلایه هایبرید که پیش از این عمدتاً وارداتی بودند، می‌تواند به کاهش وابستگی به واردات و صرفه‌جویی ارزی منجر شود و جایگاه ایران را در صنایع بسته‌بندی پیشرفته ارتقا دهد.

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی نیز، با حضور در شهرستان نهاوند استان همدان، به صورت اختصاصی ۲۲۹۵ واحد مسکن شهری و روستایی استان را افتتاح کرد. در این مراسم، ۳۴۵ واحد مسکن شهری و ۱۹۵۰ واحد مسکن روستایی طرح نهضت ملی مسکن در استان همدان افتتاح شد. وزیر راه و شهرسازی در حاشیه این افتتاح، در جمع خبرنگاران حاضر شد و از برنامه‌ریزی دولت چهاردهم برای افتتاح بیش از ۱۰۰ هزار واحد مسکونی تا پایان سال خبر داد.

تکمیل هزاران پروژه زیرساختی برق و رشد چهار برابری انرژی‌های تجدیدپذیر

در حوزه برق و انرژی، محمد الله‌داد مدیرعامل شرکت توانیر، از تکمیل ۱۴۴۰ پروژه زیرساختی با اعتباری بالغ بر ۸۳ هزار میلیارد تومان خبر داد.

به گزارش ایرنا، وی در تشریح جزئیات پروژه‌های هفته دولت به جهش تولید اشاره کرد و گفت: «ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از حدود ۱۷۰۰ مگاوات در ابتدای دولت به بیش از ۵۵۰۰ مگاوات رسیده که رشدی چهار برابری را نشان می‌دهد و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا پایان تابستان امسال به ۷۰۰۰ مگاوات برسد.»

مدیرعامل شرکت توانیر با تأکید بر هوشمندسازی شبکه برق از نصب ۷.۵ میلیون کنتور هوشمند خبر داد و یادآور شد: «این کنتورها علاوه بر پایش مصرف مشترکان، به شناسایی بارهای غیرمجاز کمک شایانی کرده‌اند.»

آمار کلی پروژه‌های هفته دولت و رتبه‌بندی استان‌ها

در مجموع، در هفته دولت امسال ۳۵ هزار و ۹۸۶ پروژه عمرانی، رفاهی، زیرساختی و توسعه‌ای در سراسر کشور با هزینه نهایی ۷۳۴ هزار و ۴۶۱ میلیارد تومان (حدود ۷۳۵ همت) به بهره‌برداری خواهد رسید. براساس آمار ثبت‌شده در سامانه مدیریت و نظارت بر توسعه استان‌های کشور وزارت کشور، این موضوع نشان‌دهنده تلاش مستمر دست‌اندرکاران ملی و استانی در جهت پیشبرد اهداف توسعه‌ای و رفاهی کشور و خدمت به مردم است.

در بخش رتبه‌بندی عملکرد استان‌ها براساس شاخص اعتبار هزینه‌شده، آذربایجان شرقی با حدود ۸۸ هزار میلیارد تومان، البرز با حدود ۷۸ هزار میلیارد تومان، مازندران با حدود ۵۸ هزار میلیارد تومان، مرکزی با حدود ۵۷ هزار میلیارد تومان و تهران با حدود ۴۷ هزار میلیارد تومان رتبه‌های اول تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند.

آگهی مزایده (شماره ۰۰۵-۰۵-م)
فروش لوله‌های کربن استیل و استنلس استیل مازاد
یک شرکت خصوصی معتبر در نظر دارد حدود ۲۴۸ تن (۹۴۰ شاخه) انواع لوله کربن استیل بدون درز و ۱۳ تن (۴۰ شاخه) لوله استنلس استیل درزدار مازاد انبار خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.
۱- محل دریافت اسناد: تهران، خیابان شیخ بهایی جنوبی (پایین‌تر از حکیم)، انتهای خیابان ۲۴، مجتمع آفتاب، ورودی پارکینگ طبقاتی
(هماهنگی دریافت اسناد ۸۲۰۶۴۵۳۸ و ۰۲۱-۸۲۰۶۴۵۹۶)
۲- مهلت دریافت اسناد: ۱۰ روز از تاریخ درج آگهی
۳- مزایده‌گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
۴- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مزایده می‌باشد.
۵- میزان تضمین شرکت در مزایده و سایر شرایط و جزئیات در اسناد مزایده مندرج است.
۶- هزینه خرید اسناد: مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت نقدی در محل دریافت اسناد یا تحویل اصل فیش واریز به کارت شماره: ۶۱۰۴-۳۳۷۹-۳۹۶۶-۴۱۷۱ و شناسه پرداخت: ۵۰۱۳۳۳۱۸۱۲۲
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۴۴۴۳۴۹۶ و ۰۳۱-۸۴۴۴۲۷۹۰ تماس حاصل نمایید.

آگهی مزایده فروش خودرو مستعمل دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران (نوبت اول)
تاریخ آگهی ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
دستگاه مزایده‌گزار:
دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران
موضوع مزایده:
فروش یک دستگاه خودرو مستعمل دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران (سواری تندر۹۰ یک دستگاه)
مبلغ سپرده:
مبلغ نهصد میلیون ریال به‌صورت واریز فیش نقدی و یا ضمانت‌نامه معتبر بانکی
مهلت مراجعه برای اطلاع از شرایط مزایده و بازدید محل:
ازتاریخ درج آگهی تاریخ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
محل دریافت اسناد مزایده:
تهران: خیابان شریعتی، خیابان امیر پابرجا -بلوار آیینه، نبش کوچه گل یخ، ساختمان ستادی گل یخ طبقه اول امور قراردادها دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران. تلفن: ۲۲۶۱۴۶۱۵ داخلی ۲۰۸
مهلت ارائه پاکات:
تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ۱۴۰۵/۶/۱۸
مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده:
ارائه مدارک شناسایی متقاضی، ارائه فیش واریزی به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب شبای شماره IR ۳۳۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۱۷۷۰۱۶۱۰۴۴۰۳ دانشگاه نزد بانک تجارت شعبه اسکندری (غیرقابل استرداد)
دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات مختار و هزینه آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.
دبیر کمیسیون معاملات دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران

شرکت پتروشیمی جم
آگهی تجدید مزایده عمومی
نوبت دوم
(شماره مزایده 04-1405 B)
فروش ۳۰۰ تن ضایعات آهن
شرکت پتروشیمی جم در نظر دارد اقلام ضایعات آهن به مقدار ۳۰۰ تن به‌شرح مندرج در اسناد مزایده را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.
• دریافت اسناد: اسناد مزایده از تاریخ انتشار آگهی حداکثر تا آخر وقت اداری روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ و از طریق وب‌سایت شرکت پتروشیمی جم به آدرس www.jpcomplex.ir/fa/tender (بخش مناقصه و مزایده) قابل دریافت می‌باشد.
• مبلغ تضمین شرکت در مزایده پنج درصد مبلغ پیشنهادی و واریز به‌صورت نقد به‌شماره شبا ۰۰۰۰۹۰۹۰۹۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۲۰۳۰۸۳ شرکت پتروشیمی جم نزد بانک ملت یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر ثبت شده در سامانه سپام با دوره اعتبار سه ماه تقویمی و قابلیت تمدید تا سه ماه شمسی به‌نام شرکت پتروشیمی جم (سهامی عام) می‌باشد.
• تمامی مکاتبات و هماهنگی‌های لازم درخصوص این مزایده از طریق پست الکترونیک شرکت به نشانی: tender@jpcomplex.com می‌باشد، فلذا اعلام رسمی نشانی پست الکترونیک مزایده‌گر، برای تداوم اطلاع‌رسانی‌ها الزامی است.
• آخرین زمان تسلیم پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ می‌باشد.
تذکر۱): لازم است پاکت (الف) شامل تضمین شرکت در مزایده پس از لاک و مهر (در قالب پاکت دربسته) به‌صورت فیزیکی و تا موعد مقرر تحویل دبیرخانه تهران شده و رسید دریافت گردد.
تذکر۲): لازم است محتوای پاکات ب و محتوای پاکات ج (قیمت) به‌صورت الکترونیکی تکمیل شده و هم زمان و در یک ایمیل با مشخصات موضوع مزایده- پیشنهاد مالی تا سررسید زمان مشخص شده، صرفا به آدرس پست الکترونیک VP_TC@jpcomplex.com ارسال گردد.
• سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.
• بدیهی است شرکت پتروشیمی جم در رد یا قبول کلیه پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار است.
• تلفن تماس: ۰۲۱-۸۸۶۵۴۵۴۵، ۰۷۷۳۷۳۲۳۲۲۱ داخلی ۳۰۴۶
• شماره فاکس: ۰۷۷۳۷۳۲۳۳۱۱
روابط عمومی شرکت پتروشیمی جم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به‌شماره ۱۴۰۵۰۰۷ (تجدید اول)
موضوع مناقصه: تأمین نیروی انسانی جهت کلیه امور مربوط به تولید، فنی و مهندسی، اداری، نیروی مشاور و کارگر جهت امور عمرانی شرکت صنایع مس شهید باهنر
شرکت صنایع مس شهید باهنر
Bahonar Copper Industries Co.
شرکت صنایع مس شهید باهنر (سهامی عام) به‌شماره ثبت ۱۶۴۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۴۱۴۷۲ در نظر دارد تأمین نیروی انسانی جهت کلیه امور مربوط به تولید، فنی و مهندسی، اداری، نیروی مشاور و کارگر جهت امور عمرانی خود را به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید. کلیه شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند براساس شرایط ذیل، در این مناقصه شرکت نمایند:
مشخصات مناقصه
۱- موضوع مناقصه:
تأمین نیروی انسانی جهت کلیه امور مربوط به تولید، فنی و مهندسی، اداری، نیروی مشاور و کارگر جهت امور عمرانی شرکت، براساس شرح خدمات مندرج در اسناد مناقصه.
۲- محل اجرای خدمات:
محل استقرار شرکت صنایع مس شهید باهنر واقع در شهر کرمان، منطقه صنعتی.
۳- مدت زمان اجرای قرارداد:
یک‌سال شمسی از تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱، با قابلیت تمدید طبق مفاد قرارداد.
۴- نحوه دریافت اسناد مناقصه:
از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ می‌توانند جهت دریافت اسناد به آدرس ذیل مراجعه و یا اسناد را مستقیما از طریق سایت به نشانی www.csp.ir دریافت نمایند.
۵- نحوه تحویل پیشنهادها:
متقاضیان می‌بایست پاکات پیشنهاد خود را در سه پاکت مجزا (الف: تضمین شرکت، ب: اسناد فنی و کیفی، ج: پیشنهاد مالی) لاک و مهر شده، حداکثر تا ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ به دبیرخانه محرمانه شرکت تحویل دهند.
درج شماره مناقصه بر روی پاکات الزامی است.
۶- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:
میزان تضمین شرکت درمناقصه مبلغ هشتاد میلیارد ریال (۸۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت ضمانت‌نامه معتبر بانکی، چک صیادی و یا واریز نقدی به‌حساب شرکت، مطابق با مشخصات مندرج در اسناد مناقصه باشد.
۷- شرایط شرکت‌کنندگان:
• داشتن شخصیت حقوقی و گواهی‌نامه صلاحیت معتبر درزمینه خدمات عمومی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.
• داشتن سوابق اجرایی مرتبط و حسن سابقه در پروژه‌های مشابه.
• توانایی تأمین نیروی انسانی، تجهیزات و پشتیبانی لازم.
• ارائه مدارک مالی، بیمه‌ای و فنی موردنیاز مطابق اسناد مناقصه.
۸- سایر توضیحات:
• شرکت در مناقصه و تحویل پیشنهادات، به منزله قبول کلیه شرایط مندرج در اسناد مناقصه است.
• به پیشنهادهای ناقص یا فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
• شرکت در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و شرکت‌کنندگان حق هیچ‌گونه اعتراضی نخواهند داشت.
برای دریافت اطلاعات بیشتر، با شماره ۰۳۴-۳۱۲۲۷۱۵۴ تماس حاصل فرمایید.
نشانی: کرمان، کیلومتر ۱۲ بزرگراه آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی، شرکت صنایع مس شهید باهنر.

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی (فشرده)
نوبت اول
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران
۱- مناقصه‌گزار: شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی تهران میدان جهاد شماره ۱۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶
۲- موضوع مناقصه: تخلیه و بارگیری ۱،۵۰۰،۰۰۰ تن کالای فله در بندرعباس
۳- زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی تا مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۱ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.
۴- هزینه تهیه اسناد: واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به‌شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۴۰۰۵۹۱۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۲۹۴۲۱۰۰۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانک‌ها به‌صورت پایا.
۵- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه از تاریخ بازگشایی پیشنهاد مالی می‌باشد.
۶- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: واریز وجه نقد به مبلغ ۶۳،۰۳۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR ۳۹۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط با تمدید اعتبار ۳ ماهه.
۷- زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۸ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب- شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲)- طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.
۸- نحوه تکمیل و تنظیم پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست بر طبق شرایط و دستورالعمل شرکت در مناقصه نسبت به تکمیل و تنظیم و ارسال پاکات اقدام نمایند.
۹- زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه شامل پاکت‌های ارزیابی کیفی، الف، ب و ج را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir درج و در عین حال فیزیک پاکت‌های ارزیابی کیفی و الف را ظرف مدت دو هفته از آخرین روز دریافت اسناد تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۵ به نشانی تهران- میدان جهاد- شماره ۱۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران- طبقه هفتم- دبیرخانه محرمانه حراست تحویل و رسید دریافت نمایند.
۱۰- مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی دریافت نمایند.
۱۱- متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر می‌توانند به‌شماره تلفن ۸۴۳۹۹۷۴۲ تماس و همچنین آگهی فراخوان را از طریق نشانی اینترنتی www.gtc-portal.com ملاحظه نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد. مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱-دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸-اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استانها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین‌کننده / مناقصه‌گر» موجود است.
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

گزارش

معاون اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور با رد برخی گمانه زنی‌ها:

دستاوردهای رایزنی‌های عاصم منیر به زودی آشکار می‌شود

سفر فیلد مارشال «عاصم منیر»، فرمانده ارتش پاکستان به تهران در دوم شهریور در شرایطی انجام شد که تحولات پس از جنگ و تداوم رایزنی‌ها درباره آینده روابط ایران و آمریکا بار دیگر نقش اسلام‌آباد را در میانجیگری میان دو طرف برجسته و گمانه‌زنی‌ها درباره تلاش جدید برای باز کردن مسیر گفت‌وگو میان تهران و واشنگتن را تقویت کرده است. با وجود این، همزمان با انتشار برخی روایت‌های ضد و نقیض درباره نتیجه این سفر، مقام‌های ایرانی تأکید کردند که سفر فرمانده ارتش پاکستان دستاوردهایی داشته که آثار آن در ادامه روند دیپلماتیک آشکار خواهد شد. سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور با اشاره به سفر عاصم منیر در پیامی اشاره کرده که برخلاف برخی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای این سفر بسیار ثمربخش و دارای «دستاوردهای دیپلماتیک بسیار ارزشمند» بود و نتایج آن به‌زودی آشکار خواهد شد. در همین چارچوب، یک منبع نزدیک به تیم مذاکره‌کننده ایرانی نیز در گفت‌وگو با تسنیم تأکید کرد که برخلاف برخی گزارش‌ها، عاصم منیر حامل پیام تهدید یا پیام مشابهی از سوی آمریکا نبوده و هدف اصلی او باز کردن فضای مذاکرات و انتقال شروط و مواضع ایران به طرف آمریکایی بوده است. بر اساس این روایت، در دیدارهای انجام‌شده با فرمانده ارتش پاکستان، مواضع ایران به‌صورت شفاف برای طرف پاکستانی تشریح شده و اسلام‌آباد نیز مأموریت انتقال این مواضع به واشنگتن را دنبال کرده است. در این میان، یکی از محورهای اصلی پیام تهران، بازگشت آمریکا به تفاهمنامه اسلام‌آباد و اجرای مفاد آن عنوان شده است. بر اساس اظهارات این منبع، بند پنجم آن به ترتیبات مربوط به تنگه هرمز اختصاص دارد. به این ترتیب، سفر عاصم منیر را می‌توان بخشی از تلاش پاکستان برای ایجاد فضای جدید گفت‌وگو میان ایران و آمریکا دانست که در آن، انتقال دقیق شروط تهران به واشنگتن و بازگشت آمریکا به چارچوب تفاهم اسلام‌آباد بویژه درباره تنگه هرمز اهمیت محوری دارد.

ایران و عمان روز گذشته در ادامه رایزنی‌های خود درباره تنگه هرمز یک بیانیه مشترک منتشر کردند

گام بلند تهران و مسقط برای آرام‌سازی هرمز

گزارش

گروه دیپلماسی

ایران و عمان روز گذشته در پی سفر دوباره بدرالبوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان به تهران سرانجام در مسیری که طی هفته‌های اخیر با رفت‌وآمدهای دیپلماتیک و رایزنی‌های فشرده دو طرف شکل گرفته بود، به یک طرح موقت برای مدیریت مشترک تنگه هرمز دست یافتند؛ طرحی که اگرچه در اولین گام بر ایجاد یک کریدور موقت مشترک دریانوردی و اجرای پروژه‌ای مشترک برای پاکسازی مین‌های این آبراه راهبردی متمرکز است، اما حامل پیامی درباره تلاش تهران و مسقط برای بازتعریف ترتیبات امنیتی حاکم بر یکی از حساس‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان است. وزیر خارجه عمان در جریان حضور خود در تهران با مقام‌های بلندپایه کشور از جمله سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، دیدار و گفت‌وگو کرد و همین رایزنی‌ها در نهایت به اعلام طرح مشترکی انجامید که تهران و مسقط پیش‌تر درباره کلیات آن مذاکره کرده بودند. در واقع، آنچه روز گذشته در تهران به نقطه اعلام رسید، نتیجه مذاکراتی بود که در هفته‌های اخیر آرام‌آرام از سطح رایزنی‌های مقدماتی عبور کرده و به مرحله نهایی‌سازی سازوکار مشترک مدیریت تردد در تنگه هرمز نزدیک شده بود؛ اهمیت این مذاکرات از یک سو به جایگاه راهبردی این آبراه و وابستگی بخش مهمی از تجارت انرژی جهان به امنیت آن بازمی‌گردد و از سوی دیگر به شرایطی مربوط است که پس از افزایش تنش میان ایران و آمریکا، ترتیبات پیشین امنیتی و مدیریتی تنگه را با پرسش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرده است. ماجرا از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که پس از اجرای تفاهمنامه اولیه درباره تنگه هرمز، آمریکا به تعهدات خود در چارچوب آن پایبند نماند و در ادامه، تبادل آتش میان ایران و آمریکا در محدوده این آبراه شکل گرفت؛ تحولی که فضای پیشین را تغییر داد و ضرورت بازتعریف سازوکارهایی را که بتواند هم ملاحظات امنیتی ایران را پوشش دهد و هم امکان استمرار امن و باثبات کشتیرانی را تضمین کند، بیش از گذشته برجسته کرد. در چنین شرایطی طبیعی بود که مسقط، به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین کشورهای ساحلی به تنگه هرمز و بازیگری که طی سال‌های گذشته بارها نقش میانجی و تسهیل‌کننده گفت‌وگو میان ایران و غرب را بر عهده گرفته است، بار دیگر به یکی از طرف‌های اصلی رایزنی درباره آینده این آبراه تبدیل شود؛ به همین دلیل، رفت‌وآمد مقام‌های تهران و مسقط افزایش یافت و دو کشور تلاش کردند از دل اختلافات موجود، سازوکاری عملیاتی طراحی کنند که بتواند بدون نادیده گرفتن ملاحظات امنیتی ایران، مسیر کشتیرانی را نیز از خطرات ناشی از تنش‌های نظامی دور نگه دارد. بازگشت دوباره البوسعیدی به تهران نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند که در عمل به تسهیل مذاکراتی منجر شد که خروجی آن اکنون در قالب طرح موقت مشترک ایران و عمان برای مدیریت تنگه هرمز قابل مشاهده است و ایجاد کریدور مشترک دریانوردی و همکاری در پاکسازی مین‌ها، اولین اجزای این سازوکار را تشکیل می‌دهند. با این حال، اهمیت تفاهم تهران و مسقط تنها به محدوده جغرافیایی تنگه هرمز محدود نمی‌شود، زیرا موفقیت این طرح می‌تواند در شرایط کنونی بخشی از معادله بزرگ‌تر کاهش تنش در منطقه را شکل دهد و حتی در صورت فراهم شدن شرایط سیاسی و امنیتی لازم به اولین حلقه از زنجیره‌ای تبدیل شود که بازگشت ایران و آمریکا به تفاهم پیشین درباره وضعیت این آبراه را ممکن می‌کند. عمان در این مسیر بار دیگر می‌تواند نقش پل میان تهران و واشنگتن را ایفا کند و تفاهم هرمز از یک توافق محدود دوجانبه به نقطه آغاز ترتیباتی گسترده‌تر برای مدیریت تنش در منطقه تبدیل شود. از این منظر، طرح موقت ایران و عمان را باید مرحله‌ای تازه دانست که در آن تهران و مسقط تلاش دارند با ایجاد یک سازوکار عملی و مشترک، اول امنیت و استمرار کشتیرانی در تنگه هرمز را تثبیت کنند و سپس در صورت موفقیت این تجربه از آن به‌عنوان بستری برای کاهش تنش‌های گسترده‌تر و باز کردن دوباره مسیر تفاهم‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استفاده کنند که اکنون با یک کریدور مشترک دریانوردی و همکاری برای پاکسازی مین‌های تنگه آغاز شده، اما دامنه پیامدهای احتمالی آن می‌تواند بسیار فراتر از همین دو اقدام اولیه باشد.

وزیر خارجه عمان نیز اعلام کرده گفت‌وگویی سازنده با عباس عراقچی داشته و ابراز امیدواری کرده ترتیبات مربوط به عبور موقت از تنگه هرمز و ازسرگیری دریانوردی به‌زودی اعلام شود.

توافق برسر کریدور موقت و پاکسازی تنگه

برش

سید بدر بن حمد بن حمود البوسعیدی وزیر امور خارجه عمان، در سفر کاری به جمهوری اسلامی ایران با سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران، رایزنی‌های سازنده‌ای انجام داد. این رایزنی‌ها بر اهمیت ازسرگیری دریانوردی ایمن از طریق تنگه هرمز با حفظ حاکمیت و حقوق حاکمیتی دو کشور متمرکز بود. دو وزیر با توجه به وضعیت کنونی تنگه هرمز که ناشی از جنگ اخیر و پیامدهای فاجعه‌بار آن است، چارچوبی مرحله‌بندی‌شده را مورد بحث قرار دادند که می‌تواند مبنایی عملی و قابل اجرا برای پیشبرد امور فراهم کند. بر اساس این چارچوب پیشنهادی، ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشترک از طریق تنگه هرمز و توافق برای اجرای یک پروژه مشترک به‌منظور پاکسازی تنگه از مین‌ها پیش‌بینی شده است. مذاکرات فنی میان دو طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائمی و نحوه اداره آینده تنگه، همچنین ایجاد سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوطه ادامه خواهد یافت. در این راستا، دو طرف بر اهمیت برگزاری گفت‌وگوهای مشترک با کشورهای منطقه هم‌مرز با آب‌های خلیج فارس تأکید کردند. ایران و عمان همچنین بر لزوم رعایت حقوق بین‌الملل قابل اعمال و احترام به حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تأکید ورزیدند.

گره تنگه هرمز به دست دیپلماسی باز می‌شود؟

یادداشت

علی‌اصغر زرگر
کارشناس مسائل بین‌الملل

تنگه هرمز پس از جنگ ایران و آمریکا و تداوم تنش‌ها به اهرمی راهبردی برای فشار متقابل تهران بر واشنگتن تبدیل شد و ایران با توجه به شرایط جنگی محدودیت‌هایی برای تردد کشتی‌ها اعمال کرد. عهدشکنی آمریکا در مسیر اجرای تفاهم مشترک اسلام آباد، مدیریت تنگه و ایجاد مسیر عبور در بخش جنوبی و آب‌های ساحلی عمان به تشدید تنش و حملات آمریکا به تأسیسات و سامانه‌های راداری ایران انجامید. از این رو، تثبیت مبنای حقوقی مدیریت هرمز اهمیت پیدا کرد. در شرایط صلح می‌توان بر اساس خط میانی و مرزهای دریایی سازوکار مشترک مدیریت تردد ایجاد کرد اما در جنگ، کشور ساحلی حق اعمال محدودیت‌های امنیتی علیه شناورهای طرف متخاصم را دارد. بر این اساس، حتی در صورت دستیابی ایران و عمان به تفاهمی درباره مدیریت تنگه هرمز، نمی‌توان آن را به معنای بازگشایی کامل این آبراه در شرایط کنونی تلقی کرد؛ چراکه تا زمانی که مخاصمه با آمریکا پایان نیافته، ملاحظات امنیتی و الزامات دوران جنگ همچنان پابرجاست. از این منظر، تفاهم تهران و مسقط بیش از آنکه ناظر بر بازگشایی فوری تنگه باشد، می‌تواند چارچوبی حقوقی برای مدیریت آن در شرایط پس از پایان مخاصمه و بازگشت به وضعیت عادی ایجاد کند. اجرای چنین سازوکاری نیز به تحقق مجموعه‌ای از شرایط از جمله پایان محاصره دریایی ایران، رفع محدودیت‌های اعمال‌شده بر صادرات نفت و تجارت دریایی وپیشرفت مذاکرات ایران و آمریکا در مسیر ترک مخاصمه و برقراری صلح، وابسته خواهد بود. با این حال، جزئیات تفاهم احتمالی تهران و مسقط همچنان روشن نیست؛ از جمله اینکه خط میانی تنگه در چه محدوده‌ای تعیین خواهد شد، مدیریت آبراه به‌صورت مشترک انجام می‌شود یا هر کشور مسئولیت محدوده خود را بر عهده خواهد داشت و سازوکارکنترل ورود و خروج کشتی‌ها چگونه خواهد بود. همچنین میزان اختیار ایران در شناسایی و کنترل شناورهای ورودی از جمله کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها همچنان از جمله مسائل تعیین‌کننده این تفاهم است. آنچه تاکنون درباره مذاکرات ایران و عمان مطرح شده، بیش از آنکه به معنای توافق نهایی درباره نحوه تردد کشتی‌ها باشد، بیانگر تلاش دو کشور برای ایجاد چارچوبی حقوقی و اجرایی جهت مدیریت تنگه هرمز است. تعیین خط میانی و سازوکار عبور و مرور کشتی‌ها از جمله موضوعات مورد بحث است، اما جزئیات و حدود اختیارات طرفین همچنان نیازمند توافق نهایی است. در این میان، سفر وزیر خارجه عمان به تهران نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در چارچوب تلاش‌های مسقط در ارتباط با مذاکرات مربوط به تنگه هرمز ارزیابی می‌شود. با توجه به جایگاه عمان در معادلات منطقه‌ای و روابط این کشور با قدرت‌های فرامنطقه‌ای بویژه آمریکا، نمی‌توان مذاکرات تهران و مسقط درباره تنگه هرمز را مستقل از ملاحظات واشنگتن ارزیابی کرد. از این رو، دستیابی به توافقی گسترده درباره مدیریت این آبراه، بویژه در شرایطی که آمریکا نسبت به هرگونه تغییر در وضعیت تنگه حساس است، با ملاحظات و محدودیت‌های خاصی همراه خواهد بود. با این حال، توافق ایران و عمان بر سر یک مسیر مشخص برای تردد کشتی‌ها، با لحاظ اصل عبور بی‌ضرر و الزامات امنیتی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد سازوکاری قابل قبول برای مدیریت تردد در تنگه باشد. در همین راستا ایران مدیریت ورودی هرمز را با هدف کنترل شناورهای تهدیدکننده امنیتش دنبال می‌کند، نه جلوگیری از تردد همه کشتی‌ها. تعیین خط میانی و مدیریت ورودی‌ها توسط ایران و خروجی‌ها در آب‌های عمان می‌تواند سازوکاری جدید ایجاد کند. در همین راستا آنچه اهمیت دارد این است که موضوع تنگه هرمز را نمی‌توان جدا از مجموعه تحولات سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان ایران و آمریکا بررسی کرد. هرگونه تفاهم درباره این آبراه، در صورت شکل‌گیری می‌تواند بخشی از یک معامله بزرگ‌تر برای کاهش تنش و ایجاد زمینه بازگشت به مسیر دیپلماسی باشد؛ معامله‌ای که در آن هر دو طرف تلاش خواهند کرد در ازای امتیازات متقابل، بخشی از نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی خود را مدیریت کنند.

آگهی مزایده واگذاری سهام

بانک تجارت (سهامی عام) در نظر دارد در راستای اجرای "قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور" و سیاست کاهش تصدی‌گری، سهام خود در شرکت‌های تابعه و وابسته را به‌شرح و شرایط زیر و اسناد مزایده از طریق مزایده عمومی واگذار نماید:

نام شرکت	شماره ثبت	شناسه ملی	میزان سهام قابل عرضه	درصد سهامداری	سرمایه ثبت شده شرکت (میلیون ریال)	قیمت پایه مزایده (میلیون ریال)	سپرده نقدی شرکت در مزایده	شرایط پرداخت
کارگزاری بانک تجارت	۱۰۰۱۳۷	۱۰۱۰۱۴۴۱۱۸۰	۲,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰	۲,۲۰۰,۰۰۰	۶۸,۹۳۵,۶۸۹	۱۰٪ مبلغ پایه	نقد و یکجا
سرمایه‌گذاری ایرانیان	۲۰۳۷۷۲	۱۰۱۰۲۴۵۴۶۲۱	۷۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰	۷۷,۰۰۰,۰۰۰	۲,۱۹۵,۶۰۰,۹۸۸	۱۰٪ مبلغ پایه	نقد و یکجا

۱- شرایط مزایده

۱-۱- عرضه سهام به‌شرح مندرج در جدول فوق انجام می‌گیرد.

۱-۲- قیمت مندرج در جدول فوق قیمت پایه سهام می‌باشد و به قیمت‌های پیشنهادی کمتر از قیمت پایه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱-۳- متقاضیان می‌بایست سپرده نقدی جهت شرکت در مزایده را به‌حساب شماره ۰۰۰۰۱۰۴۰۴۳ (شماره شبای IR ۶۴۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۱۷۷۰۲۶۹۱۵۷۵۶) به‌نام بانک تجارت واریز نموده و فیش واریز بانکی به انضمام سایر مدارک مزایده که به‌صورت روشن و مشخص نوشته شده در پاکت دربسته تا ساعت ۱۳ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ به دبیرخانه اداره سرمایه‌گذاری بانک تجارت واقع در تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان ترکمنستان، نبش کوچه نارنج، ساختمان بانک تجارت، طبقه ششم تسلیم و رسید دریافت نمایند.

۱-۴- به درخواست‌هایی که بعد از مهلت مقرر در بند ۱-۳ واصل گردد، همچنین درخواستهای فاقد سپرده شرکت در مزایده یا درخواست‌های مشروط، ناقص و فاقد امضا و مهر متقاضی ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۱-۵- هزینه نشر آگهی، کارشناسان ارزیابی و ارزش‌گذاری سهام بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

۱-۶- شرکت در مزایده به منزله پذیرش اسناد مزایده و کلیه ضمایم آن است.

۱-۷- برنده مزایده می‌بایست نسبت به امضای قرارداد واگذاری سهام ارائه شده توسط بانک اقدام نموده و عواقب هر گونه تأخیر درخصوص موضوع بر عهده ایشان می‌باشد.

۱-۸- متقاضیان خرید سهام برای کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مزایده با ارائه فیش بانکی به مبلغ ده میلیون ریال به‌شماره حساب ۰۰۰۰۱۰۴۰۴۳ به‌نام بانک تجارت می‌توانند از تاریخ درج آگهی لغایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ به‌جز پنج‌شنبه‌ها و ایام تعطیل از ساعت ۸ الی ۱۳ به آدرس قید شده در بند ۱-۳ مراجعه نمایند.

۲- شرایط عمومی واگذاری در مزایده:

۲-۱- خریدار ضمن پرداخت مبلغ معامله براساس قرارداد منعقده، می‌بایست نسبت به تسویه بدهی‌های شرکت موضوع مزایده به گروه بانک تجارت به‌صورت یکجا و نقد اقدام نماید.

۲-۲- خریدار سهام می‌بایست ظرف ۱۴ روز کاری پس از ابلاغ کتبی برنده مزایده نسبت به پرداخت ثمن/حصه نقدی معامله اقدام نماید. در غیر اینصورت نتیجه مزایده باطل و خسارات وارده از جمله سپرده نقدی شرکت در مزایده برابر ضوابط و مقررات قابل دریافت خواهد بود و پیشنهاد دهنده نسبت به آن هیچ‌گونه ادعایی نداشته و نخواهد داشت.

۳- سایر موارد:

۳-۱- پاکات شرکت در مزایده شرکت‌های فوق رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ در محل اداره سرمایه‌گذاری بانک تجارت (آدرس قید شده در بند ۱-۳) مفتوح و نتایج آن پس از اخذ تأییدیه‌های کمیته‌های مربوطه و هیأت‌مدیره بانک، به‌صورت کتبی به برنده اعلام می‌گردد.

۳-۲- بانک تجارت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات واصله حداکثر ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ بازگشایی پاکات مختار می‌باشد و متقاضیان حق اعتراض درخصوص تصمیمات متخذه بانک نخواهند داشت.

۳-۳- متقاضیان با شرکت در مزایده به‌صورت ضمنی اعلام و قبول دارند که از کلیه تعهدات، بدهی‌ها و آخرین وضعیت مالی و اقتصادی و حقوقی شرکت مورد مزایده و تبعات و تعهدات ناشی از سهام مورد ابتیاع اطلاعات کامل حاصل نموده و حق هیچ‌گونه اعتراضی را در این خصوص نداشته و هر گونه ادعای احتمالی در حال و آتی را از خود سلب و اسقاط نمودند.

هیأت‌مدیره بانک تجارت (سهامی عام)

بانک تجارت

نوبت دوم

آگهی اسناد مناقصه شماره ۴۰۴/۴۳

خرید تیوب های تیتانیوم و آلومینیوم

شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس واقع در منطقه پارس جنوبی (عسلویه) در نظر دارد خرید تیوب های تیتانیوم و آلومینیوم (تقاضای شماره ۰۴۳۱۰۵۷) مطابق شرح و اسناد پیوست، را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار نماید.

شرکت‌های متقاضی که دارای سوابق مرتبط در این زمینه می‌باشند، می‌توانند از طریق سامانه جامع معاملات به آدرس Contract.mobinec.ir که لینک آن در سایت شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس www.mobinec.ir قابل دسترسی است نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

• **مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده** حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴، و استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس، دبیرخانه کمیسیون معاملات می‌باشد. شرکت‌ها می‌توانند به‌صورت کتبی یک نفر نماینده جهت شرکت در جلسه گشایش پاکت‌های پیشنهادی که متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد، معرفی نمایند.

• **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه** ۲۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (بیست و سه میلیارد) ریال و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز نقدی به‌حساب جاری الکترونیک (جام) شماره ۱۸۵۳۶۴۸۹۲ نزد بانک ملت شعبه مبین عسلویه به‌نام شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس خواهد بود.

• سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه آمده است.

بدیهی است ارائه اسناد مذکور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان به‌وجود نخواهد آورد و اسناد و مدارک دریافتی غیرقابل استرداد می‌باشد.

• تلفن و ایمیل دبیرخانه کمیسیون معاملات: ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۱۴۸,۵۱۴۶ و tender@mobinec.ir

• تلفن واحد بازرگانی: ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۲۵۰ و ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۲۵۱

روابط عمومی شرکت مبین انرژی خلیج فارس

نوبت دوم

آگهی اسناد مناقصه شماره ۴۰۵/۳

خرید قطعات یدکی توربین‌های گازی شامل کراس فایر تیوب‌ها، قطعات نازل سوخت برند GE

شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس واقع در منطقه پارس جنوبی (عسلویه) در نظر دارد خرید قطعات یدکی توربین‌های گازی شامل کراس فایر تیوب‌ها، قطعات نازل سوخت برند GE (تقاضای شماره ۰۴۳۰۹۷۷) مطابق شرح و اسناد پیوست، را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار نماید. شرکت‌های متقاضی که دارای سوابق مرتبط در این زمینه می‌باشند، می‌توانند از طریق سامانه جامع معاملات به آدرس Contract.mobinec.ir که لینک آن در سایت شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس www.mobinec.ir قابل دسترسی است نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

• **مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده** حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸، و استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس، دبیرخانه کمیسیون معاملات می‌باشد.

شرکت‌ها می‌توانند به‌صورت کتبی یک نفر نماینده جهت شرکت در جلسه گشایش پاکت‌های پیشنهادی که متعاقباً اطلاع‌رسانی خواهد شد، معرفی نمایند.

• **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه** ۱۱۰,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (یکصد و ده میلیارد و پانصد میلیون) ریال و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز نقدی به‌حساب جاری الکترونیک (جام) شماره ۱۸۵۳۶۴۸۹۲ نزد بانک ملت شعبه مبین عسلویه به‌نام شرکت مبین انرژی خلیج‌فارس خواهد بود.

• سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه آمده است.

• بدیهی است ارائه اسناد مذکور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان به‌وجود نخواهد آورد و اسناد و مدارک دریافتی غیرقابل استرداد می‌باشد.

• تلفن و ایمیل دبیرخانه کمیسیون معاملات: ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۱۴۸,۵۱۴۶ و tender@mobinec.ir

• تلفن واحد بازرگانی: ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۲۵۰ و ۰۷۷,۳۷۲۹,۵۲۵۱

روابط عمومی شرکت مبین انرژی خلیج فارس

چین و کشورهای منطقه، کارزار فشار اقتصادی آمریکا علیه ایران را ناکام می‌گذارند

ترامپ تنها می‌ماند؟

گزارش

وزیر خزانه‌داری آمریکا، اسکات بسنت، روز دوشنبه از آغاز عملیات «طرد اقتصادی» علیه ایران خبر داد و ادعا کرد: «از امروز، حلقه فشار را تنگ‌تر خواهیم کرد و هر منبع درآمدی را که به تأمین مالی ایران کمک می‌کند، مسدود خواهیم ساخت.» این اقدام تحریمی، جدیدترین تلاش آمریکا برای تحت فشار قرار دادن ایران است؛ تلاشی که پس از ناکامی واشنگتن در تحقق اهداف خود از مسیر نظامی و دیپلماتیک، اکنون وارد مرحله تازه‌ای شده است. وقتی دونالد ترامپ نزدیک به شش ماه پیش جنگ علیه ایران را آغاز کرد، امیدوار بود بتواند ایران را درهم بشکند. اما با ناکام ماندن بمباران‌ها در دستیابی به این هدف، واشنگتن مسیر دیگری را آزمود و روی مشوق‌های اقتصادی حساب باز کرد. آمریکا در ماه ژوئن پیشنهاد لغو بخشی از تحریم‌ها و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری را به ایران ارائه کرد، اما این رویکرد نیز به دلیل کارشکنی‌های خود واشنگتن شکست خورد. اکنون، پس از ناکامی این گزینه‌ها، آمریکا بار دیگر به ابزار تحریم و فشار اقتصادی روی آورده و در تلاش است تا ضربه‌ای سنگین به اقتصاد ایران وارد کند. با این حال، تجربه سال‌های گذشته تردیدی جدی درباره اثربخشی این سیاست ایجاد کرده است و بسیاری معتقدند کارزار جدید نیز، مانند تحریم‌های پیشین آمریکا، به نتیجه مورد نظر واشنگتن منجر نخواهد شد. واکنش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد که واشنگتن برای پیشبرد کارزار فشار اقتصادی علیه ایران با موانع جدی روبه‌روست. چین، به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری ایران، با تشدید فشارهای آمریکا مخالفت کرده و روسیه نیز از منتقدان سیاست تحریمی واشنگتن است. حتی قطر، که از متحدان نزدیک آمریکا در منطقه به شمار می‌رود، نسبت به تشدید فشارها و پیامدهای آن برای ثبات منطقه ابراز نگرانی کرده است. تحلیلگران بین‌المللی نیز معتقدند، آمریکا بدون همراهی چین و کشورهای حاشیه خلیج فارس، با دشواری جدی مواجه خواهد شد.

> لین جیان سخنگوی وزارت خارجه چین: همکاری چین و ایران همواره در چارچوب حقوق بین‌الملل انجام شده است و نباید مورد مداخله یا اخلال قرار گیرد

مخالفت با فشار آمریکا

در واکنش به اظهارات ترامپ، تحلیلگران معتقدند، سیاست جدید فشار اقتصادی واشنگتن، به طور مشخص سه کشور چین، امارات متحده عربی و ترکیه را که از مهم‌ترین شرکای تجاری ایران به شمار می‌روند، هدف قرار خواهد داد. در همین راستا، لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در نشست خبری روز سه‌شنبه به تهدیدهای آمریکا برای اعمال تحریم علیه کشورهای دارای روابط اقتصادی با ایران واکنش نشان داد و گفت: «روابط تجاری پکن و تهران مطابق قوانین جهانی است.» لین جیان اظهار کرد: «همکاری چین و ایران همواره در چارچوب حقوق بین‌الملل انجام شده است و نباید مورد مداخله یا اخلال قرار گیرد. چین تحولات مرتبط را با دقت زیر نظر دارد و تمام اقدامات لازم را برای قاطعانه دفاع کردن از حقوق و منافع خود اتخاذ خواهد کرد.»

این موضع‌گیری در حالی مطرح شد که پکن طی روزهای گذشته نیز چندین بار درباره پیامدهای سیاست فشار اقتصادی واشنگتن هشدار داده بود. سخنگوی وزارت خارجه چین روز دوشنبه اعلام کرد، «تحریم و اعمال فشار نه‌تنها کمکی به حل مسائل نمی‌کند، بلکه موجب تشدید تنش‌ها خواهد شد و در راستای منافع هیچ‌یک از طرف‌ها نیست.» وی با اشاره به اینکه پکن تحولات مرتبط را از نزدیک دنبال خواهد کرد، افزود که برای حفاظت از حقوق و منافع مشروع خود، اقدامات ضروری را اتخاذ خواهد کرد.

این دیپلمات چینی همچنین روزهای پنجشنبه و جمعه گذشته با محکومیت فشارهای آمریکا علیه ایران، تصریح کرده بود، «چین با تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی که فاقد مبنای حقوق بین‌الملل بوده و از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد مجاز نشده‌اند، مخالف است.»

در کنار چین، قطر نیز بر مخالفت خود با رویکرد تحریمی واشنگتن و ضرورت حل بحران از مسیر دیپلماسی تأکید کرده است. ماجد انصاری، سخنگوی وزارت خارجه قطر، درباره برنامه فشار اقتصادی آمریکا بر ایران گفت، «این تحریم‌ها یکجانبه هستند و قطر از حل مناقشه با میانجیگری حمایت می‌کند.» ماجد انصاری گفت: «این تحریم‌ها یکجانبه هستند. تحریم سازمان ملل نیستند. تحریم‌های چندجانبه هم نیستند، بنابراین، این پرسش باید برای کسانی مطرح شود که تصمیم به اعمال این تحریم‌ها گرفته‌اند. از نظر ما اولویت همواره دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک از طریق گفت‌وگو بوده است.»

روسیه نیز پیش‌تر موضعی مشابه اتخاذ کرده و درباره پیامدهای تشدید فشار اقتصادی آمریکا علیه تهران هشدار داده بود. میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین، در همین رابطه در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «ایران چندین دهه است که تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد. تهران در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ نشان داد توان ایستادگی در برابر سیاست فشار حداکثری را دارد. اگر واشنگتن واقعاً می‌خواهد به هر یک از اهداف خود دست یابد، راه نادرستی را برگزیده است. نتایج مثبت تنها از طریق دیپلماسی صادقانه قابل دستیابی است. هرچه ایالات‌متحده زودتر به این واقعیت پی ببرد، بهتر خواهد بود.»

مجموع این مواضع نشان می‌دهد، واشنگتن برای اجرای یک کارزار اقتصادی فراگیر علیه ایران، تنها با تهران مواجه نیست؛ بلکه باید با مخالفت شماری از شرکای مهم اقتصادی ایران و حتی برخی کشورهای منطقه نیز روبه‌رو شود. همین مسأله می‌تواند اجرای سیاست جدید آمریکا و تبدیل تهدیدهای تحریمی به فشار اقتصادی مؤثر بر ایران را به‌مراتب دشوارتر کند.

یک بام و دو هوایی ترامپ

تحلیلگران بین‌المللی معتقدند فشار اقتصادی بر ایران با چالش‌هایی جدی و نتیجه‌ای نامطمئن روبه‌روست

ترامپ از شوک جهانی می‌ترسد

دنیل فرید
معاون سابق وزیر خارجه آمریکا در امور اروپا

تحریم‌های جدید علیه ایران که بسنت بعدازظهر دوشنبه اعلام کرد، به گفته خود او صرفاً «شلیک هشدار» بود، نه ضربه‌ای که بتواند اقتصاد ایران را از پا درآورد. تحریم‌های اعلام‌شده قرار است شرکت‌هایی در ایران، چین و برخی کشورهای دیگر، همچنین نفتکش‌های ناوگان موسوم به «ناوگان سایه» و دیگر اهداف مرتبط را دربرگیرد. با این حال، هیچ‌یک از این اقدامات تغییری اساسی در شرایط ایجاد نمی‌کند. لحن بسنت تند و تهدیدآمیز بود، اما شدت ضربه چندان زیاد نبود؛ هرچند او وعده داد اقدامات بیشتری در راه است، از جمله تحریم یک «مؤسسه مالی بزرگ» در اواخر همین هفته.

برای وارد کردن ضربه‌ای فلج‌کننده به اقتصاد ایران، احتمالاً آمریکا باید شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ چینی را نیز هدف قرار دهد؛ اقدامی که امروز انجام نشد. یک نکته قابل‌تأمل در این میان، پاسخ بسنت به این پرسش بود که چرا این اعلامیه بیشتر جنبه هشدار داشت تا اقدام عملی. او گفت نمی‌خواهد «نظام مالی جهانی را منفجر کند». این پاسخ قابل‌توجه است: آمریکا کشورهای ثالثی را که روابط اقتصادی خود با ایران را قطع نکنند به اقدام متقابل تهدید می‌کند، اما اجرای چنین تهدیدی هزینه‌ها و خطراتی دارد که به نظر می‌رسد خود بسنت نیز تمایل چندانی به پذیرفتن آنها ندارد. به نظر می‌رسد برخی اعضای دولت آمریکا نیز به این واقعیت واقف شده‌اند که پیروزی سریع و قاطع بر ایران از طریق زور نظامی چندان محتمل نیست و به همین دلیل تلاش می‌کنند به رویکردی پایدارتر و بلندمدت‌تر بازگردند. با این حال، حفظ چنین رویکردی آسان نخواهد بود؛ بویژه برای دولتی که به بی‌صبری و نوسان در سیاست‌گذاری شهرت دارد.

پکن برای ضدحمله آماده است

دکستر تیف رابرتس
سردبیر آسیا در نشریه بلومبرگ بیزنس‌ویک

برای چین، تهدیدهای تجاری ترامپ چیز تازه‌ای نیست؛ تهدیدهایی که معمولاً جزئیات چندانی ندارند و در بسیاری از موارد، پیش از اجرا به تعدیل یا عقب نشینی می رسند. بسنت اگرچه گفت چین نیز در اعمال مجازات علیه کشورها و شرکت‌هایی که با ایران تجارت می‌کنند، از این قاعده مستثنی نخواهد بود، اما هیچ جدول زمانی مشخصی برای اجرای این اقدامات ارائه نکرد و نگفت دقیقاً چه مجازات‌هایی ممکن است اعمال شود.

همچنین وقتی بسنت گفت ترامپ با رهبران کشورهای مختلف تماس می‌گیرد و «درخواست‌های مشخصی» را مطرح می‌کند، عملاً فضای زیادی برای رئیس‌جمهوری آمریکا باقی گذاشت تا در ادامه خواسته‌های خود را تعدیل کند یا زمان‌بندی اجرای آنها را آن‌قدر به تعویق بیندازد که عملاً بی‌اثر شوند؛ موضوعی که پکن بدون تردید از آن آگاه است. در همین حال، پکن به‌سرعت در حال تقویت مجموعه قوانین و مقررات خود برای مقابله با تحریم‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه است؛ ابزارهایی که اگر آمریکا واقعاً تهدیدهای خود را با شدت اجرا کند، احتمالاً چین از آنها برای پاسخ سخت استفاده خواهد کرد. برای مثال، اگر واشنگتن بانک‌های چینی را تحریم کند، پکن می‌تواند اقدامات متقابل انجام دهد.

پکن نیز به‌خوبی می‌داند که واشنگتن احتمالاً تمایلی ندارد درست پیش از سفر شی جین‌پینگ به آمریکا و از آن مهم‌تر در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای، وارد یک جنگ تجاری جدید و دوطرفه با چین شود؛ جنگی که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی سنگینی برای آمریکا به همراه داشته باشد. چین نیز با واکنش اخیر روزنامه حزبی گلوبال تایمز نشانه‌هایی از موضع سختگیرانه احتمالی خود نشان داده است.

این روزنامه با استقبال از مقاومت کانادا در برابر تحریم‌های آمریکا، اقدام اتاوا را یک «ضدحمله به سبک چینی» توصیف کرد.

واشنگتن باید هزینه بیشتری بپردازد

خالد عظیم
مدیر خاورمیانه و شمال آفریقای شورای آتلانتیک

اثربخشی تحریم‌ها باید بر اساس هدف آنها سنجیده شود. با اینکه «عملیات طرد اقتصادی» ممکن است تا حدی فشار مالی بر دولت ایران وارد کند اما به نظر می‌رسد پیامدهای اقتصادی این اقدام، احتمالاً بسیار محدودتر از آن چیزی خواهد بود که لحن مقام‌های دولت آمریکا نشان می‌دهد. ایران تجربه قابل‌توجهی در سازگار شدن با تحریم‌ها دارد و طی سال‌های گذشته، با تغییر مسیر تراکنش‌ها و انتقال فعالیت‌های تجاری و مالی به کانال‌های جایگزین، راه‌هایی برای دور زدن محدودیت‌ها پیدا کرده است.

نکته مهم دیگر، فاصله زمانی میان اعلام تحریم‌ها و اجرای مؤثر آنهاست. ایران می‌تواند از این فرصت برای سازگار شدن با شرایط جدید استفاده کند. از این منظر، اجرای تحریم‌ها شبیه یک بازی «موش و گربه» است: هر بار که یک نهاد یا کانال مالی مسدود می‌شود، فعالیت‌ها به سازوکار دیگری منتقل می‌شوند؛ سازوکاری که اغلب غیرمتعارف‌تر و پیچیده‌تر است.

شاید مهم‌تر از همه، همان‌طور که برخی دیگر نیز اشاره کرده‌اند، نبود شرکت‌ها و نهادهای بزرگ چینی و دیگر بازیگران آسیایی در فهرست اقدامات امروز، درباره میزان اثربخشی نهایی این کارزار تردید ایجاد می‌کند. اگر آمریکا حاضر نباشد هزینه‌های قابل‌توجهی به مهم‌ترین طرف‌های خارجی وارد کند که تجارت و جریان‌های مالی ایران را تسهیل می‌کنند، به نظر می‌رسد «عملیات طرد اقتصادی» در نهایت تأثیر اقتصادی محدودی خواهد داشت.

در نهایت، میزان اثربخشی این تحریم‌ها باید بر اساس هدفی که برای آنها تعیین شده است سنجیده شود.

آزمون دشوار همراه کردن همسایگان ایران

اندرو ال. پیک
مدیر ابتکار «تاب‌آوری امنیت ملی» در شورای آتلانتیک

چالش اصلی این کارزار اقتصادی علیه ایران، اجرای آن است؛ مأموریتی دشوار در عرصه دیپلماسی. نهادهایی در عراق، کشورهای حوزه خلیج فارس، چین و دیگر نقاط جهان که با ایران معامله می‌کنند، حدود ۳۰ سال است که با تحریم‌های ثانویه آمریکا سروکار دارند. آنها برای مقابله با این فشارها راه‌های جایگزین و سازوکارهای حفاظتی ایجاد کرده‌اند و به‌سادگی مرعوب نمی‌شوند.

از این رو، نمایندگان ترامپ باید با کشورها و نهادهایی که همچنان با تحریم‌ها همراهی نمی‌کنند، وارد مذاکره شوند و پیامی روشن برای قطع این همکاری‌ها ارسال کنند؛ بدون آنکه اثر بازدارندگی تهدیدهای آمریکا در ملاحظات و تعارفات دیپلماتیک کمرنگ شود.

به طور قطع مقامات ایران پیش از آنکه تسلیم فشار اقتصادی شوند «پاسخ متقابل خواهند داد». ایران در برابر تشدید فشار تحریمی، احتمالاً اقدامات نظامی علیه همسایگان خود را افزایش خواهد داد تا مانع از همکاری کامل آنها با آمریکا شود.

تهران تلاش خواهد کرد عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس را وادار کند رویکردی محتاطانه و دوپهلو در پیش بگیرند و اجازه دهند جریان پول به ایران ادامه پیدا کند. با این حال، تهران تلاش خواهد کرد از همسایگان خود به اندازه‌ای منابع ارزی به دست آورد که بتواند در برابر این فشارها دوام بیاورد و از کارزار اقتصادی آمریکا بیشتر مقاومت کند.

فشار بر ایران، هزینه برای آمریکا و متحدانش

نیت سوانسون
مدیر پیشین پرونده ایران در شورای امنیت ملی آمریکا

تا اینجا، «روز دی (D Day) اقتصادی» دستاورد چندانی نداشته است؛ یک شعار جدید، تحریم‌هایی نسبتاً معمول و تهدید به اعمال تحریم‌های بیشتر در آینده. چنین اقداماتی در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، امری عادی بود.

اما فرض کنیم که پشت تعهد بسنت، برنامه‌ای مشخص وجود دارد. در این صورت، اقدامات دولت آمریکا ممکن است آن را یک گام موفقیت‌آمیز علیه ایران بداند؛ راهبردی که هزینه آن ممکن است به اندازه‌ای سنگین باشد که عملاً شکست محسوب شود.

پرسش این است که این فشارها با چه هزینه‌ای اعمال خواهد شد؟ و حتی اگر کارزار فشار اقتصادی موفق شود، در نهایت چه دستاوردی خواهد داشت؟ چین مهم‌ترین شریک تجاری ایران است و سال‌هاست تحریم‌های آمریکا را دور زده و نشانه چندانی از تغییر این رویکرد نشان نداده است.

آیا دونالد ترامپ واقعاً حاضر است برای انجام اقدامات لازم علیه بانک‌ها، پالایشگاه‌ها و بنادر چین و محدود کردن تجارت این کشور با ایران، خطر برهم خوردن تنش‌زدایی تجاری با پکن را بپذیرد؟ آیا اقتصاد آمریکا برای مقابله با اقدامات تلافی‌جویانه چین آمادگی دارد؟ اجرای چنین اقداماتی بسیار دشوار خواهد بود، بویژه درست در آستانه سفر شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین.

از سوی دیگر، وضعیت کشوری مانند امارات متحده عربی را در نظر بگیرید؛ کشوری که در عین حال که یکی از شرکای مهم تجاری ایران و از مسیرهای اصلی دور زدن تحریم‌هاست، در صورت تبعیت از خواسته‌های دولت آمریکا، ممکن است با واکنش تند تهران روبه‌رو شود. ایران احتمالاً حملات خود علیه امارات و دیگر زیرساخت‌های انرژی منطقه را از سر خواهد گرفت.

اما اگر امارات از همکاری با آمریکا خودداری کند، ممکن است با تحریم‌های واشنگتن مواجه شود. در مجموع، یک کارزار فشار اقتصادی که به‌درستی اجرا شود، به ایران آسیب خواهد زد؛ اما در عین حال به آمریکا و متحدانش در خلیج فارس نیز ضربه خواهد زد.

بدون چین و کشورهای خلیج فارس، فشار حداکثری ممکن نیست

جاناتان پانیکوف
مدیر ارشد ابتکار امنیت خاورمیانه در شورای آتلانتیک

کنفرانس بسنت، پرسش‌های مهمی را بی‌پاسخ گذاشت؛ از جمله اینکه کشورهای مختلف چه مدت فرصت دارند اقدامات جدی و مؤثری برای منزوی کردن بیشتر اقتصادی ایران انجام دهند و این اقدامات دقیقاً چه خواهند بود. با این حال، آنچه می‌دانیم این است که این سیاست از برخی جهات یادآور کارزار «فشار حداکثری» ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری اوست. این بار برخلاف آن دوره، چنین رویکردی ممکن است موفق شود، اما منزوی کردن ایران به سال‌ها سیاست منسجم و مستمر آمریکا نیاز خواهد داشت و احتمالاً این روند از پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ نیز فراتر خواهد رفت. چالش اصلی اینجاست که برخلاف یک دهه پیش، کشورهای حوزه خلیج فارس دیگر پیشگام تلاش برای منزوی کردن ایران نیستند. متقاعد کردن قدرت‌های خلیج فارس، بویژه عربستان سعودی ـ که در شرایط کنونی به سمت دیپلماسی و بهبود روابط با ایران حرکت کرده است ـ برای منزوی کردن اقتصادی تهران، دشوار خواهد بود و به تعهد جدی و برنامه‌ریزی راهبردی آمریکا نیاز دارد. علاوه بر این، اجرای این طرح در شرایطی به همراهی گسترده جهانی نیاز دارد که جایگاه آمریکا نزد متحدان سنتی‌اش تضعیف شده است؛ جلب حمایت رقبای واشنگتن نیز دشوارتر خواهد بود. تصور موفقیت این سیاست بدون همراهی جدی چین دشوار است؛ چه پکن داوطلبانه با اعمال فشار بر ایران موافقت کند ـ که بعید به نظر می‌رسد ـ و چه آمریکا با اعمال تحریم‌های هدفمند و سنگین علیه نهادهای مهم چینی، آن را به این کار وادار کند. از سوی دیگر، کشورهای حوزه خلیج فارس ممکن است در واکنش به افزایش فشار آمریکا، بیش از پیش به چین نزدیک شوند. تردیدهای کشورهای منطقه درباره میزان پایبندی ترامپ به این سیاست، چالش دولت آمریکا را پیچیده‌تر می‌کند. این تردیدها نیز بی‌دلیل نیست؛ چرا که تنها چند ماه پیش، ترامپ تفاهمنامه‌ای را امضا کرد که در عمل مسیری تقریباً معکوس را دنبال می‌کرد.

اخبار

پاسخگویی ویژه سامانه «از من بپرس» ثبت‌احوال در هفته دولت

سازمان ثبت احوال کشور اعلام کرد: سامانه «از من بپرس» همزمان با هفته دولت به صورت ویژه آماده پاسخگویی به پرسش‌ها و رفع مشکلات شهروندان است.
به گزارش ایرنا، این سامانه با شماره ۰۲۱۱۵۱۰ به‌عنوان درگاه ارتباطی سازمان ثبت احوال با مردم، در هفته دولت از ساعت ۷ صبح تا ۲۱ فعال است و شهروندان می‌توانند پرسش‌های خود درباره امور هویتی و نحوه ارائه خدمات را با کارشناسان مطرح کنند و پاسخ بگیرند. همچنین دستیار هوشمند ثبت احوال در پیام‌رسان «بله» به نشانی @Support_sabteahval و نیز از طریق لینک https://ble.ir/Support_sabteahval به شکل شبانه‌روزی در دسترس شهروندان قرار دارد. بر اساس این گزارش، کاربران می‌توانند در هر ساعت از شبانه روز پرسش‌های خود را با این دستیار هوشمند مطرح کنند و در صورت نیاز به راهنمایی تخصصی، از طریق سامانه «از من بپرس» با کارشناسان ثبت احوال ارتباط گیرند.

راه‌اندازی ۷۱ خانه حمایتی برای تسهیل بازگشت معلولان به جامعه

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از راه‌اندازی ۷۱ خانه حمایتی جدید در دو سال فعالیت دولت چهاردهم خبر داد و گفت: «این خانه‌ها با هدف کاهش اقامت افراد دارای معلولیت در مراکز شبانه‌روزی، تقویت استقلال فردی و فراهم کردن زمینه بازگشت پایدار آنان به خانواده و جامعه ایجاد شده‌اند.» به گزارش ایرنا، فاطمه عباسی با اشاره به افزایش ۳۰ درصدی تعداد خانه‌های توانبخشی افراد دارای معلولیت گفت: «سازمان بهزیستی با اجرای الگوی توانبخشی جامعه‌محور و توسعه خانه‌های حمایتی کوچک، تلاش می‌کند مدت اقامت افراد دارای معلولیت در مراکز شبانه‌روزی را کاهش دهد و زمینه پیوند پایدار آنان با خانواده و اجتماع را فراهم کند.» او توضیح داد: «این خانه‌ها با فراهم کردن فضایی امن و مشابه محیط زندگی خانوادگی و همچنین ارائه خدمات مراقبتی و توانبخشی در مقیاس کوچک، فرصت تمرین خودمراقبتی، تقویت مهارت‌های فردی و افزایش استقلال اجتماعی را برای افراد دارای معلولیت فراهم می‌کنند.» عباسی با اشاره به رویکرد جدید سازمان بهزیستی در زمینه ترخیص افراد دارای معلولیت از مراکز شبانه‌روزی بیان کرد: «در الگوی جدید ارائه خدمات، فرآیند آماده‌سازی فرد برای ترخیص از همان ابتدای پذیرش آغاز می‌شود و هدف نهایی آن، بازگشت کامل و پایدار فرد به جامعه است.»

رئیس جمعیت هلال‌احمر در گفت‌وگو با «ایران» از ۶ هزار عملیات موفق هلال‌احمر در جنگ سوم می‌گوید

نجات ۷ هزار و ۲۵۰ هموطن از زیر آوار موشک‌ها

گزارش

مرجان قندی
گروه اجتماعی

جمعیت هلال‌احمر به‌عنوان بازوی اصلی امدادرسانی در شرایط بحرانی، در طول جنگ ۴۰ روزه رمضان با چالش‌هایی بی‌سابقه روبه‌رو بود. در این میان، تغییر استراتژی‌های عملیاتی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و بسیج نیروهای متخصص، به کارآمدی این مجموعه در مواجهه با خسارات ناشی از حملات دشمن کمک شایانی کرد. در همین راستا، با پیرحسین کولیوند، رئیس جمعیت هلال‌احمر گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

جمعیت هلال‌احمر در جریان جنگ ۴۰ روزه رمضان، با چه ترکیبی از نیروها وارد میدان شد؟ وضعیت آمادگی لجستیکی و سطح تجهیزاتی تیم‌های عملیاتی چگونه ارزیابی می‌شود؟

تا پیش از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، ۷۰ هزار نیروی متخصص و آموزش‌دیده عملیاتی داشتیم که با آسیب‌شناسی دقیق شرایط و رصد دقیق مشکلات در جنگ، موفق شدیم این ظرفیت را به ۱۱۰ هزار نیروی عملیاتی و امدادی ارتقا بدهیم. با تقویت تیم‌های واکنش سریع، بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند، پهپادها و نرم‌افزارهای تخصصی، توانستیم زمان حضور در محل حادثه را به کمتر از ۴ دقیقه کاهش بدهیم. در طول این نبرد، از میان ۱۱۰ هزار نیروی آموزش‌دیده و داوطلب، ۲۸ هزار نفر به‌صورت مستقیم در عملیات‌های امدادی به‌کارگیری شدند و مابقی نیروها به عنوان ذخیره و پشتیبان، در حالت آماده‌باش کامل قرار داشتند. در حوزه لجستیک هم تلاش کردیم توان عملیاتی خود را به سرعت ارتقا بدهیم. بهره‌گیری از ۷ هزار و ۶۰۰ دستگاه خودروی عملیاتی امداد و نجات و ۲ هزار و ۵۱۵ دستگاه آمبولانس، فقط بخشی از ظرفیت به کار گرفته شده برای خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان در حوادث اخیر بود. همچنین در همان ایام، موفق شدیم ناوگان خود را با وارد کردن ۲۰۰ دستگاه خودروی نجات و اقلام تخصصی جدید تقویت کنیم تا روند خدمت‌رسانی به آسیب‌دیدگان بدون وقفه ادامه یابد.

جذب و سازماندهی یک میلیون و ۶۰۰ هزار داوطلب جدید در شرایط بحرانی جنگ، آمار خیره‌کننده‌ای است. با توجه به حجم بالای تقاضا، چه سازوکاری برای احراز هویت، آموزش و ساماندهی این نیروها اتخاذ شد تا کارآمدی عملیاتی آنها تضمین شود؟

جمعیت هلال‌احمر پیش از آغاز جنگ، ۴ میلیون داوطلب داشت که در این بازه زمانی، یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر دیگر نیز به این شبکه گسترده مردمی پیوستند. ما معتقدیم توانمندسازی نیروهای داوطلب در حوزه امداد، نقش کلیدی در ارتقای تاب‌آوری جامعه و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها دارد؛ بنابراین جذب داوطلبان فقط به معنای ثبت‌نام نیست. تمامی نیروهای جدید بلافاصله تحت آموزش‌های تخصصی قرار گرفتند. این آموزش‌ها با هدف افزایش توان عملیاتی و ارتقای سطح آمادگی در شرایط سخت طراحی شده است. پس از پایان دوره‌های آموزشی، داوطلبان باید در آزمون‌های دشوار مهارتی و آمادگی جسمانی شرکت کنند. این فرآیند کاملاً مبتنی بر شیوه‌نامه‌های اجرایی و با نظارت مستقیم معاونت عملیات سازمان امداد و نجات انجام می‌شود. در نهایت، فقط افرادی که موفق به کسب امتیاز لازم در این آزمون‌ها شوند، به‌عنوان عضو اصلی یا احتیاط تیم‌های واکنش سریع در سطح کشور شناسایی و سازماندهی می‌شوند تا در عملیات‌های واقعی، بازوی توانمندی برای جمعیت باشند.

در جنگ رمضان حجم عملیات‌های جست‌وجو و نجات بسیار بالا بود؛ آمار دقیق عملیات‌ها و تعداد نجات‌یافتگان چقدر است و مهم‌ترین عوامل موفقیت در عملیات‌های حساس زنده‌یابی را چه می‌دانید؟

در طول جنگ تحمیلی سوم، امدادگران هلال‌احمر ۶ هزار و ۳ عملیات امدادرسانی موفق را در نقاط مختلف کشور با موفقیت انجام دادند که در نتیجه آن حدود ۷ هزار و ۲۵۰ نفر از زیرآوار ناشی از حملات موشکی دشمن نجات یافتند. براساس داده‌های رصدی، بیشترین حملات ابتدا به تهران و سپس به استان‌های هرمزگان، اصفهان، بوشهر، آذربایجان شرقی، خوزستان، فارس، مرکزی، سیستان و بلوچستان، البرز، قم، ایلام، همدان و دیگر استان‌ها وارد شد. در پاسخ به بخش دوم سؤال شما باید بگویم موفقیت در این عملیات‌ها، محصولِ هم‌افزایی آموزش، تجهیزات، تیم‌های جست‌وجوگر و هماهنگی بین‌دستگاهی بود. امدادگران ما در محیط‌هایی با ریسک بالای ریزش مجدد، کمبود اکسیژن، تاریکی مطلق و تحت فشارهای روانی شدید، بی‌وقفه مشغول خدمت بودند. شجاعت مثال‌زدنی و ازخودگذشتگی این نیروها، جان بسیاری از هم‌وطنان را از مرگ حتمی نجات داد. در کنار نیروی انسانی، فناوری‌های نوین نیز نقش حیاتی داشتند؛ دستگاه‌های زنده‌یاب مجهز به حسگرهای حرارتی، حرکتی و صوتی، امکان شناسایی علائم حیاتی را حتی در پیچیده‌ترین شرایط فراهم می‌کردند. همچنین تیم‌های سگ‌های زنده‌یاب و جسدیاب با آموزش‌های تخصصی، در خطرناک‌ترین شرایط عملیاتی حضوری مؤثر داشتند. شدت و خطر بالای مأموریت‌ها به‌قدری بود که متأسفانه تعدادی از این سگ‌های فداکار نیز در جریان عملیات‌ها دچار مصدومیت شدند که نشان‌دهنده شدت و خطر بالای مأموریت‌هاست.

با توجه به گستردگی و شدت حملات در جنگ رمضان، در تأمین تجهیزات یا نیروهای متخصص با چالش یا کمبودی مواجه شدید؟

خوشبختانه در جمعیت هلال‌احمر با هیچ‌گونه کمبودی از نظر تجهیزات و امکانات مواجه نشدیم. ما از نیروهایی بسیار قوی، بااقتدار و شجاع برخوردار بودیم که باعث شد در تمامی نقاط وقوع انفجار یا حملات موشکی، تیم‌های عملیاتی ما حداکثر ظرف ۳ تا ۴ دقیقه به عنوان اولین گروه امدادی در محل حادثه حضور یابند. همان‌طور که اشاره کردم، جمعیت هلال‌احمر از ظرفیت ۱۱۰ هزار نیروی داوطلب آموزش‌دیده بهره‌مند است که در این جنگ فقط ۲۸ هزار نفر از آنان در میدان عملیات به کار گرفته شدند و مابقی نیروها به عنوان ذخیره استراتژیک در حالت آماده‌باش کامل قرار داشتند؛ بنابراین در حوزه نیروی انسانی نیز کاملاً بی‌نیاز بودیم. در زمینه پشتیبانی خارجی هم ما از هیچ کشوری درخواست کمک نکردیم، اما سیاست ما این بود که اگر کمکی از سوی نهادها یا کشورهای دیگر ارائه می‌شد، با استقبال آن را می‌پذیرفتیم و بلافاصله در استان‌ها توزیع می‌کردیم.

در جنگ رمضان، آمار دقیق خدمات پزشکی هلال‌احمر به تفکیک درمان‌های سرپایی و اعزام به مراکز درمانی چگونه بود و وضعیت تفحص شهدا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نیروهای هلال‌احمر در تمامی مراحل این جنگ، با اولویت‌بندی دقیق، خدمات امداد و درمان را ارائه دادند. در همین راستا، ۷ هزار و ۱۴۴ نفر از مجروحان که نیازمند خدمات تخصصی فوری بودند، در کمترین زمان ممکن برای مداوا به مراکز درمانی منتقل شدند. علاوه بر این، ۱۰ هزار مصدوم نیز در محل و به صورت سرپایی درمان شدند و نیاز به اعزام بیمارستانی نداشتند. در خصوصِ شهدا هم باید بگویم با تلاش شبانه‌روزی و تخصصی تیم‌های امدادی، پیکر تمام شهدا در عملیات‌ها تفحص شد و این وظیفه انسانی به طور کامل به سرانجام رسید.

> انبارهای پشتیبانی هلال‌احمر در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم هیچ وقت با کمبود مواجه نشدند. در ایام جنگ کمک‌ها را بلافاصله توزیع می‌کردیم و امروز هم انبارهای هلال‌احمر برای پاسخگویی به نیازهای کشور کاملاً آماده‌اند

دشمن در جریان جنگ رمضان، زیرساخت‌های امدادی را هدف حملات مستقیم قرار داد. چه میزان خسارت به ناوگان و مراکز هلال‌احمر وارد شد و برآورد مالی این آسیب‌ها چقدر است؟

بله متأسفانه در این جنگ، ماهیت بشردوستانه هلال‌احمر از سوی دشمن نادیده گرفته شد و شاهد حملات مستقیم به تجهیزات و مراکز بودیم. در طول عملیات‌ها، ۵۶ مرکز هلال‌احمر هدف قرار گرفتند. همچنین در بخش ناوگان عملیاتی، ۳ فروند بالگرد آسیب دید که یکی از آنها به‌طور کامل منهدم شد؛ جالب است بدانید که فقط همان یک فروند بالگرد ازدست‌رفته، بالغ بر یک هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان خسارت مالی روی دست سازمان گذاشت. علاوه بر بالگردها، ۴۳ آمبولانس و ۴۹ خودروی نجات ما نیز در حملات آسیب دیدند. در مجموع برآوردها، دشمن در این جنگ، بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد تومان (۱۰ همت) خسارت مستقیم به زیرساخت‌های حیاتی هلال‌احمر ایران وارد کرد؛ با این حال، حتی برای لحظه‌ای امدادرسانی را متوقف نکردیم.

با توجه به خسارات سنگین وارده به ناوگان امدادی، چه برنامه‌ای برای جایگزینی تجهیزات و تقویت لجستیک دارید؟ آیا برای حملات احتمالی آینده، تدابیرِ پیشگیرانه‌ای اتخاذ شده است؟

ما حتی در اوج جنگ هم لحظه‌ای از توسعه ناوگان غافل نشدیم. در آن بازه ۴۰ روزه، با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و خارجی، علاوه بر به‌کارگیری ۷ هزار و ۶۰۰ دستگاه خودروی نجات و ۲ هزار و ۵۰۰ آمبولانس، موفق شدیم ۲۰۰ دستگاه خودروی امدادی جدید نیز برای نجات جان هم‌وطنان وارد کنیم. در حوزه ناوگان هوایی، تفاهمنامه خرید ۲۰ فروند بالگرد اختصاصی امدادی را مستقیماً با طرف روس منعقد کرده‌ایم. همچنین تا پایان سال جاری، ۵ فروند بالگرد مجهز به دید در شب و یک هزارو ۵۰۰ دستگاه خودروی امدادی سبک و سنگین شامل آمبولانس و خودروهای کمک‌دار به ناوگان هلال‌احمر ملحق خواهند شد. امروز آمادگی ما نه تنها در مناطق درگیر، بلکه در سراسر کشور برای هر سناریوی احتمالی، در سطحی بسیار مطلوب است؛ به طوری که شاخص‌های عملیاتی‌مان نسبت به دوران جنگ ارتقا یافته است. ما تمامی عملیات‌ها را پس از جنگ تحلیل کردیم و بر اساس تحلیلِ نقاط قوت و ضعف، ساختار امدادی جدیدی را تدوین کرده‌ایم که با تکیه بر داوطلبان مردمی و خیرین، در سطح جهانی کم‌نظیر است.

در این جنگ، هماهنگی هلال‌احمر با دیگر دستگاه‌ها مثل وزارت بهداشت، آتش‌نشانی، اورژانس و مدیریت بحران چگونه بود؟

هماهنگی میان جمعیت هلال‌احمر و سایر دستگاه‌های امدادی و درمانی، جلوه‌ای از هم‌افزایی و مدیریت یکپارچه بحران بود. امدادگران هلال‌احمر، نیروهای آتش‌نشانی، اورژانس و کادر درمان، در کنار یکدیگر برای کاهش خسارات، تسریع در امدادرسانی و کمک به آسیب‌دیدگان تلاش کردند. این همکاری نزدیک، هم سرعت عملیات را افزایش داد و هم به کاهش آلام مردم کمک کرد. جمعیت هلال‌احمر نیز با اتکا به شبکه گسترده داوطلبان، ظرفیت‌های پشتیبانی و تجربه خود در مدیریت بحران، در کنار سایر نهادها ایفای نقش کرد. در حوزه دارو و خدمات سلامت نیز، هلال‌احمر همکاری‌های گسترده‌ای با سازمان غذا و دارو داشت. بهره‌گیری از ظرفیت‌های دو مجموعه در زمینه تأمین، توزیع و پایش دارو، به ارتقای آمادگی در شرایط عادی و اضطراری کمک کرد و در قالب تفاهمنامه‌هایی نیز این همکاری‌ها تقویت شد. این روحیه هم‌افزایی مصداق آیه شریفه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» است و نشان می‌دهد که نیروهای امدادی کشور در مسیر ارزش‌های الهی و انسانی گام برمی‌دارند.

درباره انبارها، تأمین داروهای خاص، غذا و اسکان اضطراری در این ایام هم توضیح می‌دهید؟

جمعیت هلال‌احمر در این ایام، با تمام توان در صف اول پاسخگویی به نیازهای مردم قرار داشت. مراکز بهداشتی و درمانی و داروخانه‌های جمعیت به‌صورت فعال به ارائه خدمات ادامه دادند و در تأمین دارو، بویژه برای بیماران خاص و صعب‌العلاج، نقش مؤثری ایفا کردند. در این مدت، حدود ۳۴۰ هزار نسخه پذیرش شد و در برخی موارد، داروها به منازل بیماران نیز ارسال شد. داروخانه‌ها و مراکز توانبخشی هلال‌احمر نیز به‌صورت شبانه‌روزی فعالیت کردند تا بیماران در شرایط سخت با مشکل مواجه نشوند. از سوی دیگر، انبارهای پشتیبانی هلال‌احمر در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم هیچ وقت با کمبود مواجه نشدند. در ایام جنگ کمک‌ها را بلافاصله توزیع می‌کردیم و امروز هم به یاری خدا انبارهای هلال‌احمر برای پاسخگویی به نیازهای کشور کاملاً آماده‌اند. این در حالی است که حتی انبارهای هلال‌احمر هم بر خلاف کنوانسیون‌های ژنو و قواعد مسلم حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از تجاوز دشمن در این جنگ مصون نماندند، از جمله انبار ما در بوشهر. این بحران نه‌تنها موجب تضعیف توان امدادی کشور نشد، بلکه ظرفیت‌ها و آمادگی‌های عملیاتی را تقویت کرد و امروز هلال‌احمر با توان بیشتری برای هرگونه مأموریت امدادی و بشردوستانه آماده است.

هلال‌احمر در این ۴۰ روز فقط نقش واکنشگر را ایفا کرد یا توانست نقش پیش‌دستانه هم داشته باشد؟ کدام بخش از این تجربه باید به‌عنوان الگوی دائمی برای بحران‌های آینده حفظ شود؟

عملکرد جمعیت هلال‌احمر در طول این جنگ، نشان‌دهنده آمادگی بالای این نهاد پیش از وقوع بحران بود. آماده‌باش بیش از ۱۱۰ هزار نیروی عملیاتی، سازماندهی هزاران تیم امدادی، پیش‌بینی نیازهای لجستیکی و حضور گسترده نیروها در نقاط مختلف کشور، ثابت کرد که هلال‌احمر از حالت واکنش صرف به سمت آمادگی پیش‌دستانه حرکت کرده است. ما موفق شدیم از همان ابتدای بحران، فاصله زمانی میان وقوع حادثه و رسیدن امدادگران به صحنه را به حداقل برسانیم. این جنگ به ما آموخت که در بحران‌های آینده، پیش‌دستانه بودن فقط به معنای آماده‌باش نیرو و تجهیزات نیست و باید پیش از وقوع حادثه، سناریوهای مختلف را طراحی کرد. شناسایی دقیق نقاط پرخطر، تعیین مسیرهای دسترسی، سنجش ظرفیت‌های اسکان اضطراری، مدیریت زنجیره تأمین، تعیین مراکز درمانی پشتیبان، ایجاد سیستم‌های ارتباطی جایگزین و حتی پیش‌بینی نیازهای روانی مردم، همگی از ارکان اصلی آمادگی پیش‌دستانه هستند. در واقع، تجربه این جنگ ۴۰ روزه یک پیام روشن برای ما داشت؛ هلال‌احمر آینده باید قبل از حادثه آماده باشد، در لحظه حادثه با سرعت عمل کند و بعد از حادثه نیز برای بازگشت مردم به زندگی عادی در کنار آنها بماند.

در این بحران، مردم چقدر با هلال‌احمر همکاری کردند و میزان اعتماد عمومی به این نهاد تا چه اندازه افزایش یافت؟ آیا تماس‌ها، گزارش‌ها و درخواست‌های مردمی بیش از ظرفیت پاسخ‌گویی شما بود؟

در طول مدت جنگ، مردم فقط دریافت‌کننده خدمات نبودند، در بسیاری از نقاط، داوطلبان، خیرین و گروه‌های مردمی نیز در کنار امدادگران وارد میدان شدند و به روند امدادرسانی کمک کردند. حجم بالای تماس‌ها و درخواست‌های مردمی نشان داد که هلال‌احمر به‌عنوان نهادی قابل اعتماد در زمان بحران شناخته می‌شود. اساس فعالیت جمعیت، خدمت بی‌منت به مردم است و در این جنگ تحمیلی نیز اعتماد عمومی به این نهاد، نتیجه سال‌ها ایثار و تلاش بی‌ادعای امدادگران بود.
در این بازه زمانی، بیش از ۲۱۳ هزار تماس مشاوره‌ای از طریق سامانه ۴۰۳۰ پاسخ داده شد و مجموع زمان ارائه خدمات به بیش از یک میلیون دقیقه، معادل ۱۷ هزار ساعت رسید. این حجم از خدمت، نشان‌دهنده فعالیت مستمر ۲۴۰۲ مشاور متعهد در سراسر کشور بود. طبیعی است که در بحرانی ۴۰ روزه، حجم نیازها از ظرفیت هر دستگاهی فراتر برود، اما تلاش کردیم ارتباط با مردم را حفظ کنیم و پاسخ‌گویی را متوقف نکنیم.

> در جریان جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، تهران بیشترین حجم حملات دشمن را تجربه کرد و به‌تبع آن، بیشترین فشار عملیاتی نیز بر این استان وارد شد. پس از تهران، هرمزگان و اصفهان در رتبه‌های بعدی قرار داشتند

برای حفظ سرمایه اجتماعی هلال‌احمر، چه برنامه‌ای دارید؟

سرمایه اجتماعی هلال‌احمر با عمل حفظ می‌شود؛ با حضور به‌موقع در کنار مردم، شفافیت در عملکرد و تقویت مشارکت داوطلبان و خیرین. یکی از مهم‌ترین وظایف ما، پاسداری از اعتماد مردم است؛ زیرا همین اعتماد، زمینه‌ساز مشارکت بیشتر و اثرگذاری بالاتر هلال‌احمر در بحران‌هاست. امروز مهم‌ترین پشتوانه جمعیت، داوطلبان متعهد و نیروهای خدمتگزار آن هستند. برنامه ما این است که این سرمایه انسانی و اجتماعی را توسعه دهیم و آن را به پشتوانه‌ای پایدار برای پاسخ‌گویی در بحران‌های آینده تبدیل کنیم. در کنار این، باید توان عملیاتی و آمادگی جمعیت نیز تقویت شود. بحران اخیر نشان داد که مردم، داوطلبان و خیرین می‌توانند بخشی مهم از توان امدادی کشور باشند. بنابراین حفظ اعتماد عمومی برای ما یک موضوع تشریفاتی نیست، بلکه بخشی از توان عملیاتی هلال‌احمر در بحران‌های آینده است.

کدام استان‌ها بیشترین فشار عملیاتی را تحمل کردند؟

در جریان این جنگ تحمیلی، تهران بیشترین حجم حملات دشمن را تجربه کرد و به‌تبع آن، بیشترین فشار عملیاتی نیز بر این استان وارد شد. پس از تهران، هرمزگان و اصفهان در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

اگر قرار باشد جنگ مشابهی دوباره رخ دهد، آیا هلال‌احمر امروز واقعاً آماده‌تر از قبل است؟

قطعاً؛ ما از تجربه جنگ ۱۲ روزه، نقاط ضعف را شناسایی و برطرف کردیم. تعداد نیروهای واکنش سریع را از ۷۰ هزار نفر به بیش از ۱۱۰ هزار نفر رساندیم، تجهیزات جدید و آموزش‌های تخصصی را توسعه و ذخایر اقلام ضروری را افزایش دادیم. نتیجه این آمادگی را در جنگ ۴۰ روزه دیدیم؛ بیش از ۶ هزار عملیات انجام شد و بیش از ۷ هزار نفر نیز زنده از زیرآوار نجات یافتند. البته آمادگی هیچ‌گاه نقطه پایان ندارد. هر بحران برای ما فرصتی برای آسیب‌شناسی است و باید نقاط ضعف باقی‌مانده را نیز شناسایی و برطرف کنیم. اگر بحرانی مشابه دوباره رخ دهد، با تجربه‌ای که از جنگ ۴۰ روزه به دست آمده، هلال‌احمر از نظر نیروی انسانی، تجهیزات، سرعت عملیات، فناوری و آمادگی پیش از بحران، قطعاً یک گام جلوتر از گذشته خواهد بود.

اگر بخواهید عملکرد هلال‌احمر را در جنگ ۴۰ روزه در یک جمله جمع‌بندی کنید، مهم‌ترین نقطه قوت چه بود؟

مهم‌ترین نقطه قوت ما، ترکیبی از آمادگی پیش‌دستانه، انسجام در عملیات و عهد ناگسستنی نیروهای هلال‌احمر برای ایستادن در کنار مردم تا آخرین لحظه بحران بود.

سایپا سیتروئن
SAIPA CITROËN CO.
آگهی مناقصه عمومی
شرکت سایپا سیتروئن در نظر دارد موضوع اقلام ذیل را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واگذار نماید.
۱- طراحی، ساخت، نصب و راه‌اندازی دو دستگاه برج خنک‌کننده گالوانیزه مورد نیاز شرکت سایپا سیتروئن
متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROEN.COM مراجعه نمایند.
نکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیتروئن انجام خواهد پذیرفت.
محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات:
کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن، تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۱۸۲۹
معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

سایپا یدک
سازمان خدمات پس از فروش سایپا
آگهی مناقصه عمومی
شرکت بازرگانی سایپا یدک(سهامی خاص) در نظر دارد طراحی، استقرار، بهره‌برداری) پشتیبانی (و نگهداری مرکز عملیات امنیت (SOC) خود را، از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی داوطلب شرکت در مناقصه که دارای شرایط فوق و مجوزهای قانونی می‌باشند دعوت به‌عمل می‌آید جهت دریافت اسناد مناقصه و کسب اطلاعات بیشتر ظرف مدت ۷روز کاری (به‌جز پنج‌شنبه‌ها و ایام تعطیل) از تاریخ درج آگهی با در دست داشتن معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر در ساعات اداری (از ساعت ۸ الی ۱۶) به‌جز پنج‌شنبه و ایام تعطیل به دفتر مرکزی شرکت واقع در: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج، نبش خیابان داروپخش، اداره تدارکات داخلی مراجعه نمایند. قابل ذکر است آگهی مذکور در سایت اینترنتی این شرکت به آدرس www.saipayadak.org قابل مشاهده می‌باشد.
سپرده شرکت در مناقصه معادل
۴/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (چهار میلیارد و ششصد میلیون) ریال می‌باشد.
درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تماس ۶۱۶۱۱۴۹۹ تماس حاصل نمایید.

ایران سامانه آگهی‌های بازرگانی
پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
۱۸۷۷

چالش ناترازی بنزین و راه‌حل‌هایی که می‌کوشند بدون شوک اجرا شوند

اقتصاد بنزین از تثبیت قیمت تا مدیریت تقاضا

گزارش

گروه اقتصادی

بنزین در ایران دیگر فقط یک فرآورده نفتی یا یک قلم از سبد هزینه خانوار نیست؛ به مسأله‌ای تبدیل شده که همزمان با معیشت مردم، بودجه دولت، منابع ارزی، حمل‌ونقل عمومی و حتی تصور جامعه از عدالت گره خورده است. به همین دلیل نیز هر بحثی درباره اصلاح قیمت یا تغییر سهمیه‌بندی، به سرعت از محدوده محاسبات اقتصادی خارج می‌شود و به یک موضوع اجتماعی بدل می‌گردد.

سال‌ها تثبیت قیمت و پرداخت یارانه گسترده، بنزین را در ذهن بخش بزرگی از جامعه به کالایی متفاوت از سایر کالاها تبدیل کرده است. در این نگاه، سوخت ارزان تنها یک امتیاز اقتصادی نیست، بلکه بخشی از بهره‌مندی مردم از منابع طبیعی کشور تلقی می‌شود. نفت و گاز، سرمایه ملی شناخته می‌شوند و همین برداشت، حساسیت نسبت به هر تغییر در قیمت یا سازوکار توزیع بنزین را افزایش می‌دهد.

اما در سوی دیگر، رشد مداوم مصرف و محدودیت ظرفیت تولید داخلی قرار دارد. هنگامی که مصرف به سطحی می‌رسد که تولید داخلی پاسخگوی آن نیست، واردات بنزین به یک الزام تبدیل می‌شود؛ وارداتی که هزینه آن از منابع ارزی کشور تأمین می‌شود و در شرایط محدودیت ارزی، برای خرید بنزین مازاد بر تولید داخل فشار بیشتری بر بودجه عمومی وارد می‌کند. ادامه این مسیر، علاوه بر افزایش هزینه تأمین سوخت، می‌تواند ناترازی مالی دولت را تشدید کند و در نهایت از مسیر کسری بودجه، استقراض یا فشار بر شبکه بانکی، آثار خود را در اقتصاد کلان نشان دهد.

بنابراین مسأله بنزین را نمی‌توان تنها با این پرسش ساده خلاصه کرد که قیمت آن تغییر کند یا نکند. مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان مصرف را مدیریت کرد، بدون آنکه فشار ناگهانی و غیرقابل‌پیش‌بینی به خانوارها وارد شود؛ چگونه می‌توان جلوی افزایش هزینه واردات را گرفت و در عین حال، منافع حاصل از اصلاح را به‌صورت روشن و ملموس به جامعه بازگرداند.

از تثبیت قیمت تا ضرورت مدیریت مصرف

تثبیت بلندمدت قیمت بنزین اگرچه با هدف حمایت از قدرت خرید مردم انجام شده، اما در عمل انگیزه کافی برای کنترل مصرف ایجاد نکرده است. تفاوت چشمگیر میان قیمت داخلی و هزینه واقعی تأمین سوخت، همراه با افزایش تعداد خودروها، ضعف حمل‌ونقل عمومی و رشد سفرهای درون‌شهری، مصرف را به مسیری صعودی برده است.

در چنین وضعیتی، اتکا به افزایش ظرفیت پالایشگاهی به تنهایی پاسخگو نیست. توسعه تولید ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما همزمان باید برای سمت تقاضا نیز برنامه داشت. هر اندازه ظرفیت تولید افزایش یابد، اگر رشد مصرف مهار نشود، فاصله میان عرضه و تقاضا بار دیگر خود را نشان خواهد داد.

بحث اصلی در سیاست‌گذاری بنزین، باید انتقال تدریجی از «یارانه بدون تمایز» به «یارانه همراه با انگیزه صرفه‌جویی» باشد؛ مدلی که مصرف متعارف را حمایت کند، اما مصرف بالاتر از الگوی تعریف‌شده را بدون هزینه اضافی باقی نگذارد.

> تثبیت بلندمدت قیمت بنزین اگرچه با هدف حمایت از قدرت خرید مردم انجام شده، اما در عمل انگیزه کافی برای کنترل مصرف ایجاد نکرده است. تفاوت چشمگیر میان قیمت داخلی و هزینه واقعی تأمین سوخت، همراه با افزایش تعداد خودروها، ضعف حمل‌ونقل عمومی و رشد سفرهای درون‌شهری، مصرف را به مسیری صعودی برده است

سهمیه بر پایه ظرفیت تولید

یکی از پیشنهادهای مطرح در حوزه اصلاح سهمیه‌بندی، تعیین سقف مصرف یارانه‌ای بر اساس توان تولید داخلی است. در این الگو، به جای آنکه میزان عرضه یارانه‌ای بدون توجه به ظرفیت تولید و رشد مصرف ادامه پیدا کند، ابتدا حجم بنزین قابل تأمین از تولید داخلی مشخص می‌شود و سپس سهمیه پایه خودروها بر همان اساس تعیین می‌شود. محاسبه پیشنهادی بر مبنای یک فرض ساده شکل گرفته است: اگر تولید داخلی روزانه ۱۲۰ میلیون لیتر و تعداد خودروهای مشمول ۲۵ میلیون دستگاه در نظر گرفته شود، سهمی نزدیک به ۱۴۰ لیتر در ماه برای هر خودرو به دست می‌آید. در این چارچوب، سهمیه پایه با نرخ مشخص در اختیار خودرو قرار می‌گیرد و مصرف فراتر از آن از سازوکاری متفاوت تأمین می‌شود. اعداد یادشده، یک الگوی محاسباتی هستند و نه تصمیم اجرایی. تعیین سهمیه نهایی به آمار دقیق تولید، تعداد خودروهای فعال، سهم ناوگان عمومی، شرایط مناطق مختلف و الگوی تردد وابسته است. با این حال، مزیت این مدل آن است که رابطه میان تولید داخلی و میزان سهمیه یارانه‌ای را شفاف می‌کند؛ رابطه‌ای که در سال‌های گذشته کمتر به‌طور مستقیم در سیاست بنزینی دیده شده است.

برای جلوگیری از واردشدن شوک به الگوی مصرف خانوارها نیز می‌توان سهمیه را به صورت دوره‌ای، برای مثال دوماهه، تخصیص داد. در این صورت، مالک خودرو امکان بیشتری برای مدیریت مصرف خود خواهد داشت و مجبور نیست در بازه‌های کوتاه زمانی، تصمیم‌های عجولانه بگیرد.

بازار صرفه‌جویی انگیزه‌ای برای کاهش مصرف

بخش مهم این پیشنهاد، ایجاد بازار گواهی صرفه‌جویی است. در این سازوکار، مصرف کمتر از سهمیه پایه صرفاً به معنای باقی‌ماندن اعتبار در کارت سوخت نیست، بلکه می‌تواند ارزش اقتصادی پیدا کند. فردی که مصرف خود را کاهش می‌دهد، از صرفه‌جویی‌اش منتفع می‌شود و مصرف‌کننده‌ای که نیاز بیشتری دارد، هزینه مصرف مازاد را می‌پردازد. این مدل، منطق یارانه را از یک حمایت یکسان و بدون تفاوت، به سمت حمایت از مصرف متعارف و پاداش‌دادن به صرفه‌جویی تغییر می‌دهد. در واقع، هدف اصلی افزایش یکباره قیمت نیست، بلکه ایجاد علامت اقتصادی برای پرهیز از مصرف غیرضروری است.

برآورد مطرح‌شده این است که با اصلاح سازوکار سهمیه و ایجاد انگیزه قیمتی، امکان کاهش ۵ تا ۱۰ درصدی مصرف فراهم شود. حتی چنین کاهشی، در مقیاس مصرف روزانه کشور، می‌تواند اثر قابل‌توجهی بر نیاز به واردات و فشار بر منابع ارزی داشته باشد.

البته بازار گواهی صرفه‌جویی تنها زمانی می‌تواند نقش واقعی ایفا کند که قواعد آن روشن باشد. باید مشخص شود گواهی‌ها با چه ضابطه‌ای عرضه می‌شوند، قیمت آنها چگونه شکل می‌گیرد، چه نهادی بر بازار نظارت دارد و سازوکار جلوگیری از دلالی یا نوسان‌های غیرمتعارف چیست. مهم‌تر از همه، مردم باید بدانند منابع حاصل از فروش مصرف مازاد یا معاملات این بازار در چه مسیری هزینه خواهد شد.

بازگشت منافع اصلاح به مردم

موفقیت هر سیاست بنزینی، بیش از آنکه به فرمول قیمت وابسته باشد، به اعتماد عمومی گره خورده است. مردم باید اطمینان پیدا کنند که اصلاح مصرف قرار نیست صرفاً منبع تازه‌ای برای تأمین هزینه‌های جاری دولت باشد. اگر قرار است منابعی از محل کاهش واردات یا اصلاح یارانه‌ها آزاد شود، مسیر هزینه‌کرد آن باید شفاف و قابل مشاهده باشد.

توسعه حمل‌ونقل عمومی، حمایت از تاکسی‌ها و ناوگان حمل‌ونقل بار، بهسازی ناوگان فرسوده، تقویت زیرساخت خودروهای کم‌مصرف و کمک به هزینه‌های درمان و دارو، می‌تواند از جمله محل‌های بازگشت منافع اصلاح به جامعه باشد. در این صورت، اصلاح بنزین از یک تصمیم صرفاً قیمتی فاصله می‌گیرد و به بخشی از برنامه بهبود خدمات عمومی تبدیل می‌شود.

عدالت فقط میان خودروها نیست

اختصاص سهمیه به خودرو، اجرای طرح را از نظر فنی ساده‌تر می‌کند، زیرا زیرساخت کارت سوخت و اطلاعات پلاک خودرو از قبل وجود دارد. با این حال، عدالت در مصرف سوخت فقط به خودروها محدود نیست. خانوارهایی وجود دارند که چند خودرو در اختیار دارند و در مقابل، بخش قابل‌توجهی از جامعه فاقد خودرو هستند و از یارانه پنهان بنزین بهره مستقیمی نمی‌برند.

همچنین شرایط مصرف تاکسی‌ها، خودروهای اینترنتی، ناوگان حمل‌ونقل عمومی، خودروهای خدماتی، ساکنان مناطق کم‌برخوردار و خانوارهای روستایی یکسان نیست. از این رو، هر طرح سهمیه‌بندی باید با بسته‌های مکمل برای گروه‌های ویژه همراه باشد تا هدف کنترل مصرف، به احساس نابرابری تبدیل نشود.

CNG؛ ظرفیتی که می‌تواند فعال شود

اصلاح سازوکار مصرف بنزین می‌تواند به استفاده بیشتر از CNG نیز کمک کند. ظرفیت قابل‌توجهی برای جایگزینی بنزین با گاز طبیعی فشرده وجود دارد، اما این ظرفیت زمانی فعال می‌شود که استفاده از CNG برای راننده از نظر اقتصادی، دسترسی به جایگاه و اطمینان از کیفیت خدمات، گزینه‌ای قابل اتکا باشد.

برآوردها از امکان استفاده از حدود ۱۴ میلیون لیتر معادل بنزین CNG حکایت دارد. فعال‌کردن این ظرفیت، علاوه بر کاهش مصرف بنزین، می‌تواند فشار بر واردات را کاهش دهد. اما این مسیر نیازمند توسعه جایگاه‌ها، رفع کمبودهای خدماتی و ایجاد انگیزه کافی برای تبدیل یا استفاده از خودروهای دوگانه‌سوز است.

اصلاح بدون شوک و مدیریت منابع مالی

بنزین در نقطه‌ای قرار گرفته که نه ادامه وضع موجود کم‌هزینه است و نه اصلاح شتاب‌زده می‌تواند راه‌حل باشد. رشد مصرف، افزایش نیاز به واردات و فشار بر منابع ارزی، ضرورت اقدام را روشن کرده است؛ اما تجربه نشان می‌دهد سیاست موفق، سیاستی است که مرحله‌به‌مرحله اجرا شود، جزئیات آن برای مردم قابل فهم باشد و منافعش نیز به‌طور عادلانه به جامعه بازگردد. تعیین سهمیه بر مبنای ظرفیت تولید، ایجاد بازار گواهی صرفه‌جویی، حمایت هدفمند از ناوگان عمومی و تقویت CNG می‌تواند مجموعه‌ای از ابزارها برای آغاز این مسیر باشد. اصلاح بنزین، پیش از آنکه یک تصمیم درباره قیمت باشد، تصمیمی درباره مدیریت منابع ملی و شکل توزیع منافع آن میان مردم است.

یادداشت

حمید حسینی
فعال صنعت پتروشیمی

کارنامه‌ای میان محدودیت منابع و اداره کشور

برای ارزیابی عملکرد دولت، اگر شرایط کشور عادی بود و درگیر جنگ تحمیلی تمام عیار نبودیم، برنامه هفتم ملاک بود. یعنی شاخص‌هایی مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم، میزان اشتغال و سهم بخش‌های مختلف اقتصادی و وضعیت صادرات می‌توانست ملاک ارزیابی باشد. در شرایطی که در دو سال گذشته داشتیم، اصلاً توقع اینکه بتوانیم عملکرد دولت را بر این مبنا ارزیابی کنیم وجود ندارد.

کمک دولت در تأمین لجستیک جنگ قابل توجه بوده و طبق اعلام دولت فقط ۲۰ میلیون بشکه نفت در اختیار نیروهای مسلح قرار گرفته است. دومین وظیفه دولت در جنگ، بازسازی واحدهای صنعتی و مسکونی بود که مورد پوشش و حمایت دولت قرار گرفتند. ۲۴ هزار واحد مسکونی که آسیب دیده بود با همکاری شهرداری‌ها اسکان داده شدند و کمک‌هایی برای بازسازی اختصاص دادند.

با توجه به اینکه منابع درآمدی دولت کاهش یافته و به علت محاصره دریایی صادرات به سختی انجام شده است، دولت ناچار به کمک مالی به نهادهای مختلف از جمله صندوق‌ها و... شده است. دولت در این زمینه هم به وظیفه خود عمل کرده است. ما در محاصره دریایی هستیم و دولت با تغییر قوانین و مقررات ورود کالاها را تسهیل کرد. اقدام مثبت دیگر افزایش اختیارات استانداران و دیگر مسئولین بود که در شرایط عدم تحقق جلسات، کار ارزشمندی بود. شبکه بهداشتی سرپا نگه داشته شد و با وجود چالش واردات دارو، کمبودی دیده نشد.

متأسفانه به علت محاصره دریایی و خیانت عدم بازگشت ارز نفتی توسط تراستی‌ها و شرکت‌ها، دولت دچار چالش شد. با وجود این، دولت در مجموع توانست به وظایف و مسئولیت‌های خود عمل کند. با اینکه در این شرایط عده‌ای مخالف بازگشایی اینترنت بودند، اما دولت اینترنت را بازگشایی کرد و بازارهای مجازی و روابط خارجی بنگاه‌ها برقرار شد.

شاهکار دولت دیپلماسی بود که توانست تفاهمنامه غیرقابل تصوری را به آمریکا تحمیل کند. با توجه به اختلافاتی که در اجرای تفاهمنامه پیش آمد دچار تنش شدیم اما ظاهراً طرفین به میز مذاکرات بازگشته‌اند.

بانک ملت bank mellat
مناقصه عمومی نوبت اول
شماره ۱۴۰۵/۱۰۵
بانک ملت در نظر دارد نسبت به «خرید لوازم یدکی دستگاه سانترال مرکز تلفن ساختمان فرصت» از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید.
مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه عمومی: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ و شناسه واریز ۱۴۰۵۳۳۰۰۰۲۰۱۰۵۲۸۶ در وجه اداره کل حسابداری مالی بانک ملت
محل دریافت اسناد مناقصه عمومی: تهران، خیابان طالقانی، روبه‌روی وزارت نفت، اداره کل مهندسی ساختمان بانک ملت، واحد معاملات و قراردادها، شماره تماس: ۶۴۸۲۱۲۵۸

جدول زمانی برگزاری مناقصه	
فروش اسناد مناقصه	از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ الی پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵
مهلت ارسال مدارک مناقصه	روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ (حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰)
تاریخ بازگشائی پاکات	رأس ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳

اداره کل مهندسی ساختمان - واحد معاملات و قراردادها

آگهی مناقصه عمومی صنایع خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۴۲-۱۴۰۵/۱۰۰
این صنایع در نظر دارد انجام خدمات زیر را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- انجام عملیات آستر ED به روش غوطه‌وری
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

نوبت دوم
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن/۱۸/۴۰۵
شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱-موضوع مناقصه: پروژه تأمین، اجرا، نصب و تست و راه‌اندازی دو سامانه باس‌داکت Air insulation پست برق UT1 و۲ دستگاه NGR 38.1KV ترانس‌های نیروگاه مجتمع پتروشیمی بندرامام
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۶/شش ماه شمسی
۳- مبلغ برآورد اولیه مناقصه: ۲۲۳،۷۰۰ یورو و۷۶،۷۸۱،۵۸۵،۹۶۰ ریال می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۲۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر - امور مراجعین حراست تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ در مجتمع پتروشیمی بندر امام
۱۰- امکان حضور مناقصه‌گران به‌صورت مشارکتی در مناقصه حاضر میسر نمی‌باشد و به درخواست‌های مشارکتی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- مناقصه‌گرانی که در زمان برگزاری فرآیند مناقصه حاضر، سه قرارداد در دست اجرا به طرفیت شرکت پتروشیمی بندر امام داشته باشند، مجاز به شرکت در این مناقصه نخواهند بود.
تذکر ۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحسابهای ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت دوم
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن/۱۹/۴۰۵
شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام‌خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱-موضوع مناقصه: پروژه تأمین، ساخت، نصب و اجرا، تست و راه‌اندازی دو سامانه باس‌داکت ایزوله kV 13.8 مجتمع پتروشیمی بندرامام
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۶/شش ماه شمسی
۳- مبلغ برآورد اولیه مناقصه ۶۲۵،۴۰۰ یورو و۱۶۳،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر - امور مراجعین حراست تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ در مجتمع پتروشیمی بندر امام
۱۰- امکان حضور مناقصه‌گران به‌صورت مشارکتی در مناقصه حاضر میسر نمی‌باشد و به درخواست‌های مشارکتی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- مناقصه‌گرانی که در زمان برگزاری فرآیند مناقصه حاضر، سه قرارداد در دست اجرا به طرفیت شرکت پتروشیمی بندر امام داشته باشند، مجاز به شرکت در این مناقصه نخواهند بود.
تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت دوم
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره ت م ن/۴۰/۴۰۴
شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱-موضوع مناقصه: انجام عملیات زنگ‌زدایی و رنگ‌آمیزی صنعتی، لاستیک‌کاری، راپینگ کاری، باندینگ کلیه تجهیزات مرتبط با مجتمع پتروشیمی بندرامام
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۱۲/دوازده ماه شمسی
۳- مبلغ برآورد اولیه مناقصه ۵،۳۴۵،۸۹۳،۱۷۹،۷۶۰ ریال می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.
۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق‌الذکر - امور مراجعین حراست تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: رأس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱ در مجتمع پتروشیمی بندر امام
۱۰- امکان حضور مناقصه‌گران به‌صورت مشارکتی در مناقصه حاضر میسر نمی‌باشد و به درخواست‌های مشارکتی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- مناقصه‌گرانی که در زمان برگزاری فرآیند مناقصه حاضر، سه قرارداد در دست اجرا به طرفیت شرکت پتروشیمی بندر امام داشته باشند، مجاز به شرکت در این مناقصه نخواهند بود.
۱۲- پیمانکاری‌های خدماتی، پشتیبانی و تولیدی می‌توانند برای ۲ دوره متوالی قراردادی، در شرکت پتروشیمی بندر امام حضور داشته باشند و پس از آن برای یک دوره قراردادی، مجاز به شرکت در مناقصات با موضوع مشابه در شرکت پتروشیمی بندر امام نمی‌باشند.
تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحسابهای ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

خبر

مدیرعامل شرکت ملی نفت اعلام کرد

افزایش بیش از ۲۰۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت در دولت چهاردهم

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران از شکسته‌شدن رکورد تولید نفت کشور در هشت سال گذشته خبر داد و گفت: «در دو سال فعالیت دولت چهاردهم، با اجرای برنامه‌های توسعه و نگهداشت تولید، بیش از ۲۰۰ هزار بشکه به ظرفیت تولید نفت کشور افزوده شده است.»

حمید بورد، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با تشریح مهم‌ترین دستاوردهای این شرکت در حوزه تولید نفت و گاز بیان کرد: «در دو سال گذشته که از عمر دولت چهاردهم می‌گذرد، در حوزه تولید نفت توانستیم رکورد حداقل هشت سال گذشته را ثبت کنیم که این موضوع در نوع خود کم‌نظیر است.»

وی افزود: «در این مدت بیش از ۲۰۰ هزار بشکه به تولید نفت کشور افزوده شده و مجموعه شرکت ملی نفت ایران با اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و نگهداشت تولید، مسیر افزایش ظرفیت تولید را با جدیت دنبال کرده است.»

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به تأثیر شرایط جنگی بر روند اجرای برخی طرح‌ها تصریح کرد: «متأسفانه وقوع جنگ سبب شد بخشی از عملیات اجرایی و توسعه‌ای صنعت نفت برای مدتی متوقف یا با وقفه مواجه شود، اما این فعالیت‌ها مجدداً در حال پیگیری است و طرح‌های مرتبط با افزایش تولید با جدیت دنبال می‌شوند.»

تجربه زیسته ۴۷ساله ایران نشان می‌دهد شرکای تجاری تهران لزوماً از سیاست‌های تحریمی واشنگتن تبعیت نمی‌کنند

تحریم‌های جدید؛ جنگ اقتصادی یا عملیات روانی؟

گزارش

دونالد ترامپ دور تازه‌ای از تحریم‌ها را علیه ایران آغاز کرده است که بخشی از آن بر محدود کردن مسیرهایی متمرکز است که ایران از طریق آنها نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی خود را به بازارهای خارجی می‌رساند و درآمد حاصل از این صادرات را به کشور بازمی‌گرداند.

همزمان با نشست خبری وزیر خزانه‌داری آمریکا، وزارت خزانه‌داری این کشور از قرار گرفتن ۶۰ نهاد، فرد و کشتی مرتبط با ایران در فهرست تحریم‌ها خبر داد. به گفته مقام‌های آمریکایی، بخش مهمی از این شبکه در خارج از ایران فعالیت می‌کند و از شرکت‌های کشتیرانی و واسطه‌های تجاری گرفته تا مسیرهای مالی و تجاری در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، چین، سنگاپور و کشورهای اروپایی را دربرمی‌گیرد.

در واکنش به اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران، وزیر امور خارجه چین اعلام کرده بود که پکن با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران مخالف است. به گفته او، این تحریم‌ها هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارند و همکاری چین با تهران بر اساس قوانین بین‌المللی انجام می‌شود. با وجود این، باید دید در ادامه، سایر کشورهای طرف معامله با ایران از سیاست‌های دولت ترامپ تبعیت می‌کنند یا خیر.

در همین حال، وزیر اقتصاد کشورمان نیز در واکنش به سخنان وزیر خزانه‌داری آمریکا مبنی بر اقدام این کشور برای اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران تأکید کرده بود: «آنها این صحبت‌ها را قبلاً هم گفته‌اند. ما کاملاً برای هر سناریویی آمادگی داریم. شریان‌های مالی و اقتصادی دنیا به این سادگی نیست که بتوانند ادعا کنند ارتباطات مالی و تجاری ایران را به‌طور کامل قطع می‌کنند. اگر اقدامی هم انجام دهند، منتظر حمله ما باشند.»

البته تمرکز این دور از تحریم‌ها فقط بر فروش فرآورده‌های نفتی نیست. آمریکا همزمان پنج حوزه را هدف گرفته است که آنها را از مسیرهای مورد استفاده ایران برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی می‌داند؛ دارایی‌های دیجیتال، فناوری، طلا، هوانوردی و حمل‌ونقل دریایی. در واقع، واشنگتن تلاش می‌کند علاوه بر محدود کردن صادرات ایران، استفاده از مسیرهایی را که برای انتقال کالا، پول و منابع مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز دشوارتر کند.

اما برای ایران، اصل ماجرا تازه نیست. اقتصاد ایران سال‌هاست که با تحریم‌های آمریکا زندگی می‌کند؛ تحریم‌هایی که در مقاطع مختلف، از فروش نفت و دسترسی به منابع مالی گرفته تا حمل‌ونقل و تجارت خارجی را تحت فشار قرار داده‌اند. در طول این سال‌ها، در کنار هزینه‌هایی که این محدودیت‌ها به اقتصاد کشور تحمیل کرده‌اند، مسیرهایی نیز برای ادامه بخشی از تجارت خارجی شکل گرفته است.

بخشی از این مسیرها از طریق واسطه‌ها و شرکت‌های فعال در کشورهای دیگر ایجاد شده و بخشی نیز به شیوه‌های حمل نفت و فرآورده‌های نفتی و روش‌های انتقال پول مربوط می‌شود. این تجربه، البته به معنای بی‌اثر بودن تحریم‌ها نیست. هر تحریم جدید می‌تواند هزینه مبادلات را افزایش دهد، برخی مسیرهای قبلی را مسدود کند و ایران را به یافتن مسیرهای تازه وادارد.

اثر تحریم‌های جدید آمریکا به راهبرد ایران بستگی دارد

تحریم‌های تازه آمریکا علیه ایران در شرایطی اعمال شده‌اند که بخش مهمی از تجارت خارجی کشور از مسیر همکاری با برخی شرکای تجاری و با استفاده از سازوکارهای مختلف برای دور زدن محدودیت‌ها انجام می‌شود.

محمد کبیری، کارشناس نفت، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران می‌گوید: «میزان اثرگذاری این تحریم‌ها تا حد زیادی به برنامه و راهبردی بستگی دارد که ایران برای مقابله با آنها در داخل و در سطح بین‌المللی در نظر می‌گیرد.» ایران در حال حاضر با کشورهایی در تعامل است و با آنها خریدوفروش و دادوستد دارد. بخشی از نفت خود را به این کشورها می‌فروشد و از مسیرهای مختلف نیز کالا وارد می‌کند. به گفته این کارشناس انرژی، اگر کشورهایی که اکنون با ایران تعامل دارند، تحت تأثیر تهدیدهای آمریکا قرار بگیرند و سطح معاملات خود با ایران را کاهش دهند یا از ترس قرار گرفتن در فهرست تحریم‌های ثانویه آمریکا اساساً از معامله با ایران خودداری کنند، این موضوع بر اقتصاد کشور اثرگذار خواهد بود.

> آمریکا در واقع کشورهایی را که با ایران معامله می‌کنند، در معرض فشار و تهدید قرار داده است. اگر کشورهای غرب آسیا، شرق آسیا و حتی دولت‌های اروپایی بخواهند از تهدیدهای آمریکا و سیاست‌های دولت ترامپ تبعیت کنند، به نوعی استقلال و حاکمیت خود را زیر سؤال برده‌اند

تهدید بین‌المللی آمریکا علیه شرکای تجاری ایران

مسأله اصلی در تحریم‌های جدید آمریکا، فقط تحریم ایران نیست، بلکه تهدید کشورهایی است که با ایران تعامل دارند. آمریکا در واقع کشورهایی را که با ایران معامله می‌کنند، در معرض فشار و تهدید قرار داده است.

کبیری در عین حال تأکید می‌کند که تحریم‌ها و تهدیدهای جدید آمریکا را باید از زاویه دیگری نیز مورد توجه قرار داد. او می‌گوید: «این اقدام را می‌توان نوعی تهدید بین‌المللی علیه همه کشورها دانست، چراکه استقلال و حاکمیت آنها را زیر سؤال می‌برد.»

وی تصریح می‌کند: «اگر کشورهای غرب آسیا، شرق آسیا و حتی دولت‌های اروپایی بخواهند از تهدیدهای آمریکا و سیاست‌های دولت ترامپ تبعیت کنند، به نوعی استقلال و حاکمیت خود را زیر سؤال برده‌اند.» با این حال، به نظر می‌رسد کشورها معمولاً به‌راحتی زیر بار چنین فشارهایی نمی‌روند. در مقابل، ایران نیز باید راهبرد درستی را در این زمینه در پیش بگیرد و اجازه ندهد تهدیدهای آمریکا به کاهش روابط اقتصادی و تجاری کشور با طرف‌های خارجی منجر شود.

وی ادامه می‌دهد: «این کشورها در نهایت با دو راه مواجه‌اند؛ یا استقلال و حاکمیت خود را زیر سؤال ببرند و تحت تأثیر تهدیدهای آمریکا قرار گیرند، یا مانند گذشته به تعاملات خود با ایران ادامه دهند.»

در حالت دوم، ممکن است کشورهایی که با ایران معامله دارند، این تعاملات را به‌صورت کاملاً غیرآشکار ادامه دهند؛ به این معنا که خریدوفروش و مبادلات خود را با ایران انجام دهند، اما جزئیات این معاملات در سطح بین‌المللی آشکار نشود.

«تحریم دوطرفه» علیه آمریکا

دبیر شورای عالی امنیت ملی در واکنش به تداوم جنگ اقتصادی گفته بود: «یک قطره نفت نه از تنگه هرمز و نه از کل منطقه خلیج فارس صادر نخواهد شد و ایران مشارکت و همراهی هر کشوری در جنگ اقتصادی آمریکا علیه ملت ایران را به منزله اقدامی جنگی در نظر می‌گیرد.» می‌توان این وضعیت را نوعی «تحریم دوطرفه» دانست. اگر چنین روندی شکل بگیرد، ممکن است خود آمریکا نیز از پیامدهای آن آسیب ببیند.

کبیری به موضع محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در قبال این تحولات اشاره می‌کند و می‌گوید: «دبیر شورای عالی امنیت ملی در این زمینه موضع بسیار خوبی اتخاذ کرد؛ موضعی که باعث شد حتی خود آمریکا نیز در این ماجرا با تهدید مواجه شود.» وی در همین زمینه به موضع چین نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: «چین به‌صورت شفاف و صریح اعلام کرده است که این سیاست را قبول ندارد. اکنون باید دید کشورهای همسایه ایران چه رویکردی در برابر این تهدیدها در پیش خواهند گرفت و تعاملات خود با ایران را چگونه ادامه خواهند داد.»

تجربه زیسته ۴۷ ساله ایران در برابر تحریم‌های آمریکا

شاید تحریم‌های گسترده و تلاش برای محاصره بنادر، اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده باشد، اما این اقدامات تاکنون نتوانسته‌اند رفتار بنیادین کشور را تغییر دهند. نکته قابل توجه اینکه ترامپ در چند مقطع و همزمان با افزایش قیمت انرژی، ناچار به عقب‌نشینی شده و حتی بدون دریافت امتیاز مشخصی از ایران، معافیت‌های نفتی صادر کرده است.

این کارشناس نفت با اشاره به سابقه طولانی تحریم‌های آمریکا علیه ایران اظهار می‌کند: «ایران سالیان سال است که تحت تحریم قرار دارد و حدود ۴۷ سال است که از سوی آمریکا تحریم می‌شود؛ بنابراین به‌طور قطع نباید انتظار داشت که اصل تحریم‌ها اثرتعیین‌کننده‌ای بر کشور داشته باشد.»

تجربه این سال‌ها نشان داده است که تحریم‌های آمریکا، با وجود افزایش هزینه تجارت و محدود کردن بخشی از مسیرهای رسمی، نتوانسته‌اند ارتباط اقتصادی ایران با جهان را به‌طور کامل قطع کنند. شرکای تجاری ایران نیز لزوماً از سیاست‌های یک‌جانبه واشنگتن تبعیت نکرده‌اند و بخشی از آنها، متناسب با منافع اقتصادی و راهبردی خود، راه‌هایی را برای ادامه تعامل با تهران یافته‌اند. در چنین شرایطی، اثرگذاری دور تازه تحریم‌ها بیش از هر چیز به راهبرد ایران، مواضع شرکای تجاری و میزان همراهی کشورها با سیاست‌های دولت ترامپ بستگی خواهد داشت.

برش

عراق، ترکیه و امارات در معرض فشار

اگرچه چین مهم‌ترین بازیگر دور تازه فشارهای اقتصادی است، اما عراق، ترکیه، هند و امارات متحده عربی نیز هریک به شکلی با پیامدهای سیاست جدید واشنگتن مواجه‌اند.

گاز وارداتی از ایران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین ۳۰ تا ۴۰ درصد برق عراق نقش دارد. قطع ناگهانی این جریان می‌تواند اختلال در شبکه برق، افزایش نارضایتی اجتماعی و فشار بر دولت بغداد را در پی داشته باشد. ترکیه نیز در نیمه اول سال ۲۰۲۶ حدود ۴.۵ میلیارد مترمکعب گاز از ایران واردکرده است. جایگزینی گازایران که با خط لوله به این کشور می‌رود، امکان‌پذیر است، اما می‌تواند هزینه انرژی ترکیه را در شرایط تورمی افزایش دهد. تجارت دوجانبه ایران و هند نیز از حدود ۱۷ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۱۸-۲۰۱۹ به حدود ۱.۶۳ میلیارد دلار در سال مالی ۲۰۲۵-۲۰۲۶ کاهش یافته است. اما دهلی نو، ۹۰ درصد نفت مورد نیاز خود را وارد می‌کند و قطعاً از افزایش قیمت جهانی نفت آسیب می‌بیند. پس تنش در منطقه و افزایش قیمت نفت، هزینه قابل توجهی به اقتصاد این کشور تحمیل خواهد کرد.

امارات نیز در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۱ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده است که رقمی معادل نزدیک به ۳۰ درصد واردات ایران بود. حالا عقب‌نشینی ابوظبی ممکن است ریسک تحریم شرکت‌های اماراتی را کاهش دهد، اما برای اقتصاد تجاری یک امیرنشین کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس بدون هزینه نخواهد بود.

آگهی مزایده عمومی

صبا انرژی

اجاره ملک تجاری متعلق به گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام

تاریخ آگهی: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام در نظر دارد یک باب مغازه تجاری واقع در تهران، فلکه دوم صادقیه، بلوار فردوس شرقی، بعد از خیابان وفا آذر، پلاک ۳۰۷/۵، مجتمع تجاری آیریک سنتر به متراژ حدود ۷۵ مترمربع را از طریق مزایده به اشخاص حقیقی و یا حقوقی به مدت دو سال اجاره دهد. لذا متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد شرکت در مزایده به دو صورت:

الف) حضوری: در ساعات اداری ۰۸:۰۰ الی ۱۴:۰۰ به نشانی تهران، خیابان شیراز جنوبی، پایین‌تر از بزرگراه شهید همت، خیابان ۲۰ متری زرتشتیان، پلاک ۱۱، طبقه ۶، واحد پشتیبانی مراجعه نمایند.

ب) غیرحضوری: دریافت و ارسال اسناد مزایده در سامانه مزایده و مناقصه وبسایت صندوق بازنشستگی کشوری به آدرس cspf.ir/fa/news/tenders قابل مشاهده می‌باشد.

آخرین مهلت تحویل اسناد تکمیل شده به گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ می‌باشد. همچنین برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره همراه ۰۹۳۵۱۹۴۱۵۱۱ تماس حاصل فرمایید.

گروه سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری سهامی عام

** آگهی مزایده سهام شرکت **

سازمان اموال و املاک در نظر دارد سهام شرکت ذیل را با وضع موجود از طریق مزایده کتبی و با شرایط فروش نقد و اقساط (بدون کارمزد) واگذار نماید.

نام شرکت: گلستانه سرام آمل	**شخصیت حقوقی:** سهامی خاص	**شماره ثبت:** ۲۴۶۴	**شناسه ملی:** ۱۰۷۶۰۲۵۱۱۱۳
سرمایه ثبتی: ۱،۲۶۰،۰۰۰،۰۰۰ریال	**تعداد سهام:** ۱۰۰ سهام	**ارزش اسمی سهم:** ۱۲،۶۰۰،۰۰۰ریال	**درصد واگذاری سهام:** ۵۰درصد
ارزش هر سهم: ۹۲۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال	**قیمت پایه:** ۴۶،۰۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال	**سپرده شرکت در مزایده:** ۴،۶۰۵،۰۰۰،۰۰۰ریال	**وضعیت شرکت:** راکد

شرایط پرداخت: ۲۰ درصد ثمن معامله نقد هم زمان با انعقاد قرارداد و الباقی طی اقساط ۱۲ ماهه (چهار فقره چک سه ماهه) از زمان انعقاد قرارداد.

شرایط مزایده :

۱- اخذ درخواست های پیشنهادی (فرم شرکت در مزایده تکمیل شده) به همراه اصل یک فقره چک بانکی در وجه ستاد اجرایی فرمان امام(ره) معادل ۱۰٪ قیمت پایه مزایده، به مشخصات اعلامی در دفتر فروش از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ الی روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ در ساعت و محل تعیین شده صورت می پذیرد.

۲- مهلت شرکت در مزایده صرفا تا ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ محل بازگشایی پاکت ها می باشد.

۳- رعایت مفاد فرم شرکت در مزایده الزامی می باشد.

۴- متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اطلاعات شرایط انجام معامله، نحوه دریافت تضامین و فرم تقاضای شرکت در مزایده می توانند از تاریخ درج اولین آگهی از ساعت ۹ تا ۱۶ به دفتر فروش واقع در تهران،خیابان شهید سید حسن نصراله (وزراء سابق)، خیابان ۲۱،پلاک ۱۵ طبقه اول مراجعه و یا با شماره تلفن.۸۸۳۸۴۹۴۶ (۰۲۱) تماس حاصل فرمایند.

۵- زمان بازگشایی پاکت های واصله راس ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ در محل تعیین شده خواهد بود. بدیهی است پیشنهادهایی که پس از ساعت مقرر ارائه گردد قابل دریافت نمی باشد.

۶- پیشنهادهای فاقد سپرده،مخدوش، قیمت پیشنهادی کمتر از قیمت پایه و یا تحویل شده پس از مهلت تعیین شده قابل پذیرش نمی باشد.

۷- اخذ فرم الحاقیه پیرامون اطلاعات تکمیلی شرکت، امضاء و تحویل آن به همراه فرم تقاضای شرکت در مزایده الزامی است.

۸- هر گونه ادعایی مبنی بر عدم اطلاع یا عدم قرائت یا عدم امضاء فرم الحاقیه و یا عدم ارائه آن از سوی دفتر فروش قابلیت استماع ندارد.

۹- هنگام تنظیم قرارداد، ارایه برگه ثبت نام در سیستم ثنا قوه قضاییه،توسط خریدار الزامی بوده و علاوه بر نشانی اقامتگاه قراردادی مندرج در قرارداد، ابلاغ از طریق سیستم ثنا نیز معتبر و ملاک عمل خواهد بود.

مهلت شرکت در مزایده از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تا ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ می باشد .

نوبت دوم

S T P C

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توام با ارزیابی کیفی و فنی) مناقصه شماره ۱۴۰۵/۱۰۳

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توأم با ارزیابی کیفی و فنی) به‌فروشنده واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: تهیه تیغه کاتر ریتر و سومک

۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۱۲ ماه

۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۳۵،۱۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی **۴-۲)** واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵- مهلت توزیع اسناد مناقصه تا ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

• مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس https://tender.stpc.ir مراجعه نمایند.

۶-ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۶-۱) پروانه کسب

۶-۲) کارت بازرگانی

۶-۳) گواهی‌نامه‌های استاندارد ایزو IMS

۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۴، مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان، کمیسیون معاملات - تا ساعت ۱۲:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲

۸- محل و تاریخ مرحله اول گشایش پاکات الف و ب: آدرس فوق، دفتر کمیسیون معاملات - ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

تذکر۱: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی و فنی را کسب نمایند.

تذکر۲: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۳: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

تذکر۴: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی یا دادگاه یا امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.

ضمناً این آگهی در پورتال الکترونیکی پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس www.stpc.ir در قسمت مناقصات/مزایدات قابل رؤیت می‌باشد.

کارشناس: خانم مرادپور **تلفن:** ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۳

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

پایداری
ایران
• چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵
• ۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۲۶ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۰۷ • ۴ صفحه
Wednesday • 26 August 2026
Iran Daily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

عارف به حفظ انسجام درونی دولت بسیار کمک کرده است

گفت‌وگو با محمد عطریانفر درباره عملکرد معاون اول رئیس جمهور

عارف مدیری توانمند پرکار و کم ادعا

حسن رسولی در گفت‌وگو با «ایران» از ویژگی‌های شخصیتی و کاری معاون اول رئیس جمهور می‌گوید

ویژه هفته‌دولت

بررسی جایگاه معاون اول و شیوه کار محمدرضا عارف در دولت؛

ترکیب تعامل و اقتدار

یادداشت اختصاصی محمد رضا عارف به مناسبت هفته دولت

ایستادیم تا بسازیم؛ از دل بحران، سرمایه‌ای برای فردا

عارف و دولت ائتلافی؛ حلقه وصل صداهای متفاوت در دولت چهاردهم

• گزارش •

حوری قاسمی/ دولت چهاردهم از ابتدا با ترکیبی از جریان‌ها و دیدگاه‌های متفاوت شکل گرفت و وفاق ملی را به عنوان مبنای اداره کشور برگزید؛ در این میان، محمدرضا عارف به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور، نقش حلقه وصل میان این صداهای متفاوت را بر عهده گرفت. مسئولیتی که در شرایط پرچالش دو سال گذشته، از هماهنگی میان اعضای دولت تا مدیریت اختلاف‌نظرها و حفظ انسجام در تصمیم‌گیری‌های کلان، اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد در یک دولت ائتلافی، حفظ همگرایی میان نیروهای متنوع خود بخشی از هنر حکمرانی است.

دولت چهاردهم از همان ابتدا قرار نبود دولت یک جریان سیاسی واحد باشد. مسعود پزشکیان در جریان انتخابات و پس از آن، بر ایده وفاق ملی تأکید کرد. ایده‌ای که قرار بود مرزهای معمول سیاسی را در تشکیل دولت کم‌رنگ کند و از ظرفیت نیروهای مختلف برای اداره کشور استفاده شود.

انتخاب محمد رضا عارف به‌عنوان معاون اول نیز در همین چارچوب، یک انتخاب معنادار بود؛ مدیری باسابقه که قرار بود در مرکز دولت، میان نگاه‌های متفاوت هماهنگی ایجاد کند و مجموعه‌ای متنوع را به یک تیم اجرایی تبدیل کند. حتی در حکم انتصاب عارف نیز بر جلب مشارکت و همکاری همگان و استفاده از همه ظرفیت‌ها تأکید شده است.

دولت ائتلافی، به‌خودی‌خود نه مزیت مطلق است و نه نقطه ضعف قطعی. اگرچه حضور نیروهایی با سوابق و دیدگاه‌های متفاوت می‌تواند دامنه تخصص و تجربه دولت را افزایش دهد اما در مقابل، احتمال اختلاف نظر و ناهمگونی در تصمیم‌گیری را نیز بیشتر می‌کند. اینجاست که نقش معاون اول از یک جایگاه اداری فراتر می‌رود و باید بتواند میان دستگاه‌ها، وزرا و دیدگاه‌های مختلف، یک مسیر مشترک برای اجرا ایجاد کند. در دولت پزشکیان، این مأموریت بیش از هر چیز با نام عارف گره خورده است.

دولت وفاق؛ ائتلاف برای اداره کشور

پزشکیان از ابتدا تلاش کرد دولتش را نه بر پایه حذف یک جریان و غلبه جریان دیگر، بلکه بر مبنای استفاده از ظرفیت‌های متنوع سیاسی و مدیریتی شکل دهد. او هنگام آغاز روند تشکیل کابینه تأکید کرده بود که دولت باید جلوه وفاق ملی باشد. این نگاه، ترکیب دولت را به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دولت چهاردهم تبدیل کرد.

در چنین مدلی، وزیران از یک جریان سیاسی یا یک سابقه مدیریتی مشترک نمی‌آیند. طبیعی است که هر کدام از آنها در برخی مسائل از اقتصاد و سیاست خارجی گرفته تا فرهنگ، انرژی، ارتباطات و نحوه اداره دستگاه اجرایی نگاه متفاوتی داشته باشند. با این حال، دولت قرار نیست مجموعه‌ای از وزارتخانه‌های جدا از هم باشد زیرا سیاست دولت زمانی معنا پیدا می‌کند که تصمیم‌های دستگاه‌ها در یک مسیر مشترک قرار بگیرند. به همین دلیل، یکی از مهم‌ترین چالش‌های دولت وفاق، تبدیل تفاوت‌ها به ظرفیت و جلوگیری از تبدیل تفاوت‌ها به اختلافات فرسایشی است. اینجا همان نقطه‌ای است که نقش عارف برجسته می‌شود.

چرا عارف؟

انتخاب عارف برای معاون اولی، در عین حال که به سابقه مدیریتی او بازمی‌گشت، یک پیام سیاسی نیز داشت. او پیش‌تر معاون اول دولت دوم سیدمحمد خاتمی بوده و تجربه حضور در بالاترین سطح اجرایی دولت را در کارنامه دارد. حضور او به عنوان رئیس فراکسیون امید در مجلس، ارتباطش را با حزب‌های سیاسی از اصولگرایان تا اصلاح‌طلبان فراهم کرد. از سوی دیگر، عارف در سال‌های گذشته از چهره‌هایی بود که بیشتر با ادبیات کارشناسی و دانشگاهی شناخته می‌شد و در عین حال، تجربه کار در ساختارهای مختلف جمهوری اسلامی را نیز داشت.

همین ترکیب برای یک دولت مبتنی بر وفاق اهمیت داشت؛ دولتی که نیاز دارد میان سیاست و اجرا، میان گرایش‌های مختلف و میان تجربه‌های متفاوت مدیریتی، ارتباط برقرار کند. حتی در اولین روزهای آغاز به کار دولت چهاردهم، عارف بر استفاده از تجربه مدیران دولت‌های گذشته تأکید کرد و گفت که نفی تجربه‌های گذشته و استفاده نکردن از اقدامات مسئولان سابق، روشی نادرست است. این نگاه، یکی از پایه‌های مدل مدیریتی عارف مبتنی بر اداره کشور از مسیر انباشت تجربه، نه حذف تجربه را نشان می‌دهد.

> می‌توان مأموریت عارف را در مدیریت تفاوت در دیدگاه و وحدت در اجرا خلاصه کرد. هر چه دامنه نگاه‌ها گسترده‌تر باشد، مدیریت اختلاف‌ها دشوارتر می‌شود اما در مقابل، اگر این تفاوت‌ها درست مدیریت شوند، دولت می‌تواند از مجموعه وسیع‌تری از تجربه‌ها و دیدگاه‌ها استفاده کند

عارف؛ حلقه اتصال رئیس‌جمهوری و کابینه

بر اساس قانون اساسی در ایران، در ساختار دولت، رئیس‌جمهوری مسئول اصلی سیاست‌گذاری و اداره قوه مجریه است اما اجرای سیاست‌ها نیازمند هماهنگی دائمی میان ده‌ها دستگاه و مجموعه اجرایی است.

در یک دولت یکدست، هماهنگی میان دستگاه‌ها ممکن است ساده‌تر باشد زیرا بسیاری از مدیران از نظر سیاسی و فکری اشتراکات بیشتری دارند. اما در دولت مبتنی بر وفاق، هر اختلاف کوچک می‌تواند به یک مسأله بزرگ‌تر تبدیل شود، اگر سازوکاری برای گفت‌وگو و حل آن وجود نداشته باشد.

عارف در چنین ساختاری نقش حلقه اتصال، حلقه‌ای میان رئیس جمهوری و وزرا، میان وزارتخانه‌ها، میان دیدگاه‌های مختلف و در نهایت میان تصمیم سیاسی و اجرای اداری را ایفا کرد. این نقش البته به معنای حذف اختلاف نظر نیست. برعکس، دولت وفاق اگر قرار باشد واقعی باشد، باید امکان اختلاف نظر و نقد را به رسمیت بشناسد. عارف نیز در سال گذشته تأکید کرده بود که در دولت وفاق ملی، نقد پذیرفته می‌شود و مدیریت جدید کشور نیازمند شنیدن، تحلیل داده‌ها و درگیر شدن با مسائل واقعی جامعه است. بنابراین، مسأله اصلی عارف یکسان‌سازی دولت نیست بلکه مسأله، هماهنگ‌سازی یک مجموعه متفاوت است.

> در دولت ائتلافی قرار نیست هر وزیر ساز خودش را بزند؛ قرار است تفاوت دیدگاه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری شنیده شود و پس از تصمیم، مجموعه دولت از یک سیاست واحد پیروی کند. در چنین مدلی، معاون اول یکی از مهم‌ترین مسئولان حفظ این انسجام اجرایی است

وفاق بدون هماهنگی ممکن نیست

وفاق ملی در سطح شعار می‌تواند با یک عبارت کوتاه توضیح داده شود اما در سطح دولت، وفاق نیازمند سازوکار است.

اگر وزیر اقتصاد یک سیاست را دنبال کند و وزارتخانه دیگری در جهت مخالف آن حرکت کند، اگر تصمیم یک دستگاه با برنامه دستگاه دیگر تضاد داشته باشد یا اگر اختلافات کابینه به رسانه‌ها منتقل شود، دولت به‌تدریج از یک مجموعه هماهنگ به مجموعه‌ای از جزیره‌های مدیریتی تبدیل می‌شود. از همین منظر، یکی از موضوعات مهم در عملکرد عارف، حل اختلاف نظرها در داخل دولت است.

در تیرماه ۱۴۰۵، عارف تأکید کرد که اختلافات باید در داخل دولت حل شود. او حتی تأکید کرد اگر دستگاهی به صورت خودسرانه عمل کند یا اختلافات داخلی دولت را به شکلی مطرح کند که موجب التهاب و نگرانی جامعه شود، دولت با آن برخورد خواهد کرد. این موضوع را می‌توان از منظر دیگری نیز دید. اینکه وفاق بدون انضباط جمعی امکان‌پذیر نیست زیرا در دولت ائتلافی قرار نیست هر وزیر ساز خودش را بزند؛ قرار است تفاوت دیدگاه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری شنیده شود و پس از تصمیم، مجموعه دولت از یک سیاست واحد پیروی کند. در چنین مدلی، معاون اول یکی از مهم‌ترین مسئولان حفظ این انسجام اجرایی است.

دولت چهاردهم و آزمون انسجام

دولت پزشکیان از زمان آغاز به کار با مجموعه‌ای از مسائل پیچیده مانند مسائل اقتصادی، ناترازی انرژی، تحریم، فشارهای خارجی، مشکلات معیشتی، بحران‌های زیرساختی و در ادامه، شرایط جنگی مواجه بوده است. هرکدام از این مسائل به تنهایی می‌تواند چند دستگاه دولتی را درگیر کند. در چنین شرایطی، اختلاف میان دستگاه‌ها هزینه بیشتری پیدا می‌کند و اگر وزارتخانه‌ها نتوانند در یک مسأله مشترک به جمع‌بندی برسند، زمان تصمیم‌گیری طولانی می‌شود و هزینه آن به مردم و اقتصاد منتقل خواهد شد.

بنابراین دولت وفاق بیش از یک دولت عادی به یک مرکز هماهنگی قدرتمند نیاز دارد. عارف در اینجا با یک مأموریت دوگانه مواجه است؛ از یک طرف باید اجازه دهد وزرا و مدیران دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و از طرف دیگر، بعد از تصمیم نهایی، انسجام اجرایی دولت را حفظ کند. این همان مرزی است که مدیریت دولت ائتلافی را دشوار می‌کند. با این حال، وفاق یعنی شنیدن صداهای متفاوت، اما اداره کشور یعنی رسیدن به یک تصمیم مشترک. در ادبیات سیاسی، دولت ائتلافی معمولاً با یک سؤال اساسی روبه‌رو است؛ اینکه چه کسی اختلاف میان اجزای ائتلاف را مدیریت می‌کند؟

در دولت چهاردهم، پاسخ ساختاری به این سؤال تا حد زیادی در جایگاه معاون اول قرار گرفته است و عارف باید بتواند اختلافات میان دستگاه‌ها را پیش از آنکه به اختلاف سیاسی تبدیل شوند، مدیریت کند.

این کار نیازمند دو ویژگی شناخت ساختار دولت و دوم، توان گفت‌وگو با جریان‌های مختلف است. سابقه عارف در دولت، مجلس، دانشگاه و نهادهای سیاست‌گذاری، مجموعه‌ای از تجربه‌ها را در اختیار او گذاشته است. او در دوره دوم ریاست‌جمهوری خاتمی معاون اول بود و سال‌ها بعد، در دولت پزشکیان دوباره به همین جایگاه بازگشت. این بازگشت از یک جهت نیز معنادار است. عارف با ساختار دولت بیگانه نیست و می‌داند هماهنگی در سطح کابینه فقط با صدور بخشنامه یا برگزاری جلسه اتفاق نمی‌افتد بلکه هماهنگی به اعتماد نیاز دارد.

• برش •

حلقه وصل جریان‌های مختلف

دولت پزشکیان را نمی‌توان با برچسب‌های معمول سیاسی توضیح داد. یکی از ویژگی‌های اصلی آن، تلاش برای کنار هم قرار دادن نیروهایی با سوابق و دیدگاه‌های متنوع است. در چنین شرایطی، معاون اول باید بتواند با همه بخش‌های دولت ارتباط برقرار کند. نه به این معنا که همه را همفکر کند، بلکه به این معنا که همه را در یک چارچوب مشترک نگه دارد. این چارچوب همان برنامه دولت، سیاست‌های کلی و منافع ملی است. حتی حکم رئیس‌جمهوری برای عارف نیز بر همین نکته تأکید داشت: سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و برنامه هفتم، میثاق مشترک دولت هستند و باید با مشارکت و همکاری همه ظرفیت‌ها دنبال شوند. در نتیجه، می‌توان مأموریت عارف را در مدیریت تفاوت در دیدگاه و وحدت در اجرا خلاصه کرد. هر چه دامنه نگاه‌ها گسترده‌تر باشد، مدیریت اختلاف‌ها دشوارتر می‌شود اما در مقابل، اگر این تفاوت‌ها درست مدیریت شوند، دولت می‌تواند از مجموعه وسیع‌تری از تجربه‌ها و دیدگاه‌ها استفاده کند. در این میان، محمدرضا عارف در یکی از مهم‌ترین جایگاه‌های دولت قرار گرفته است؛ جایگاهی که مأموریت اصلی آن نه رقابت با وزرا، بلکه وصل کردن آنها به یکدیگر و ایجاد هماهنگی بین کابینه و رئیس جمهوری است.

دولت وفاق ملی را نمی‌توان با یکدستی سیاسی سنجید؛ اتفاقاً ویژگی آن در تفاوت‌هایش است اما این تفاوت‌ها زمانی به سرمایه تبدیل می‌شوند که دولت بتواند آنها را در فرآیند تصمیم‌گیری به یکدیگر متصل کند.

در این میان، عارف بیش از آنکه فقط معاون اول رئیس‌جمهور باشد، در جایگاه هماهنگ‌کننده یک دولت متنوع قرار گرفته است؛ مدیری که باید میان دستگاه‌های مختلف ارتباط برقرار کند، اختلاف‌ها را در داخل دولت نگه دارد، از تجربه‌های گذشته استفاده کند و اجازه ندهد تنوع سیاسی و مدیریتی به چندپارگی اجرایی تبدیل شود.

شاید مهم‌ترین آزمون عارف نیز همین باشد، اینکه دولت پزشکیان بتواند با وجود تفاوت در نگاه‌ها، در لحظه تصمیم‌گیری یک دولت باشد. در نهایت، وفاق ملی زمانی از یک شعار سیاسی به یک مدل حکمرانی تبدیل می‌شود که اختلاف‌ها در اتاق تصمیم شنیده شوند اما تصمیم نهایی در بیرون از آن اتاق با یک صدای واحد اجرا شود و اینجاست که نقش عارف معنا پیدا می‌کند؛ حلقه وصلی میان صداهای متفاوت دولت، برای ساختن یک مسیر مشترک در اجرا.

ایران
Iran Daily Newspaper
چهارشنبه
۴ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۷
Wednesday
26 August 2026
Vol 9107

ایستادیم تا بسازیم؛ از دل بحران، سرمایه‌ای برای فردا

• یادداشت اختصاصی •

محمدرضا عارف
معاون اول رئیس جمهور اسلامی ایران

دو سالی که پشت سر گذاشتیم را نمی‌توان با هیچ دوره دیگری در تاریخ معاصر این سرزمین مقایسه کرد. کشوری که در ابتدای این دولت، تورمی افسارگسیخته و انبوهی از ناترازی‌های انباشته از بیش از دو دهه را تحویل گرفت، در ادامه راه با دو جنگ تحمیلی، شهادت رهبر فرزانه انقلاب و فرماندهان ارشد نظام و روزهای تلخ دی‌ماه روبه‌رو شد. پیش از هر سخنی، یاد همه شهدای این دوران؛ از جبهه جنگ تا خیابان‌های کشور را گرامی می‌دارم و تسلیت خود را به خانواده‌های داغدار سراسر کشور تقدیم می‌کنم. این یادداشت برای مردم، نه از باب فهرست کردن دستاوردها، بلکه برای گفت‌وگویی‌ست صادقانه درباره آنچه گذشت و آنچه پیش روست.

چهار رکن ایستادگی ایران

آنچه در این دو سال و بویژه در سخت‌ترین ماه‌های آن، ایران را سرپا نگاه داشت، بر چهار رکن استوار بود. باور دارم شناخت صادقانه این چهار رکن البته همراه با کاستی‌ها و زخم‌هایی که در کنار آنها وجود داشت، هم حق مردم است و هم چراغ راه ما برای آنچه پیش روست.

رکن اول، ایستادگی آگاهانه مردم است. دشمنان این ملت گمان می‌کردند فشار نظامی و اقتصادی می‌تواند میان مردم و نظام شکاف بیندازد و کشور را به سمت فروپاشی از درون سوق دهد. آنچه دیدند، خلاف این پندار بود: حضور متین و هوشمند مردم در خیابان‌ها، در شهرهای جهان، در مراسم‌های وداع، در صحنه‌های همبستگی ملی، پیامی روشن به داخل و خارج مخابره کرد. البته می‌دانم در جامعه‌ای بزرگ و متکثر مانند ایران، همه به یک شکل به رویدادها نمی‌نگرند و این، طبیعی و پذیرفتنی است؛ آنچه اهمیت دارد، این است که در لحظه‌ای که پای سرزمین در میان بود، این ملت انتخاب خود را کرد.

و نکته‌ای که به گمانم باید آن را دستاوردی بزرگ از این دوران بدانیم، این است: ایرانیان با هر گرایش فکری، سبک زندگی و نگاه سیاسی، در داخل و در میان ایرانیان مقیم خارج از کشور، در لحظه‌ای که پای ایران در میان بود، اختلاف‌های خود را کنار گذاشتند و متحد ایستادند. این وحدت، محصول دستور و بخشنامه نبود؛ محصول تعلق خاطر عمیق این ملت به سرزمین و هویت مشترکش بود. اما صادقانه بگوییم: این سرمایه اجتماعی، شکننده است؛ اگر آن را به سازوکارهای پایدار مشارکت و اعتماد تبدیل نکنیم، به‌مرور کم‌رنگ خواهد شد. این هشدار را با جدیت تمام به خود و همکارانم می‌دهم.

در کنار مردم و رزمندگان میهن، باید از حضور درخشان دانشمندان و متخصصان جوان ایرانی نیز به‌احترام یاد کنم؛ آنان که می‌توانستند در آرامش و رفاه کشورهای غربی یا منطقه به کار و زندگی خود ادامه دهند، اما ترجیح دادند دانش و توان علمی خود را در اختیار میهن بگذارند و در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و اجتماعی، سهمی برجسته در دفاع از این سرزمین ایفا کنند. این انتخاب، نشانه‌ای از همان تعلق خاطری است که پیش‌تر از آن سخن گفتم؛ و در سال‌های پیش‌رو، باید قدر این سرمایه انسانی را به‌جا بیاوریم و بستری بسازیم که این انتخاب، بیش از پیش تکرار شود.

باید با صداقت کامل، از تجربه تلخ دی‌ماه گذشته نیز سخن بگوییم. آنچه در آن روزها رخ داد، زخمی عمیق بر پیکره این سرزمین بود. از دست دادن جان هموطنان‌مان؛ جوانانی که هرگز نباید قربانی هیچ بحرانی شوند. فاجعه‌ای که با اعتراض به حق مردم به وضعیت اقتصادی آغاز شد ولی توسط دشمنان و مزدوران‌شان به انحراف، خشونت و تخریب کشور کشانده شد، نمی‌توان و نباید آن را کوچک شمرد یا به‌سادگی از خاطر و چهره این کشور زدود. مسئولیت روشن‌شدن کامل حقیقت این رویداد و پاسخگویی به خانواده‌های داغدار را جدی گرفتیم؛ دولت باور دارد تنها با شفافیت واقعی، پاسخگویی و گفت‌وگوی صادقانه با مردم درباره ریشه‌های نارضایتی و نه با انکار یا سرکوب می‌توان اعتماد از دست‌رفته را بازسازی و از تکرار چنین روزهای تلخی در آینده این سرزمین پیشگیری کرد.

رکن دوم، هوشمندی و رشادت نیروهای مسلح کشور بود. در برابر حملاتی که با هر معیار انسانی و بین‌المللی، ناجوانمردانه و غیرقابل توجیه بود، فرزندان این آب‌وخاک با هوشیاری، آمادگی و از خودگذشتگی، از حریم کشور دفاع کردند. این ایستادگی و مقاومت، سپری شد که امنیت روزمره میلیون‌ها خانواده ایرانی را حفظ کرد و مهر تأیید دوباره‌ای زد به استقلال و توان ایستادگی ایران سرافراز. در کنار این افتخار، صادقانه اعتراف می‌کنم که وقوع این حملات، خسارت‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری همچون از دست دادن رهبری و برخی فرماندهان ارشد کشور ایجاد کرد و درسی سخت و گران برای ساختار امنیتی و دفاعی کشور بود؛ درسی که باید با جدیت و بدون هیچ ملاحظه‌ای از آن آموخت تا چنین آسیب‌پذیری‌هایی تکرار نشود. امروز به جرأت می‌گوییم که براساس آموخته‌های ما از دو جنگ گذشته، میزان آمادگی و سطح فناوری و دفاعی ما بسیار بالاتر از گذشته و حتی روزهای پایانی جنگ رمضان است. این با مشارکت علمی و جهادی دانشمندان جوان و فرماندهان نظامی محقق شده است.

رکن سوم، میدان دیپلماسی عزتمندانه و فعال کشور بود. دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی، در یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر، مذاکراتی را پیش برد که به تفاهمی بی‌نظیر و تاریخی انجامید؛ تفاهمی که درآن، طرف مقابل ملزم به احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران و تعهد به خودداری از تعرض و مداخله مجدد شد. باید صریح بگوییم: هنوز مسیر سخت و دشواری تا دور کردن کامل سایه جنگ و تعرض از کشور باقی مانده و مسائل مهمی همچنان در دست مذاکره‌اند. صداقت‌ورزی و پایبندی طرف مقابل نیز برای ما محل تردید جدی است. با این‌همه، اصل دستیابی به چنین چارچوبی، از موضع اقتدار و نه تسلیم، دستاوردی است که ارج می‌نهیم؛ و با چشمانی باز، برای هر مسیر و سناریویی که پیش‌رو باشد، آماده‌ایم.

رکن چهارم، میدان اقتصاد و مدیریت اقتصادی کشور بود. در یکی از تنگ‌ترین حلقه‌های تحریم و محاصره اقتصادی که این ملت به خود دیده، دولت نه‌تنها از مدیریت روزمره اقتصاد کشور بازنایستاد، بلکه اصلاح ساختارهای معیوب اقتصادی را نیز با وجود همه هزینه‌های سیاسی و اجتماعی آن، در دستور کار خود نگاه داشت. یکسان‌سازی نرخ ارز و حذف رانت ارز ترجیحی، اصلاحی بود که دولت‌های پیشین سال‌ها از آن طفره رفتند؛ ما آن را با علم به هزینه‌های کوتاه‌مدتش پذیرفتیم و مسئولیت آن را می‌پذیریم. اما باید با شما صادق باشم: کاهش نرخ رشد تورم به این معنا نیست که رشد قیمت‌ها متوقف شده‌اند؛ قیمت‌ها همچنان، هرچند با شتابی کمتر از گذشته، در حال افزایش‌اند و فشار بر سفره خانوار واقعی است. همچنین می‌دانم مهار تورم اگر به بهای تعطیلی کارگاه‌ها و از دست رفتن مشاغل مردم تمام شود، ارزشی نخواهد داشت؛ توجه به رونق تولید، به‌اندازه مهار رشد قیمت‌ها برای‌مان اهمیت دارد.

در کنار این چهار رکن، نکته‌ای هست که باید صریح و روشن بیان کنم: به‌رغم همه تنگ‌نظری‌ها، مقاومت‌ها و سنگ‌اندازی‌هایی که در مسیر با آن مواجه بودیم، پای تعهدمان به مردم درباره صیانت از فضای مجازی و بازگشایی اینترنت ایستاده‌ایم. این وعده را نه به‌عنوان یک لطف، که به‌عنوان حق مسلم هر شهروند ایرانی به رسمیت شناختیم و با وجود همه فشارها و مخالفت‌های درون و بیرون از دولت، آن را محقق کردیم. دسترسی عادلانه، پایدار و بدون تبعیض به اینترنت، از این پس، خط قرمز ما در تعامل با مردم خواهد بود.

چرا به فردا امیدواریم؟

آنچه از این دو سال آموختیم، این است که ایران توان تاب‌آوری‌ای دارد که شاید خودمان هم دست‌کم گرفته بودیم. اما تاب‌آوری به‌تنهایی کافی نیست؛ باید آن را به توانمندی ساختاری تبدیل کنیم. برای همین، اولویت‌های دو سال پیش‌رو را نه به‌عنوان یک برنامه اداری، بلکه به‌عنوان یک تعهد به شما مردم اعلام می کنم .

پنج اولویت دو سال

۱. تاب‌آوری اجتماعی: دعوت به مشارکت نخبگان و متخصصان. مهم‌ترین درسی که در دو سال گذشته فراگرفته‌ایم، این است که تاب‌آوری اجتماعی، شاید مهم‌ترین سرمایه یک ملت در روزگار سخت باشد؛ سرمایه‌ای که نه با بخشنامه، که با اعتماد، مشارکت و کار علمی ساخته می‌شود. به همین دلیل، این را یکی از جدی‌ترین اولویت‌های دو سال آینده کشور اعلام می‌کنم. پنجره فرصتی که پس از این دوران دشوار گشوده شد، ممکن است تنها چند ماه دوام بیاورد؛ مسئولیت ما این است که آن را به سازوکارهای پایدار تبدیل کنیم: شفافیت واقعی در تصمیم‌گیری، میدان‌دادن به ظرفیت مردمی و نهادهای مدنی و پاسخگویی مستمر دولت. از همین‌جا، صمیمانه از دانشمندان، پژوهشگران و متخصصان حوزه توسعه، تاب‌آوری اجتماعی، روان‌شناسی و همه اندیشمندان کشور دعوت می‌کنم که با حضور، طرح، پیشنهاد و همکاری خود، ما را در ارتقای واقعی این سرمایه ملی یاری کنند. بخشی مهم از این مسئولیت نیز فراهم‌کردن جایگاهی واقعی برای صدای نسل جوان و نخبگانی است که در این سال‌ها وسوسه مهاجرت را پیش‌رو داشته‌اند؛ باید چنان زمینه‌ای بسازیم که ماندن و ساختن، انتخابی معنادارتر از رفتن باشد .

۲. حفاظت از سفره مردم و مهار تورم. کاهش نرخ رشد تورم، پایان راه نیست، آغاز آن است. هدف ما در دو سال آینده، رساندن تورم به سطحی است که خانواده‌های ایرانی بتوانند دوباره برای فردا برنامه‌ریزی کنند، نه فقط برای امروز دوام بیاورند. تأکید می‌کنم که فشار این دوران بر همه خانواده‌ها یکسان نبوده است؛ حمایت هدفمند از اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر، در کنار مهار تورم عمومی، همچنان در اولویت جدی ماست. در کنار این، تقویت ظرفیت و استقلال نهادهای پولی کشور را نیز در دستور کار جدی خود قرار می‌دهیم.

۳. بازسازی با مردم، نه صرفاً برای مردم. تجربه تلخ بازسازی گُند جنگ تحمیلی هشت‌ساله نباید تکرار شود. بازسازی مناطق آسیب‌دیده و بازگرداندن خانه و کاشانه هموطنانی که در این دوران آن را از دست داده‌اند، باید مشارکتی، سریع و غیرمتمرکز باشد؛ تصمیم باید در محل، با حضور مردم همان منطقه گرفته شود. این فرصت را نیز غنیمت می‌شماریم تا به چالش‌های دیرینه‌ای همچون بحران آب و محیط زیست، که سال‌ها به تعویق افتاده‌اند، جدی‌تر بپردازیم.

۴. تثبیت گشایش دیجیتال و بهره‌گیری جدی از هوش مصنوعی به‌عنوان موتور اشتغال و اصلاح خدمات. بازگشایی اینترنت گام اول بود، نه پایان تعهد. دولت، نهادهای حکمرانی و بنگاه‌های اقتصادی کشور باید بدون فوت وقت، فناوری و نوآوری مبتنی بر هوش مصنوعی را در اولویت جدی خود قرار دهند؛ هم برای اصلاح و هوشمندسازی فرآیندها و خدمات دولتی و هم برای ایجاد بستری پایدار و قابل‌اتکا که کارآفرینان و کسب‌وکارهای نوپای کشور بر پایه آن رشد کنند. در کنار این توسعه، متعهدیم حریم خصوصی شهروندان و صیانت از داده‌های آنان را نیز جدی بگیریم؛ توسعه هوش مصنوعی نباید هرگز به بهای نظارت یا مداخله بی‌ضابطه بر زندگی مردم تمام شود. ازاین پس، یکی از معیارهای جدی ما در انتخاب و ارزیابی مدیران ارشد دولت و بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه آن، میزان اهتمام و جدیت ایشان در توسعه کاربردهای هوش مصنوعی و ایجاد بهره‌وری و شفافیت واقعی در حوزه کاری‌شان خواهد بود.

۵. شفافیت، انضباط و هوشمندسازی فرآیند تصمیم‌گیری کشور. در دوران گذار، هیچ چیز به‌اندازه وضوح در مسیر تصمیم‌گیری به ثبات کشور کمک نمی‌کند. متعهدیم که سیاست‌گذاری کشور از مسیر نهادهای قانونی و پاسخگو؛ دولت و مجلس، عبور کند و هر تصمیم، مسیر روشن و قابل‌پیگیری خود را طی کند. دراین مسیر، بهره‌گیری از ظرفیت هوش مصنوعی برای شفاف‌سازی، تسهیل نظارت و طراحی ساختارهای نوین تصمیم‌گیری را نیز جدی می‌گیریم؛ نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار فناورانه، بلکه به‌عنوان یک نوآوری نهادی برای حکمرانی روزآمد.

متعهد می‌شوم که در فواصل منظم، گزارشی صادقانه از میزان پیشرفت در تحقق این اولویت‌ها را با مردم در میان بگذارم؛ چرا که پاسخگویی، نه یک تعارف، که رکن اصلی اعتماد است. آنچه پیش روست، آسان نخواهد بود؛ اما اگر این دو سال چیزی به ما آموخته باشد، این است که این کشور، با تکیه بر مردم، دانشمندان و متخصصان جوان، نیروهای مسلح، دیپلماسی فعال و مدیریت اقتصادی مسئولانه، در سخت‌ترین شرایط از پا نمی‌افتد. سهم ما این است که شایسته این تاب‌آوری باشیم

• برش •

سخن پایانی

مردم ایران در این دو سال، بیش از آنچه از هر ملتی در هر کجای دنیا انتظار می‌رود، ایستادگی و صبوری کردند. این یادداشت، گزارشی از موفقیت نیست؛ تعهدی است که با آگاهی از سنگینی مسئولیت می‌نویسم. متعهد می‌شوم که در فواصل منظم، گزارشی صادقانه از میزان پیشرفت در تحقق این اولویت‌ها را با مردم در میان بگذارم؛ چرا که پاسخگویی، نه یک تعارف، که رکن اصلی اعتماد است. آنچه پیش روست، آسان نخواهد بود؛ اما اگر این دو سال چیزی به ما آموخته باشد، این است که این کشور، با تکیه بر مردم، دانشمندان و متخصصان جوان، نیروهای مسلح، دیپلماسی فعال و مدیریت اقتصادی مسئولانه، در سخت‌ترین شرایط از پا نمی‌افتد. سهم ما این است که شایسته این تاب‌آوری باشیم.

گفت‌وگو با محمد عطریانفر درباره عملکرد معاون اول رئیس جمهور

عارف به حفظ انسجام درونی دولت بسیار کمک کرده است

• گفت‌وگو •

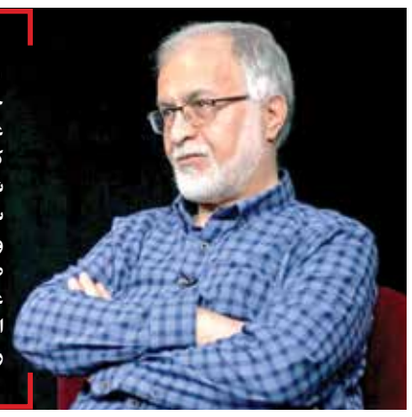

به مناسبت هفته دولت و برای ارزیابی جایگاه معاون اول رئیس جمهور و عملکرد محمدرضا عارف، گفت‌وگو کرده‌ایم با محمد عطریانفر، عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی. عطریانفر با اشاره به ویژگی‌های علمی، تجربیات و سوابق طولانی مدیریتی و روحیه تعاملی عارف، معتقد است که او در حفظ انسجام درونی دولت بسیار کمک‌کار رئیس جمهوری بوده است.

به نظر شما رئیس جمهوری ناظر بر چه ویژگی‌هایی محمدرضا عارف را به عنوان معاون اول خود انتخاب کردند؟

به گمان من، انتخاب دکترعارف از سوی رئیس جمهور مسعود پزشکیان بیش از هر چیز بر اساس شناخت بلندمدت از ایشان نسبت به منظومه‌ای از دانش، تجربه طولانی‌مدت در دولت، اعتدال و توانایی وی در ایجاد وفاق صورت گرفت. ایشان از مفاخر علمی کشور و پیشینه موفق مدیریت بزرگ‌ترین دانشگاه کشور یعنی دانشگاه تهران را در سوابق خود داشته‌اند و تجربه معاونت اول ریاست‌جمهوری را پیش‌تر در دولت آقای خاتمی که از برجسته‌ترین رؤسای جمهوری نیم قرن اخیر ایران بودند، آزموده‌اند؛ از این رو به سازوکار پیچیده دولت و ظرایف اداره دستگاه اجرایی وقوف کامل دارند. ویژگی برجسته دیگر ایشان، منش آرام و به دور از تنش در کنار قدرت گفت‌وگو با جریان‌های مختلف سیاسی است؛ خصیصه‌ای که با شعار «وفاق ملی» دولت چهاردهم به‌وضوح تناسب دارد. سابقه مدیریتی ایشان از وزارت تا سازمان مدیریت و معاونت اول، نشان می‌دهد انتخاب ایشان علاوه بر اینکه بر عقلانیت و اعتدال سیاسی وی دلالت داشته، انتخابی مبتنی بر تجربه و قابلیت هماهنگ‌کنندگی در اداره دولت بوده است.

بر اساس ارزیابی هایی که شما دارید، آیا این ویژگی‌ها توانسته جایی به کمک دولت بیاید و در حقیقت باری از دوش دولت بردارد؟

پاسخ کاملاً روشن است و بی‌تردید نقش ایشان را مثبت می‌دانم. در شرایط تخاصم و منازعه سنگین بین ایران و قدرت استکباری جهان /آمریکا/ که دولت با مسائل پیچیده اقتصادی، فشارهای خارجی و ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های متعدد دست‌وپنجه نرم می‌کند، روحیه هماهنگ‌کننده آقای عارف، صبر و متانت و بردباری و مقاومت ایشان در برابر مشکلات، به حفظ انسجام درونی دولت بسیار کمک کرده است. نقش معاون اول همواره ایجاد هم‌افزایی میان وزارتخانه‌ها و تبدیل تصمیم‌های پراکنده به سیاست‌های منسجم بوده و تجربه دکتر عارف در این زمینه سرمایه‌ای مهم و غیرقابل‌انکار است. حضور فعال او در جلسات اقتصادی، شورای اقتصاد و مباحث بودجه‌ای و تنظیم بازار نشان می‌دهد که نگاه وی متکی بر مبانی علم مدیریت و غیرجناحی است و به حل درازمدت مسائل اجرایی و معیشتی توجه کافی داشته است. بخش مهمی از این موفقیت‌ها که با اهتمام دکتر عارف محقق شده، خوشبختانه بدون هیاهو و تبلیغات و یا ترویج شخصی بوده و اغلب کارآمدی دولت به‌خاطر همین روحیه در انجام هماهنگی‌ها ارزیابی می‌شود.

ارزیابی شما از مهم‌ترین کارکرد معاون اول رئیس جمهور در دو سال گذشته چیست؟

مهم‌ترین کارکرد دکتر عارف را می‌توان حفظ پیوستگی نهاد دولت و هماهنگی دستگاه اجرایی کشور در شرایط دشوار حاکم آن‌هم در متن اسارت تحریم‌های ظالمانه و طاقت‌شکن بیگانگان دانست. معاون اول موفق دولت پزشکیان کسی نیست که هر روز به مدد دستگاه عریض و طویل پروپاگاندا در صدر اخبار باشد؛ او کسی است که بدون هیاهو اجازه نداده اختلاف میان دستگاه‌ها، تصمیم‌گیری دولت را فرسوده کند. از این منظر، دکترعارف با اتکا به تجربه، متانت و ارتباطات متواضعانه مدیریتی، در بسیاری از عرصه‌ها نقش تسهیلگر و هماهنگ‌کننده مؤثری داشته است. البته هیچ مدیری بی‌نیاز از نقد نیست و انتظار از جایگاه معاون اول، ابتکار و شتاب کافی و البته عقلانی در حل مسائل بزرگ کشور است. با این همه، به نظر می‌رسد ایشان در چارچوب وظایف تعریف‌شده، توانسته‌اند از پس بخش مهمی از مسئولیت‌های خود برآیند و نقش تکیه‌گاه اجرایی برای دولت را خوب ایفا کند.

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های محول‌شده از طرف رئیس جمهوری به آقای عارف، تشکیل و ریاست ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی بود. به نظر شما معاون اول رئیس جمهور تا کنون از عهده این مأموریت برآمده‌اند؟ اگر پاسخ مثبت است، این موفقیت ناشی از چیست؟

اگر تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی و خروج اینترنت بین‌الملل از وضعیت انسداد را یکی از نمونه‌های موفقیت این مأموریت بدانیم، به گمان من، کامیابی آن محصول ترکیب سه ویژگی است که سهم دکتر عارف در آن ممتاز و برجسته بوده است: روحیه تعاملی، اقتدار مدیریتی و پیگیری مسئولانه. فضای مجازی حوزه‌ای چندنهادی و حساس است و هیچ تصمیم پایداری در آن بدون گفت‌وگو و اقناع عوامل و ذی‌نفعان مؤثر در حاکمیت به نتیجه نمی‌رسد. دکتر عارف از توان و تأثیر گفت‌وگو و تجربه خود برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها بهره برده و در عین حال، پیگیری مستمر او مانع از فراموشی موضوع شد. اقتدار مدیریتی دکتر عارف به‌حدی بود که توانست میان ملاحظات امنیتی و نیازهای اقتصادی خرده ذی‌نفعان میلیونی در بازار، انتظارات علمی و اجتماعی جامعه توازن ایجاد کند. موفقیت ایشان در این حوزه حاصل تدبیر، تعامل و استمرار برای حل مسأله بوده است.

در دو سال باقی‌مانده از دولت چهاردهم، انتظار دارید آقای عارف روی چه مواردی تمرکز بیشتری کنند؟

در دو سال باقی‌مانده، انتظار می‌رود دکتر عارف بیش از گذشته نقش خود را به عنوان مدیر ارشد هماهنگی اجرایی دولت برجسته کند. به گمان من اولین اولویت ایشان باید این باشد که آثار مثبت مصوبات در دولت بخصوص تدابیر اقتصادی به نتایج ملموس در زندگی مردم ظاهر شود؛ بویژه در حوزه معیشت، کاهش هزینه‌های زندگی و ثبات بازار.

دوم، رفع موانع میان دستگاه‌ها و ایجاد سازوکار دقیق برای پیگیری اجرای مصوبات.

سوم، توجه عملیاتی‌تر به اقتصاد دانش‌بنیان و سرمایه انسانی جوان. حوزه‌هایی که خود ایشان نیز بر اهمیت زیرساخت و رفع موانع آن تأکید کرده‌اند. و در آخر تحول سازوکارهای درون‌سیستمی برای جلوگیری و مبارزه با فساد سازمان‌یافته در دستگاه‌های اجرایی کشور مورد انتظار است. و در نهایت، معاون اول می‌تواند حلقه وصل دولت با نخبگان، بخش خصوصی و جامعه باشد تا «وفاق» مدنظر دکتر پزشکیان از شعار سیاسی به سازوکار مؤثر برای حل مسائل کشور تبدیل شود.

حضور فعال او در جلسات اقتصادی، شورای اقتصاد و مباحث بودجه‌ای و تنظیم بازار نشان می‌دهد که نگاه وی متکی بر مبانی علم مدیریت و غیرجناحی است و به حل درازمدت مسائل اجرایی و معیشتی توجه کافی داشته است

ایران
Iran Daily Newspaper
چهارشنبه
۴ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۷
Wednesday
26 August 2026
Vol 9107

معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور از شیوه کار عارف می‌گوید

مدیریت عارف؛ ترکیبی از تعامل و اقتدار

تجربه و سوابق اجرایی عارف در روزهای سخت به کمک دولت آمد

• گفت‌وگو •

محمدرضا عارف مدیر سرد و گرم دیده‌ای است. بی‌راه نیست اگر گفته شود سوابق و تجربیات مختلف او در مسئولیت‌ها از مهم‌ترین دلایل انتخابش به عنوان معاون اول رئیس جمهور بوده است. اما این ویژگی‌ها چقدر توانسته در میدان عمل به مدد دولت بیاید؟ اساساً مهم‌ترین مأموریت دکتر عارف در کابینه چیست؟ شیوه مدیریتی او بیشتر مبتنی بر تعامل است یا اقتدار مدیریتی؟ برای پاسخ به این قبیل سؤالات با عباس پازوکی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور به گفت‌وگو نشستیم. پازوکی معتقد است شیوه مدیریتی محمدرضا عارف مبتنی بر ترکیبی از تعامل و اقتدار است.

قاعدتاً دکتر پزشکیان براساس مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و سوابق، دکتر عارف را به عنوان معاون اول انتخاب کرده‌اند. این ویژگی‌ها در این مدت کجا به کار دولت و کشور آمده است؟ می‌توانید به مصادیق ملموس اشاره کنید؟

اگر بخواهم در یک جمله بگویم، مهم‌ترین مزیت دکتر عارف برای دولت چهاردهم، ترکیب «تجربه حکمرانی»، «نگاه علمی» و «توان هماهنگ‌سازی در شرایط پیچیده» است.

دکتر عارف فقط یک سیاستمدار باسابقه نیست. یک چهره دانشگاهی و متخصص حوزه فناوری است که هم تجربه تحصیل در برترین دانشگاه‌های آمریکا را دارد، ریاست دانشگاه تهران را تجربه کرده، هم وزیر بوده، هم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را اداره کرده و هم پیش از این چهار سال معاون اول رئیس جمهور بوده و دوران طلایی رشد اقتصادی بیش از ۸ درصدی را تجربه کرده است. بنابراین هم زبان دانشگاه و کارشناسی را می‌شناسد، هم سازوکار بوروکراسی کشور را و هم اقتضائات تصمیم‌گیری در سطح عالی سیاسی.

اهمیت این تجربه بویژه در شرایط بحرانی خودش را نشان می‌دهد. کشور در این دوره با شرایطی مواجه شد که اداره عادی دستگاه‌ها کافی نبود؛ دولت باید همزمان به امنیت، تأمین کالا، انرژی، خدمات عمومی، تولید و آرامش روانی جامعه فکر می‌کرد.

یکی از نکات مهم این بود که دولت تلاش کرد پیش از وقوع بحران، سناریوهای شرایط اضطراری را آماده کند؛ بدون آنکه با اعلام عمومی سناریوهای نگران‌کننده، جامعه را ملتهب کند. نتیجه این آمادگی را در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه دیدیم. با وجود شرایط فوق‌العاده، شبکه تأمین و خدمات کشور فعال ماند و مردم در تأمین نیازهای روزمره با اختلال فراگیری مواجه نشدند.

بعد از آن هم نگاه دولت این نبود که بحران تمام شده و می‌توان به روال عادی برگشت. برنامه‌ریزی برای سناریوهای دشوارتر ادامه پیدا کرد. در جنگ رمضان نیز همین تجربه به کار آمد؛ حفظ جریان خدمات، پشتیبانی از دستگاه‌ها و حضور میدانی دولت بخشی از همین رویکرد بود.

ویژگی دکتر عارف این است که مدیریت بحران را فقط از پشت میز دنبال نمی‌کند. در دوران جنگ رمضان، شخصاً به دستگاه‌ها، مراکز خدماتی و بخش‌های مختلف سر زده و از نزدیک وضعیت را پیگیری می‌کرد. این حضور یک پیام مهم هم برای مدیران دارد: در شرایط سخت، دولت باید حاضر، در دسترس و مسئول باشد.

امروز هم با وجود آسیب‌هایی که کشور متحمل شده، فشار تحریم و محدودیت‌های خارجی، اداره کشور و استمرار خدمات متوقف نشده است. این اتفاق محصول کار یک فرد نیست، محصول عملکرد یک مجموعه بزرگ است؛ اما وظیفه معاون اول دقیقاً همین است که این مجموعه بزرگ را با کمک و ذیل راهبردهای رئیس جمهوری هماهنگ نگه دارد. به نظرم دکتر پزشکیان در انتخاب دکتر عارف دقیقاً به چنین تجربه‌ای توجه داشت. این دو از سال‌های دولت اصلاحات یکدیگر را می‌شناسند و سابقه طولانی همکاری و اعتماد متقابل دارند. در شرایط عادی اعتماد میان رئیس جمهوری و معاون اول یک مزیت و در شرایط بحرانی، یک ضرورت است.

معاون اول نقش مهمی در هماهنگی کابینه و دستگاه‌های اجرایی دارد. آیا دکتر عارف توانسته این بوروکراسی گسترده و دیدگاه‌های متفاوت درون دولت را هماهنگ کند؟

به نظرم باید تعریف‌مان از اقتدار مدیریتی را اصلاح کنیم. اقتدار همیشه با صدای بلند و برخورد تند به دست نمی‌آید. یک نوع اقتدار هم از تجربه، تسلط، انصاف و قدرت جمع‌بندی می‌آید. شیوه مدیریتی دکتر عارف بیشتر از این جنس است.

طبیعی است که در دولت، وزیر اقتصاد، وزیر نیرو، وزیر ارتباطات، رئیس بانک مرکزی یا مدیر یک دستگاه تخصصی هرکدام از زاویه مسئولیت خودشان به مسأله نگاه کنند. حتی مطلوب است که در مرحله کارشناسی اختلاف‌نظر وجود داشته باشد. هنر مدیریت این نیست که اختلاف نظر را حذف کند؛ هنر مدیریت این است که اختلاف کارشناسی را به تصمیم مشترک تبدیل کند.

یکی از ویژگی‌های جلساتی که دکتر عارف اداره می‌کند، همین است. اجازه می‌دهد دیدگاه‌های مختلف مطرح شود، حرف طرفین را با حوصله می‌شنود، سؤال می‌کند و وقتی بحث به اندازه کافی پخته شد، آن را به سمت جمع‌بندی می‌برد.

خود ایشان هم بارها گفته‌اند که اختلاف نظر تا پیش از تصمیم‌گیری طبیعی و حتی مفید است؛ اما وقتی تصمیمی با سازوکار کارشناسی گرفته شد، همه اجزای دولت باید برای اجرای آن هماهنگ باشند.

این نکته مهمی درباره دولت چهاردهم است. در بسیاری از مسائل خیلی پیچیده، با وجود تفاوت دیدگاه‌های کارشناسی، تلاش می‌شود تصمیم نهایی تا حد ممکن بر پایه اجماع شکل بگیرد.

من این را «اقتدار آرام» می‌نامم. اتاق جلسه قرار نیست رینگ منازعه باشد. مدیر موفق کسی است که افراد با دیدگاه‌های متفاوت، بعد از جلسه احساس کنند حرفشان شنیده شده، اما در عین حال بدانند تصمیمی که گرفته شده باید اجرا شود.

وزرا و مدیران نیز وقتی می‌بینند کسی که جلسه را اداره می‌کند هم تجربه دولت دارد، هم اقتصاد و برنامه‌ریزی را می‌شناسد، هم با فناوری و دانشگاه بیگانه نیست و هم سابقه معاون اولی دارد، طبیعتاً برای جمع‌بندی او وزن مدیریتی متفاوتی قائل می‌شوند.

یکی از مأموریت‌های مهمی که رئیس جمهوری به دکتر عارف سپرد، ریاست ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی بود. پس از آن نیز شاهد تغییر مهمی در وضعیت اینترنت بین‌الملل بودیم. عامل اصلی این اتفاق چه بود؛ روحیه تعاملی ایشان یا اقتدار مدیریتی؟

به نظرم ترکیبی از هر دو؛ یعنی تعامل برای رسیدن به تصمیم و اقتدار برای رساندن تصمیم به مرحله اجرا.

مسأله اینترنت در ایران مدت‌ها بود که دیگر صرفاً یک مسأله فنی نبود. ابعاد امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به خود گرفته بود و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر هم حل مسأله را دشوارتر کرده بود.

اتفاقاً یکی از دلایلی که دکتر عارف برای این مأموریت انتخاب شد، پیشینه علمی و مدیریتی اوست. ایشان متخصص حوزه ارتباطات و استاد دانشگاه صنعتی شریف است و مسأله فناوری را صرفاً از زاویه سیاسی نگاه نمی‌کند.

اگر مجموعه سخنان ایشان در این دو سال را مرور کنید، می‌بینید علم، فناوری، هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال یکی از پرتکرارترین دغدغه‌های اوست. نگاهش هم روشن است: کشوری که می‌خواهد در هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال و فناوری‌های نوظهور رقابت کند، نمی‌تواند نسبت به کیفیت و دسترسی به اینترنت بی‌تفاوت باشد.

دکتر عارف اخیراً تعبیر بسیار ساده و قابل فهمی هم به کار برد: نمی‌شود به خاطر تخلف چند خودرو، کل اتوبان را بست. این دقیقاً نشان می‌دهد از چه زاویه‌ای به مسأله نگاه می‌کند.

وقتی مسئولیت ستاد ویژه را پذیرفت، روش کار این نبود که از طریق رسانه با دستگاه‌های دیگر وارد منازعه شود. تلاش شد نهادهای ذی‌ربط و صاحبان دیدگاه‌های مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت داده شوند و مسأله با زبان مشترک امنیت ملی، دانش فنی، اقتصاد و حقوق مردم بررسی شود.

این همان روشی است که من از آن با عنوان «تعامل اقتدارآفرین» یاد می‌کنم. تعامل به معنای عقب‌نشینی از هدف نیست؛ یعنی این که شما بتوانید راه‌حلی پیدا کنید که تصمیم نهایی قابلیت اجرا داشته باشد و یک اختلاف نهادی به یک منازعه فرسایشی تبدیل نشود.

حتی وقتی درباره جایگاه حقوقی ستاد اختلاف و شکایت مطرح شد، دولت تلاش کرد موضوع را از مسیر تعامل حقوقی و نهادی پیگیری کند، نه از مسیر تقابل سیاسی. این روش مدیریتی دکتر عارف و محور راهبردها و شعارهای رئیس جمهوری پزشکیان است: مسأله باید حل شود، نه اینکه دعوا درباره مسأله بزرگ‌تر از خود مسأله شود.

مأموریت ستاد فقط وضعیت اینترنت نبود. قرار بود نظام تصمیم‌گیری در حوزه فضای مجازی هم منسجم شود. این کار در چه مرحله‌ای است؟

دقیقاً نکته همین‌جاست. مسأله اصلی فقط این نبود که یک محدودیت برداشته شود. مسأله بنیادی‌تر، چندمرجعیتی و پراکندگی تصمیم‌گیری در حوزه فضای مجازی بود.

گاهی یک دستگاه تصمیمی می‌گرفت، دستگاه دیگری مسئولیت آن را نمی‌پذیرفت و مردم هم نهایتاً نمی‌دانستند مسئول یک تصمیم مشخص چه نهادی است. چنین ساختاری، هم پاسخگویی را کاهش می‌دهد و هم تصمیم‌گیری را کُند می‌کند. به همین دلیل در حکم رئیس جمهوری به دکتر عارف، صریحاً بر ایجاد انسجام نهادی، جلوگیری از موازی‌کاری و پایان دادن به چندصدایی تأکید شده است.

جهت‌گیری اصلی این است که دستگاه‌های مختلف به جای حرکت روی ریل‌های موازی، در یک سازوکار هماهنگ تصمیم بگیرند. این موضوع برای مردم هم مهم است، چون حکمرانی خوب فقط این نیست که تصمیم درست گرفته شود؛ باید معلوم باشد چه کسی تصمیم می‌گیرد، بر چه اساسی تصمیم می‌گیرد و چه کسی مسئول اجرای آن است.

البته این یک اصلاح ساختاری است و نباید ادعا کرد که یک‌شبه تمام مشکلات چند دهه‌ای این حوزه برطرف شده است. اما جهت حرکت روشن است: تصمیمات مهم درباره فضای مجازی باید از یک فرآیند مشخص، مسئولانه و هماهنگ عبور کند و تصمیمات پراکنده و موردی به حداقل برسد.

به نظرم اهمیت این ستاد در بلندمدت حتی از یک مصوبه درباره اینترنت بیشتر است؛ چون اگر نظام تصمیم‌گیری اصلاح شود، حل مسائل بعدی هم کم‌هزینه‌تر خواهد شد. از سوی دیگر به شما این نوید را می‌دهم که این ستاد به شدت مشغول برنامه‌ریزی برای رشد اقتصاد دیجیتال است و حتماً اتفاقات بزرگی در این حوزه برای ایران خواهد افتاد و سهم اقتصاد دیجیتال از GDP در این دولت رشد معناداری خواهد داشت.

در دو سال گذشته شاید در افکار عمومی این تصور ایجاد شده باشد که دکتر عارف کمتر وارد مسائل کلان سیاست خارجی و مذاکرات شده است. این برداشت درست است یا حاصل تقسیم کار میان رئیس جمهوری و معاون اول است؟

به نظرم این برداشت بیشتر ناشی از تفاوت میان «دیپلماسی سیاسی» و «دیپلماسی اقتصادی و اجرایی» است. طبیعی است که رئیس جمهوری و وزیر امور خارجه در خط مقدم مذاکرات و دیپلماسی سیاسی دیده شوند. اما این به معنای غیبت معاون اول از سیاست خارجی نیست.

بخش مهمی از مأموریت دکتر عارف، تبدیل روابط سیاسی به همکاری اقتصادی، تجاری، فناورانه و سرمایه‌گذاری است. ستاد آفریقا با ریاست ایشان فعال است، روابط با کشورهای مهم منطقه و قدرت‌هایی مانند چین و روسیه به طور مستمر در سطح معاون اول پیگیری می‌شود و در سفرها و ملاقات‌های خارجی نیز تمرکز جدی بر عملیاتی شدن توافقات وجود دارد. دکتر عارف شخصاً در مسائل سیاست خارجی هم مواضع روشنی داشته است؛ از حمایت از اصل مذاکره مقتدرانه گرفته تا تأکید بر هماهنگی میدان و دیپلماسی و ضرورت توسعه روابط با همسایگان، روسیه، چین، کشورهای منطقه و آفریقا.

اما تقسیم کار دولت این است که معاون اول بخش بزرگی از توان خود را بر تقویت پشتوانه داخلی سیاست خارجی متمرکز کند.

این نکته بسیار مهم است. قدرت یک دیپلمات فقط از میز مذاکره نمی‌آید. وقتی پشت سر او اقتصادی باثبات‌تر، تولید فعال‌تر، امنیت انرژی، فناوری پیشرفته‌تر و جامعه‌ای منسجم‌تر وجود داشته باشد، قدرت چانه‌زنی کشور هم بیشتر می‌شود.

به همین دلیل وقتی معاون اول ساعت‌ها درگیر ناترازی انرژی، تولید، تنظیم بازار، هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال یا تأمین کالاهای اساسی است، نباید تصور کنیم این مسائل ارتباطی با سیاست خارجی ندارند. اتفاقاً او دارد بخشی از پشتوانه واقعی دیپلماسی کشور را تقویت می‌کند.

در دوره جنگ و پس از آن هم مواضع دکتر عارف درباره سیاست خارجی، مذاکره و انسجام ملی صریح بوده است. اما اولویت اجرایی او روشن است: کشور باید از درون قدرتمند و اداره‌پذیر بماند.

جنگ اقتصادی علیه ایران مسأله کوچکی نیست. فشار بر معیشت مردم، تولید، انرژی و تجارت خارجی می‌تواند به اندازه یک تهدید نظامی برای امنیت ملی اهمیت داشته باشد. بنابراین یکی از مسئولیت‌های اصلی معاون اول، ایجاد نوعی «پدافند اقتصادی» برای کشور است؛ یعنی حتی در سخت‌ترین شرایط، زندگی روزمره مردم، تولید و خدمات اساسی کشور تا جای ممکن بدون اختلال ادامه پیدا کند. اگر بخواهم تقسیم کار دولت را در یک جمله خلاصه کنم، می‌گویم: دیپلماسی باید برای کشور فرصت بسازد و مدیریت داخلی باید آن فرصت را به قدرت ملی تبدیل کند. دکتر عارف عمدتاً در نقطه اتصال این دو قرار گرفته است.

ویژگی دکتر عارف این است که مدیریت بحران را فقط از پشت میز دنبال نمی‌کند. در دوران جنگ رمضان، شخصاً به دستگاه‌ها، مراکز خدماتی و بخش‌های مختلف سر زده و از نزدیک وضعیت را پیگیری می‌کرد. این حضور یک پیام مهم هم برای مدیران دارد: در شرایط سخت، دولت باید حاضر، در دسترس و مسئول باشد

معاون اول؛ نقطه اتصال تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های دولت

• یادداشت •

حمید پاداش
معاون هماهنگی و نظارت اقتصادی و زیربنایی معاون اول رئیس جمهور

در ساختار اجرایی دولت، معاون اول رئیس جمهور صرفاً یک جایگاه تشریفاتی یا جانشین رئیس قوه مجریه در غیاب رئیس جمهوری نیست؛ بلکه این جایگاه، در شرایط پیچیده اقتصادی و اجرایی کشور، می‌تواند به یکی از مهم‌ترین کانون‌های هماهنگی، حل اختلاف و تبدیل سیاست‌های کلان به برنامه‌های عملیاتی تبدیل شود. گستردگی مسائل اقتصادی ایران، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر و مجری، درهم‌تنیدگی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری و همچنین وجود چالش‌هایی مانند ناترازی انرژی، محدودیت منابع، دشواری تأمین مالی و فشارهای خارجی، بیش از هر زمان دیگری ضرورت وجود یک مرکز هماهنگ‌کننده در سطح عالی دولت را آشکار کرده است.

از این منظر، حوزه معاون اول رئیس جمهور باید محل پیوند میان «تصمیم» و «اجرا» باشد؛ یعنی از یک سو مسائل و اولویت‌های دستگاه‌های مختلف را در یک چارچوب واحد جمع‌بندی کند و از سوی دیگر، با تعیین مسئولیت، زمان‌بندی، منابع و شاخص‌های ارزیابی، مانع از آن شود که تصمیمات دولت در حد مصوبه و جلسه باقی بماند. اهمیت این نقش زمانی بیشتر می‌شود که موضوعاتی در دستور کار قرار دارند که حل آنها از عهده یک وزارتخانه به تنهایی خارج است و نیازمند همکاری همزمان چندین دستگاه، نهاد و حتی قوه است.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای این حوزه، فرماندهی و راهبری بین‌دستگاهی برای اجرای اولویت‌های اقتصادی دولت است. در چنین چارچوبی، اختلافات میان وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی نباید به مانعی برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی تبدیل شود. معاون اول می‌تواند با ایجاد سازوکارهای منظم برای اخذ گزارش، تعیین تکلیف دستگاه‌ها و رفع تعارضات، فرآیند تصمیم‌گیری را کوتاه و اجرای مصوبات را قابل سنجش کند. به بیان دیگر، ارزش یک تصمیم اقتصادی زمانی مشخص می‌شود که برای اجرای آن مسئول مشخص، زمان مشخص و سازوکار نظارت وجود داشته باشد.

در همین چارچوب، راهبری کارگروه ویژه تحقق شعار سال ۱۴۰۴، یعنی تمرکز بر سرمایه‌گذاری و تولید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. شعار سال هنگامی می‌تواند به یک سیاست مؤثر تبدیل شود که از سطح ادبیات عمومی فراتر رفته و به برنامه‌ای با اهداف کمی، شاخص‌های ارزیابی و تکالیف روشن برای دستگاه‌ها تبدیل شود. آسیب‌شناسی سیاست‌ها و عملکرد سال‌های گذشته در حوزه تولید، سرمایه‌گذاری، اشتغال و ثبات اقتصادی نیز باید بخشی از همین فرآیند بوده تا خلأهای نهادی، مقرراتی و اجرایی گذشته شناسایی و از تکرار آنها جلوگیری شود.

ثبات اقتصاد کلان نیز یکی دیگر از حوزه‌های مهم فعالیت معاون اول است. اقتصاد کشور را نمی‌توان با سیاست‌های جزیره‌ای مدیریت کرد. سیاست ارزی، بودجه‌ای، مالی، پولی و تجاری بر یکدیگر اثر مستقیم دارند و هر تصمیم در یکی از این حوزه‌ها می‌تواند پیامدهایی در حوزه‌های دیگر ایجاد کند. هماهنگی میان دستگاه‌های اقتصادی با هدف مهار تورم، کاهش نااطمینانی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار، از جمله مهم‌ترین وظایفی است که در این سطح می‌تواند دنبال شود.

در کنار ثبات متغیرهای کلان، مسأله معیشت مردم نیز نیازمند سیاست‌گذاری و هماهنگی مستمر است. راهبری ستاد تنظیم بازار و پایش قیمت، موجودی، زنجیره تأمین و توزیع کالاهای اساسی، از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای جلوگیری از ایجاد اختلال در بازار است. مدیریت تخصیص منابع ارزی برای کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی نیز باید با همین رویکرد دنبال شود تا مشکلات ارزی به کمبود یا افزایش شدید قیمت اقلام حیاتی منجر نشود. استمرار پرداخت یارانه‌ها و مستمری‌ها و توسعه هدفمند کالابرگ الکترونیکی نیز در همین چارچوب، بخشی از سیاست صیانت از قدرت خرید خانوارهاست.

اما حفظ معیشت مردم بدون تقویت بخش تولید امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، یکی از مأموریت‌های مهم حوزه معاون اول، رفع موانع سرمایه‌گذاری و فعالیت بخش خصوصی است. نشست‌های مسأله‌محور با تشکل‌های اقتصادی، بنگاه‌ها، اتاق‌های بازرگانی و مجامع کارآفرینان می‌تواند به جای سیاست‌گذاری از پشت درهای بسته، مسائل واقعی تولیدکنندگان را به فرآیند تصمیم‌سازی وارد کند. مشکلات مربوط به ارز، مالیات، گمرک، مجوزها، تأمین مالی و مطالبات بنگاه‌ها باید به صورت موردی و زمان‌بندی‌شده پیگیری شود.

تأمین سرمایه در گردش صنایع راهبردی نیز در این میان اهمیت دارد. صنایع دارویی و تجهیزات پزشکی، صنایع غذایی، آرد و نان، پتروشیمی، پالایش، نساجی، قطعه‌سازی خودرو و صنایع انرژی‌بر، همگی با مسائل متفاوتی مواجه‌اند، اما اختلال در تأمین مالی آنها می‌تواند مستقیماً بر تولید، اشتغال و حتی معیشت مردم اثر بگذارد. بنابراین هماهنگی میان شبکه بانکی، دستگاه‌های اقتصادی و وزارتخانه‌های تخصصی برای تأمین سرمایه در گردش، بخشی از سیاست حمایت واقعی از تولید است.

در حوزه انرژی نیز نقش هماهنگ‌کننده معاون اول اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. ناترازی برق و گاز دیگر یک مسأله صرفاً تخصصی در وزارتخانه‌های نفت و نیرو نیست، بلکه مستقیماً به تولید، صادرات، اشتغال و رشد اقتصادی مربوط می‌شود. از این رو، باید همزمان با مدیریت مصرف، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و رفع موانع سرمایه‌گذاری در این بخش دنبال شود. تسهیل مجوزهای زمین و محیط زیست، طراحی مشوق‌های مالی، تقویت ساخت داخل و فراهم کردن زمینه مشارکت بخش خصوصی می‌تواند روند توسعه انرژی‌های پاک را شتاب دهد.

در بخش نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی نیز راهبری زنجیره ارزش اهمیت دارد. حل مسائل قراردادی و تأمین مالی، پیگیری مطالبات شرکت‌ها، حمایت از صنایع پایین‌دستی و افزایش ظرفیت تولید، از جمله اقداماتی است که به هماهنگی چند دستگاه نیاز دارد. تصویب و هدایت پروژه‌های کلان اقتصادی در شورای اقتصاد نیز باید با همین نگاه انجام شود؛ یعنی پروژه‌هایی در اولویت قرار گیرند که بیشترین اثر را بر رشد تولید، اشتغال، بهره‌وری و رفع گلوگاه‌های زیرساختی کشور دارند.

اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت نیز بدون چنین سازوکاری دشوار خواهد بود. برنامه زمانی معنا پیدا می‌کند که احکام آن به برنامه‌های عملیاتی دستگاه‌ها تبدیل و برای اجرای آنها مسئول مشخص تعیین شود و میزان پیشرفت به صورت مستمر مورد ارزیابی قرار گیرد. تدوین برنامه ملی بهبود رشد، ثبات، پیشرفت و عدالت نیز باید بر همین مبنا، بر رشد تولید و اشتغال، مهار تورم، طرح‌های پیشران، رفع ناترازی‌ها و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر متمرکز باشد.

در کنار این موارد، مولدسازی و بهره‌ور کردن دارایی‌های دولت می‌تواند به یکی از ابزارهای تأمین مالی پروژه‌های اولویت‌دار تبدیل شود. دارایی‌های راکد و کم‌بازده نباید صرفاً به‌عنوان اموال دولتی تلقی شوند، بلکه باید در چارچوبی شفاف و کارشناسی به منابعی برای تکمیل طرح‌های ضروری تبدیل شوند. همچنین تسهیل تأمین مالی خارجی، جذب سرمایه برای پروژه‌های اولویت‌دار و رفع موانع قراردادی و بانکی می‌تواند فشار بر منابع عمومی را کاهش دهد. تقویت صادرات و دیپلماسی اقتصادی نیز بخش دیگری از این منظومه است. توسعه تجارت منطقه‌ای، صادرات خدمات فنی و مهندسی، حضور شرکت‌های ایرانی در بازار کشورهای همسایه و تسهیل بازگشت مطالبات صادرکنندگان، از مسیرهایی است که می‌تواند به افزایش درآمدهای ارزی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کمک کند. همزمان، توسعه فناوری، نوآوری و ساخت داخل باید در خدمت کاهش وابستگی به واردات تجهیزات و فناوری‌های راهبردی قرار گیرد و شرکت‌های دانش‌بنیان به نیازهای واقعی صنایع متصل شوند.

همچنین از آنجا که مدیریت منابع آب، احیای حوضه‌های آبریز و اجرای پروژه‌های انتقال آب، همچون پروژه‌های حمل‌ونقل، آزادراه، راه‌آهن و کریدورهای ترانزیتی نیز نیازمند هماهنگی میان چندین دستگاه و گاه چند استان است. معاونت اول ریاست‌جمهور در این حوزه‌ها با شناسایی نقاط بحرانی، هماهنگ کردن منابع و دستگاه‌ها و پیگیری مصوبات تا مرحله اجرا، تلاش کرده است تا از توقف پروژه‌ها در پیچ‌وخم‌های اداری جلوگیری کند.

وجه مهم دیگر این مأموریت، مدیریت شرایط ویژه و اقتصاد دوره‌های بحران است. اقتصاد ایران به دلیل تحریم‌ها و مخاطرات خارجی همواره نیازمند سناریوهای اضطراری است؛ از تشدید تحریم‌ها گرفته تا جنگ و اختلال در زنجیره‌های تأمین. در چنین شرایطی، هماهنگی میان ارکان اقتصادی و زیربنایی دولت و تعامل با مراجع ذی‌صلاح امنیتی و قانونی، از جمله شورای عالی امنیت ملی و سران قوا، برای حفظ استمرار فعالیت‌های اقتصادی، تأمین کالاهای ضروری و جلوگیری از شوک‌های شدید ضروری است.

در نهایت، معاون اول توانسته است نقش مهمی در تنظیم روابط میان قوا نیز ایفا کند. بسیاری از مسائل اقتصادی در مرز میان وظایف دولت، مجلس و قوه قضائیه قرار دارند و حل آنها نیازمند گفت‌وگوی مستمر و هماهنگی نهادی است. تعامل پیوسته با نایب‌رئیس اول مجلس و معاون اول قوه قضائیه با هدف کاهش اصطکاک‌های احتمالی و تسریع در حل مسائل مشترک یکی از رویکردهای پیگیری شده است. آنچه از مجموعه این مأموریت‌ها به دست می‌آید، تصویری از معاون اول به‌عنوان «مرجع هماهنگی و حل مسأله» است؛ جایگاهی که باید مسائل پراکنده دستگاه‌ها را به بسته‌های سیاستی منسجم، زمان‌بندی‌شده و قابل ارزیابی تبدیل کند. در این مدل، هر مصوبه باید مسئول، منبع مالی، زمان اجرا و شاخص ارزیابی داشته باشد و دستگاه‌ها نیز در برابر نتایج پاسخگو باشند.

به این ترتیب با پیگیری منسجم چنین رویکردی، حوزه معاون اول در دولت چهاردهم سعی کرده است بیش از آنکه محل برگزاری جلسات متعدد باشد، به اتاق فرمان اجرای اولویت‌های دولت تبدیل شود؛ نهادی که میان سیاست‌گذاری و اجرا پل می‌زند، میان دستگاه‌های مختلف هماهنگی ایجاد می‌کند، صدای بخش خصوصی و بازار را به دولت منتقل می‌سازد و در نهایت، تصمیمات کلان را به نتایجی ملموس در زندگی مردم و عملکرد اقتصاد کشور تبدیل می‌کند. اهمیت این نقش دقیقاً در همین نقطه است: دولت زمانی می‌تواند از برنامه‌های خود دفاع کند که میان تصمیماتش و نتایج آن در میدان اجرا فاصله‌ای باقی نمانده باشد.

ایران
Iran Daily Newspaper
چهارشنبه
۴ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۷
Wednesday
26 August 2026
Vol 9107

حسن رسولی در گفت‌وگو با «ایران» ویژگی‌های شخصیتی و کاری معاون اول رئیس‌جمهور را تشریح کرد

عارف مدیری توانمند، پرکار و کم ادعا

•گفت‌وگو•

هدا احمدی/ در شرایطی که دولت چهاردهم پس از پشت سر گذاشتن تحولات امنیتی و نظامی، با مجموعه‌ای از مسائل پیچیده داخلی و خارجی مواجه است، نقش معاون اول رئیس‌جمهور بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده. حسن رسولی، عضو جبهه اصلاحات ایران، در گفت‌وگو با روزنامه ایران، انتخاب محمدرضا عارف به‌عنوان معاون اول را حاصل مجموعه‌ای از ویژگی‌های علمی، مدیریتی، تجربی و شخصیتی او می‌داند. ویژگی‌هایی که به گفته او، عارف را به یکی از چهره‌های قابل اتکای دولت برای هماهنگی میان بخش‌های مختلف قوه مجریه و پیشبرد سیاست وفاق تبدیل کرده است. رسولی با اشاره به سابقه دانشگاهی و مدیریتی عارف، تجربه چهار ساله او در معاونت اول دولت اصلاحات و ارتباطش با بخش‌های مختلف حاکمیت، معتقد است او بیش از آن‌که چهره‌ای رسانه‌ای و کاریزماتیک باشد، مدیری توانمند، خاموش و کم‌ادعاست که می‌تواند در شرایط دشوار، نقش یک مرجع قابل اعتماد برای مدیران و هماهنگ‌کننده میان بخش‌های مختلف دولت را ایفا کند. او همچنین تأکید دارد که در دو سال باقی‌مانده دولت چهاردهم، عارف باید در کنار رئیس‌جمهوری، تدوین یک برنامه جامع و واقع‌بینانه برای مواجهه با سناریوهای بحرانی را دنبال کند. برنامه‌ای که به اعتقاد او، باید حتی برای بدترین شرایط احتمالی نیز آمادگی داشته باشد.

به نظر شما آقای عارف چه ویژگی‌های ممتازی داشتند که رئیس‌جمهوری صلاح دانستند در آغاز دولت، ایشان را به‌عنوان معاون اول خود انتخاب کنند؟

فکر می‌کنم مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها و قابلیت‌ها باعث شد آقای دکتر پزشکیان دست به این انتخاب بزنند. نخست اینکه آقای دکتر عارف یک چهره برجسته علمی و دانشگاهی است. از این حیث، حضور ایشان با مرتبه استادی و سابقه علمی و دانشگاهی، می‌تواند به اعتبار و منزلت دولت در جامعه علمی، پژوهشی و دانشگاهی کشور کمک کند.

دوم اینکه آقای عارف به لحاظ آشنایی با رموز حکمرانی و دقایق کشورداری، به دلیل اینکه به‌صورت طبیعی و پلکانی در جایگاه‌های مختلف مسئولیتی قرار گرفته‌اند، از سابقه و تجربه‌ای برخوردارند که می‌تواند دولت را در مسیر هدایت کلان و کلی، به دور از افراط و تفریط، راهبری کند. پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور ایجاد شد. مقامی که در قانون اساسی جایگاه مشخصی دارد و در غیاب رئیس‌جمهوری، وظایف او را برعهده می‌گیرد. همان‌طور که پس از شهادت مرحوم رئیسی شاهد بودیم، معاون اول مسئولیت اداره امور دولت را تا زمان تعیین رئیس‌جمهوری جدید برعهده گرفت. بنابراین، قرار گرفتن فردی مانند دکتر عارف در این منصب، با تکیه بر اندوخته‌های علمی و تجربه‌های عملی و مدیریتی که به‌صورت پلکانی کسب کرده‌اند، می‌تواند برای دولت بسیار مفید باشد.

نکته سوم، اعتبار و شخصیت اخلاقی و دینی آقای عارف است. ایشان از یک خانواده اصیل و متدین یزدی برخاسته‌اند و در میان اقشار متدین و مذهبی جامعه نیز به تدین شناخته می‌شوند. نکته چهارم، سابقه چهار ساله ایشان در معاونت اولی دولت اصلاحات است؛ دولتی که به گواه حتی برخی منتقدان، یکی از بهترین کارنامه‌های عملکردی را، بویژه در حوزه اقتصادی و روابط بین‌الملل، داشته است. آقای عارف با توجه به پیشینه مدیریتی و تجربه‌ای که در تصمیم‌گیری و به‌خصوص در تعامل و رایزنی با رهبری و نهادهای امنیتی دارد و همچنین به دلیل مورد وثوق بودن، می‌تواند در ایجاد وفاق مؤثر باشد.

نکته دیگر اینکه آقای عارف امروز رئیس انجمن رمز ایران است. بنابراین، در دوران سختی مانند شرایط امروز، که نهادهای نظامی و امنیتی اختیارات و مسئولیت‌های مهمی دارند، بسیاری از افرادی که در این حوزه، بویژه در بخش‌های محرمانه و دیجیتال فعالیت می‌کنند، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از شاگردان و درس‌آموختگان آقای دکتر عارف بوده‌اند. این ارتباط و سابقه نیز می‌تواند در شرایط کنونی برای دولت یک مزیت محسوب شود.

به نظر من، آخرین ویژگی مهم آقای دکتر عارف این است که فردی تبلیغاتی نیست. ایشان در ایفای وظایف خود نسبت به مافوق، چه در دوره آقای خاتمی و چه اکنون در دوره آقای پزشکیان، قائل به این بوده‌اند که معاون اول، نفر دوم دولت است و باید دولت را اداره کند و فضا را به‌گونه‌ای فراهم آورد که نفر اول قوه مجریه، در این شرایط دشوار، بتواند بر مسائل کلیدی و راهبردی تمرکز کند. لذا در مجموع، فکر می‌کنم مجموعه این ویژگی‌ها و سایر خصایصی که می‌توان برشمرد، باعث شده است آقای دکتر عارف برای تصدی جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور انتخاب شوند.

می‌خواهم کمی جزئی‌تر به این موضوع بپردازیم. ویژگی‌هایی که برشمردید آیا توانسته به اجرای برنامه‌های دولت کمک کند؟ آیا موارد مشخصی وجود دارد که بگویید این ویژگی‌ها کجا و چگونه به مدد دولت آمده است؟

بله. من در دوره دوم ریاست‌جمهوری آقای خاتمی، عضو شورای عالی اداری کشور بودم و در آن دوره شاهد عملکرد آقای دکتر عارف در این شورا بودم. ایشان با اختیارات تفویضی، به مدت چهار سال، مدیریت این مرجع را برعهده داشتند. مرجعی که در حوزه ساختار و سازمان امور اداری و اجرایی کشور در بخش‌های مختلف، اختیارات تام داشت.

آنچه در آن دوره درباره آقای دکتر عارف مشاهده کردم، این بود که ایشان در مواجهه با استدلال‌های علمی، فنی و کارشناسی، هم صاحب تشخیص هستند و هم قابلیت انعطاف دارند. این ویژگی‌ها به ایشان امکان می‌دهد در هماهنگ کردن بخش‌های مختلف دولت با یکدیگر، به‌گونه‌ای عمل کنند که فردی مانند آقای دکتر پزشکیان، که پیش از این در چنین جایگاه‌هایی حضور نداشته‌اند، هم اعتماد کاملی به ایشان داشته باشند و هم از این بابت آسوده‌خاطر باشند که آقای دکتر عارف، به دلیل شناخت دقیق از زوایای آشکار و پنهان روابط و مناسبات بخشی و حاکمیتی دولت، می‌تواند به نیابت از رئیس‌جمهوری، نقش مؤثری در اداره و هماهنگی دولت ایفا کند.

از این منظر، معاون اول می‌تواند مرجعی برای رسیدگی و حل اختلافات میان افراد و بخش‌های مختلف قوه مجریه نیز باشد. آقای دکتر عارف با توجه به تجربه و شناختی که دارند، می‌توانند در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند. نکته دیگر این است که ایشان همواره فردی فراجناحی بوده و هستند. از مدت‌ها قبل نیز با شخصیت‌هایی از جناح اصولگرا نشست و گفت‌وگو داشته‌اند و این ارتباط‌ها همچنان ادامه دارد. بنابراین، در مسیر تحقق ایده «دولت وفاق» مورد نظر آقای پزشکیان، آقای دکتر عارف می‌تواند کمک‌کار و پشتوانه مؤثری برای ایشان باشد.

معاون اول به نوعی نقش هماهنگ کننده کابینه و اجزای مختلف دولت را هم دارد. آیا آقای عارف واجد کاریزمای لازم برای ایفای چنین نقشی بوده‌اند؟

ببینید، پاسخ به این سؤال تا حد زیادی به تعریف ما از «کاریزما» بستگی دارد. از نظر من، شخصیتی وجهه کاریزماتیک دارد که فراتر از مناسبات عینی و محاسبات معمول، از قدرت نفوذ قابل‌توجهی در افکار و اذهان عمومی برخوردار باشد و کلیت جامعه، با تکیه بر این ویژگی‌ها، او را فردی واجب‌الاطاعه و واجب‌الاحترام تلقی کند.

برای مثال، شما یادتان نیست. ما هنگام پیروزی انقلاب حدود ۲۰ سال داشتیم. حضرت امام(ره) برای ما یک شخصیت کاملاً کاریزماتیک بود. بنابراین، در مواردی که ایشان اظهارنظر می‌کردند، صرف‌نظر از هر موضوع دیگری، جایگاه کاریزماتیک ایشان برای ما کاملاً پذیرفته شده بود و نسل جوان انقلابی، باورمند و وفادار، از نظرات و سخنان ایشان تبعیت می‌کرد. اگر بخواهیم پس از انقلاب، مصداق یک شخصیت کاریزماتیک را حضرت امام(ره) بدانیم، قطعاً آقای دکتر عارف و حتی آقای دکتر پزشکیان به این معنا شخصیت کاریزماتیک محسوب نمی‌شوند. بویژه اینکه آقای عارف اساساً چهره‌ای رسانه‌ای و تبلیغاتی نیستند.

برای نمونه، اگر به نقشی که آقای عارف در دو جنگ ۱۲ روزه و ۳۹ روزه ایفا کردند توجه کنیم، می‌بینیم که ایشان برای جلوگیری از ایجاد قحطی، خالی شدن فروشگاه‌ها و تأمین معیشت مردم، شبانه‌روز تلاش کردند اما حتی یک مصاحبه مطبوعاتی یا کنفرانس رسانه‌ای هم در این زمینه نداشتند. بنابراین، از این منظر، ایشان را نمی‌توان شخصیتی کاریزماتیک به معنای متعارف کلمه دانست اما از جهت دیگری، یعنی اهلیت علمی، دانش و تجربه، به نظر من آقای عارف می‌تواند برای جامعه مدیران کشور، چه مدیران ارشد و چه مدیران میانی و مدیران بخش‌های مختلف، مرجعی قابل اعتماد باشد. در میان سران و شخصیت‌های بانفوذ کشور نیز ایشان به دلیل انعطافی که دارند، مورد احترام هستند. امروز حتی بخش قابل‌توجهی از رقبای سیاسی دولت نیز به همین دلایل حرمت آقای دکتر عارف را حفظ می‌کنند.

امروز وقتی ایشان در جلسات معاونان سران قوا در کنار آقای خلیلی و آقای حاجی‌بابایی حضور پیدا می‌کنند و جلسه را اداره می‌کنند، شاهد بروز تنش در روابط و مناسبات میان سه قوه نیستیم؛ چه در سطح معاونان رؤسای سه قوه و چه در سطح سران قوا. لذا به نظر من، آقای عارف در یک کلام، مدیری توانمند، خاموش و کم‌ادعاست. ایشان در عین حال، نسبت به حفظ حریم مقام مافوق، کاملاً اخلاقی و مسئولانه رفتار می‌کنند.

رئیس‌جمهوری برخی مأموریت‌های مهم دولت را به ایشان سپرده‌اند. یکی از این مأموریت‌ها تشکیل ستاد ویژه فضای مجازی بود که اتفاقاً به فاصله کوتاهی بعد از تشکیل این ستاد اینترنت بین‌الملل از حالت انسداد درآمد. به نظر شما چه مؤلفه‌هایی منجر به موفقیت ستاد و آقای عارف در این مأموریت بود؟ روحیه تعاملی، وجه اقتدار مدیریتی یا روحیه پیگیر و مسئولیت‌پذیر ایشان؟

رئیس‌جمهوری برخی مأموریت‌های مهم را به آقای عارف سپرده‌اند. آقای عارف، استاد تمام رشته برق و مخابرات و همچنان از استادان ممتاز و برجسته دانشگاه صنعتی شریف هستند. ایشان سال‌ها نیز وزیر پست، تلگراف و تلفن بوده‌اند و به همین دلیل، نسبت به فضای مجازی و حوزه ارتباطات دیجیتال، از مرجعیت علمی، تخصصی و تجربی برخوردارند.

از طرف دیگر، ایشان با استفاده از سایر تجارب مدیریتی خود در بخش‌های مختلف، قابلیت حل مسأله دارند. موضوع اینترنت، مسأله‌ای بسیار پیچیده بود و همچنان نیز هست. برای ورود به چنین حوزه‌ای، فردی باید به نمایندگی از رئیس‌جمهوری وارد عمل شود که مخاطبان و ذی‌نفعان این حوزه، او را فردی برجسته، آگاه و صاحب دانش و تجربه بدانند و درعین حال، نسبت به او زاویه‌ای نداشته باشند. آقای عارف این ویژگی را دارد.

بنابراین، مأموریت مهمی مانند موضوع اینترنت و بسیاری از امور دیگری که میان آقای پزشکیان و آقای عارف در قالب تقسیم کار دنبال می‌شود، از همین منظر قابل توجه است. البته برخی از این موارد رسانه‌ای نمی‌شود و اساساً بسیاری از جزئیات تقسیم کار میان رئیس‌جمهوری و معاون اول، طبیعتاً در فضای عمومی مطرح نمی‌شود اما به نظر من این همکاری در عمل بسیار مؤثر است. من فکر می‌کنم اگر معاون اول رئیس‌جمهور را به‌مثابه یک همکار دلسوز و مجرب و مشاوری صاحب صلاحیت تعریف کنیم، انتخابی که صورت گرفته، انتخاب مناسبی است.

نکته دیگر اینکه آقای دکتر عارف پشت تلفن هیچ‌یک از سران کشور نمی‌مانند؛ به دلیل احترام و اعتباری که برای ایشان قائل هستند، ارتباط و تعامل میان آنها برقرار است. از طرفی، ایشان در طول سال‌های فعالیت خود ثابت کرده‌اند که چندان به دنبال منافع فردی و شخصی و جاه‌طلبی‌های منفی نیستند.

به نظر من، اینکه مسأله مهمی مانند حل مسأله اینترنت به آقای عارف سپرده شده، دقیقاً برآمده از مجموعه ویژگی‌هایی است که برشمردم؛ یعنی برخورداری از دانش و تجربه تخصصی، توان مدیریتی و حل مسأله، روحیه تعاملی، مسئولیت‌پذیری و همچنین اعتماد و اعتباری که در میان بخش‌های مختلف حاکمیت دارند.

> اقتضای شرایط فعلی این است که دولت با نگاهی واقع‌بینانه، برای دو سال آینده و با در نظر گرفتن شرایط بحرانی، هم از نظر تئوریک و هم از منظر عملیاتی، یک نظریه، دکترین و برنامه جامع و تفصیلی داشته باشد. به نظر من، آقای دکتر عارف می‌تواند محور تدوین چنین برنامه‌ای باشد

•برش•

شما فکر می‌کنید در دو سال باقی‌مانده از دولت چهاردهم، معاون اول رئیس‌جمهور باید چه اقدامات یا سیاست‌های جدیدی را در دستور کار قرار دهد؟ با توجه به کارکردها و وظایفی که ایشان در کابینه برعهده دارند، چه اولویت‌هایی را برای این دوره در نظر می‌گیرید؟

من دولت آقای دکتر پزشکیان را بدشانس‌ترین دولت ۵۰ سال اخیر ایران می‌دانم؛ به این دلیل که از همان روزهای اول آغاز به کار دولت، با شهادت مرحوم شهید هنیه، کشور وارد یک فضای امنیتی و نظامی شد. پس از آن نیز دو جنگ را پشت سر گذاشتیم و اکنون در شرایطی قرار داریم که می‌توان آن را وضعیت «نه جنگ و نه صلح» توصیف کرد.

به نظر من، مهم‌ترین وظیفه‌ای که آقای عارف در این شرایط دارد و ارزشمندترین نقشی که می‌تواند ایفا کند، حرکت همسو با آقای پزشکیان و در مسیر سیاست‌ها و برنامه‌های رئیس‌جمهوری است، نه درعرض رئیس‌جمهور. این سبک رفتار و روش مدیریتی، برای حداکثرسازی توافق و هماهنگی در کشور ضروری است.

اقتضای شرایط فعلی این است که دولت با نگاهی واقع‌بینانه، برای دو سال آینده و با در نظر گرفتن شرایط بحرانی، هم از نظر تئوریک و هم از منظر عملیاتی، یک نظریه، دکترین و برنامه جامع و تفصیلی داشته باشد. به نظر من، آقای دکتر عارف می‌تواند محور تدوین چنین برنامه‌ای باشد؛ برنامه‌ای که دولت را برای مواجهه با بدترین شرایط احتمالی آماده کند و بتواند کشور را از تنگناهای فعلی، با کمترین هزینه ممکن، به سلامت عبور دهد.

در این حوزه، آقای عارف می‌تواند در کنار و دوشادوش فرماندهان و مراجع نظامی، دفاعی و امنیتی، برنامه دوره بحران برای دو سال آینده را طراحی و اجرا کند. امیدوارم با تفاهم و همکاری‌ای که شکل گرفته و ان‌شاءالله استمرار خواهد داشت، دو سال پیش‌رو را به شکل بهتری پشت سر بگذاریم. با این حال، در نظام حکمرانی و امور کشورداری، بویژه از موضع فردی که نفر دوم قوه مجریه و مسئول پیگیری امور اجرایی دولت است، نمی‌توان صرفاً بر مبنای چشم‌اندازها و پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه، نقشه راه اداره کشور را ترسیم کرد. آقای دکتر عارف و حتی آقای دکتر پزشکیان باید سناریوهای مختلف، از جمله دشوارترین و بحرانی‌ترین شرایط احتمالی را نیز در نظر داشته باشند. من فکر می‌کنم به‌زودی شاهد ارائه برنامه‌ای از سوی آقای دکتر عارف یا آقای دکتر پزشکیان برای ادامه مسیر دو سال باقی‌مانده دولت چهاردهم باشیم؛ برنامه‌ای که متناسب با شرایط واقعی کشور، بتواند مسیر اداره کشور را در این دوره مشخص و دولت را برای مواجهه با تحولات پیش‌رو آماده کند.

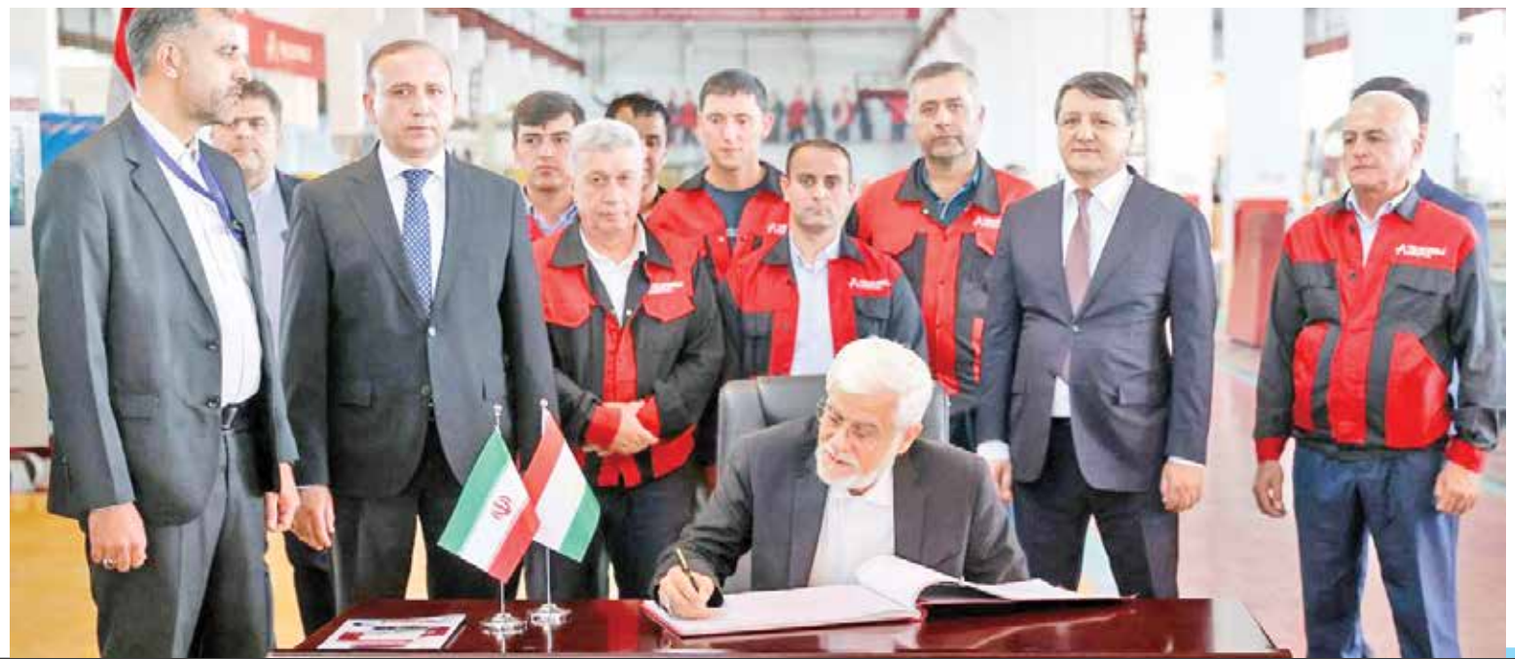

•یادداشت•

نقشی فراتر از یک معاون

حسین کنعانی مقدم
تحلیلگر سیاست

معاون اول رئیس‌جمهور در ساختار اجرایی کشور، صرفاً یک عنوان تشریفاتی نیست بویژه در شرایطی که رئیس‌جمهوری به دلیل درگیری با مسائل مهمی همچون جنگ، امنیت، دیپلماسی و مدیریت کلان کشور، فرصت حضور مستقیم در همه عرصه‌های اجرایی را ندارد. در چنین شرایطی، معاون اول در عمل بخشی از خلأ مدیریتی رئیس‌جمهوری را پر می‌کند و نقش مهمی در حفظ انسجام دولت بر عهده می‌گیرد. در دولت چهاردهم، این نقش با حضور جناب محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، شکل متفاوتی پیدا کرده است. ایشان با توجه به سابقه طولانی در مدیریت اجرایی، حضور در دولت‌های گذشته و تجربه فعالیت سیاسی، توانسته است در هماهنگی میان اعضای دولت و دستگاه‌های اجرایی نقش مؤثری ایفا کند. بخش قابل توجهی از امور نیازمند هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، مدیریت برخی جلسات دولت و پیگیری تصمیمات اجرایی در شرایطی که رئیس‌جمهوری درگیر مسائل کلان‌تر است بر عهده معاون اول قرار می‌گیرد. اهمیت این جایگاه زمانی بیشتر آشکار می‌شود که هماهنگی میان قوا و نهادهای مختلف کشور نیز در دستور کار قرار داشته باشد. معاون اول می‌تواند به عنوان نماینده رئیس‌جمهوری در بسیاری از جلسات و مجامع، زمینه ارتباط مؤثرتر دولت با مجلس، قوه قضائیه و سایر نهادهای حاکمیتی را فراهم کند. در این زمینه، تجربه و سابقه آقای عارف به کمک او آمده و توانسته است تا حد زیادی در ایجاد هماهنگی میان دولت و دیگر قوا اثرگذار باشد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه عملکرد ایشان، پرهیز از برخورد جناحی در جایگاه معاون اولی است. اگرچه او چهره‌ای شناخته‌شده در جریان اصلاح‌طلبی محسوب می‌شود، اما در دوره مسئولیت خود کمتر شاهد آن بوده‌ایم که از جایگاه معاون اول رئیس‌جمهور برای برجسته کردن منافع یک جریان سیاسی خاص استفاده کند. او تلاش کرده است با احزاب، تشکل‌های سیاسی و جریان‌های مختلف، رویکردی متعادل و مبتنی بر گفت‌وگو داشته باشد. این رویکرد با شعار اصلی دولت مسعود پزشکیان، یعنی «وفاق»، نیز همخوانی دارد. وفاق زمانی از یک شعار سیاسی به یک سیاست اجرایی تبدیل می‌شود که در رفتار مدیران و مسئولان دولت نیز نمود پیدا کند. برگزاری نشست با احزاب و گروه‌های سیاسی، تعامل با نمایندگان جریان‌های مختلف و تلاش برای شنیدن دیدگاه‌های متنوع، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به عملیاتی شدن این رویکرد کمک کند. از سوی دیگر، عملکرد معاون اول را نمی‌توان تنها در حوزه سیاسی و مدیریتی ارزیابی کرد. یکی از مهم‌ترین وعده‌های دولت، توجه به رفاه عمومی و بهبود شرایط زندگی مردم است. تحقق این هدف البته تنها به افزایش درآمد یا اقدامات مستقیم مالی محدود نمی‌شود. رفاه مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی است که باید در نهایت آثار خود را در زندگی مردم نشان دهد. در این بخش نیز معاون اول می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. بسیاری از مسائل اقتصادی و معیشتی کشور نیازمند تصمیم‌سازی کارشناسی، هماهنگی میان دستگاه‌ها و پیگیری مستمر هستند. معاون اول، به عنوان یکی از حلقه‌های اصلی تصمیم‌سازی در دولت، می‌تواند دیدگاه کارشناسان را به فرآیند تصمیم‌گیری وارد کرده و زمینه هماهنگی بیشتر میان وزارتخانه‌ها و نهادهای اقتصادی را فراهم کند.

البته ارزیابی نهایی عملکرد دولت و معاون اول رئیس‌جمهور نیازمند بررسی نتایج ملموس سیاست‌ها در زندگی مردم است. فاصله میان «سیاست اعلامی» و «سیاست اعمالی» تنها زمانی مشخص می‌شود که تصمیمات دولت در عرصه عمل، آثار واقعی خود را نشان دهند. با این حال، آنچه تاکنون درباره نقش آقای محمدرضا عارف قابل توجه است، تلاش برای ایفای مسئولیت معاون اولی در چارچوبی فراتر از تقسیم‌بندی‌های جناحی است. تجربه مدیریتی، صبر و حلم، رفتار متین و نگاه مبتنی بر تعامل، از ویژگی‌هایی است که می‌تواند به تقویت انسجام دولت کمک کند. عارف امروز در جایگاهی قرار گرفته که علاوه بر پشتوانه قانونی و سیاسی، به واسطه تجربه و شخصیت فردی خود می‌تواند یکی از محورهای مهم هماهنگی در دولت باشد.

> عارف تلاش کرده است با احزاب، تشکل‌های سیاسی و جریان‌های مختلف، رویکردی متعادل و مبتنی بر گفت‌وگو داشته باشد. این رویکرد با شعار اصلی دولت مسعود پزشکیان، یعنی «وفاق»، نیز همخوانی دارد

استاندار مازندران در گفت و گو با «ایران»، ابعاد فنی، زیست‌محیطی و اقتصادی مرکز پردازش ۵۰۰ تنی پسماند قائمشهر را تشریح کرد

پایان ابرچالش زباله در چهار شهرستان مازندران

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

مازندران سال‌هاست با یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی کشور یعنی مدیریت پسماند و انباشت زباله دست و پنجه نرم می‌کند؛ چالشی که به دلیل افزایش تولید پسماند، محدودیت ظرفیت دفن، مشکلات زیست‌محیطی ناشی از شیرابه و حساسیت‌های اکولوژیک شمال کشور، به یکی از مطالبات جدی مردم و مدیریت اجرایی استان تبدیل شده است. در چنین شرایطی، پس از نزدیک به دو دهه انتظار، یکی از طرح‌های قدیمی مدیریت پسماند استان سرانجام از مرحله برنامه‌ریزی عبور کرد و در دومین روز از هفته دولت به بهره‌برداری رسید. مرکز پردازش پسماند قائمشهر که طرح اولیه ساخت آن و ساماندهی محل انباشت زباله این شهرستان از اوایل دهه ۸۰ مطرح شده بود، در دولت چهاردهم و با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس جمهور و مهدی یونسی رستمی، استاندار مازندران افتتاح شد. این مرکز با سرمایه‌گذاری یک همتی و ظرفیت اسمی پذیرش روزانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ تن، برای پردازش بخشی از پسماند چهار شهرستان قائمشهر، سوادکوه، سوادکوه شمالی و جویبار احداث شده است. اهمیت این پروژه صرفاً به احداث یک مرکز جدید محدود نمی‌شود؛ بلکه هدف اصلی، ایجاد یک زنجیره متمرکز برای دریافت، پردازش، بازیابی و تبدیل پسماند و تغییر تدریجی الگوی سنتی «جمع‌آوری و دفن» به سمت کاهش دفن، استحصال مواد قابل بازیافت و بازگرداندن بخشی از پسماند به چرخه تولید است. در این مدل، پسماند به جای آنکه مستقیماً روانه محل دفن شود، پس از ورود به فرآیند پردازش، تفکیک و استحصال، بخشی از ارزش اقتصادی خود را بازیابی می‌کند. اجرای این طرح در شرایط محدودیت منابع مالی، فشارهای اقتصادی و شرایط جنگی کشور، با اتکا به ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و همکاری مجموعه مدیریت استان، شهرداری‌ها، شوراهای اسلامی، نمایندگان مردم و همراهی شهروندان به نتیجه رسیده است. پیگیری و ابتکار استاندار مازندران و هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف نیز زمینه عبور پروژه از موانع و توقف‌های چند ساله را فراهم کرده است. اکنون بهره‌برداری از مرکز پردازش پسماند قائمشهر را می‌توان یکی از نقاط عطف مسیر چند ساله ساماندهی پسماند مازندران دانست؛ پروژه‌ای که پس از سال‌ها انتظار، در دولت چهاردهم از روی کاغذ به میدان عمل آمده است. استمرار فعالیت و بهره‌برداری پایدار از این مرکز می‌تواند با کاهش حجم دفن، کنترل و مدیریت شیرابه، افزایش بازیابی مواد، کاهش فشار بر مراکز دفن و ایجاد ارزش اقتصادی از پسماند، زمینه‌ساز شکل‌گیری رویکردی نوین در مدیریت منطقه‌ای پسماند مازندران و گامی عملی برای مهار ابرچالش دیرپای زباله در استان باشد.

«مهدی یونسی رستمی»، استاندار مازندران، جزئیات افتتاح سایت مدرن و پیشرفته پسماند قائمشهر را تشریح کرده و به «ایران» گفت: «مرکز پردازش پسماند قائمشهر با هدف ساماندهی بخشی از پسماند تولیدی در شمال استان و با ظرفیت اسمی روزانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ تن احداث شده و روز گذشته به بهره‌برداری رسید.» طبق گفته این مقام مسئول، این مرکز با در اختیار داشتن زیرساخت‌های دریافت، پردازش و تبدیل بخشی از پسماند به محصولات قابل استفاده، می‌تواند به یکی از اجزای مهم نظام منطقه‌ای مدیریت پسماند مازندران تبدیل شود و در صورت فعالیت پایدار و بهره‌برداری کامل، پسماند چهار شهرستان را پوشش دهد.

بازیافت پسماند در مسیر ارزش‌آفرینی

«مهدی یونسی رستمی» اظهار کرد: «ظرفیت طراحی شده برای مرکز پردازش پسماند قائمشهر، امکان ورود روزانه حجم قابل‌توجهی از پسماند منطقه به چرخه پردازش را فراهم می‌کند؛ با این حال، عملکرد واقعی مرکز تنها با میزان ظرفیت اسمی آن سنجیده نمی‌شود.» وی تصریح کرد: «تداوم فعالیت خطوط پردازش، تأمین منظم خوراک، آماده به‌کاری تجهیزات، مدیریت صحیح فرآیند تخمیر و هوادهی، کنترل و تصفیه شیرابه و همچنین تضمین بازار فروش محصولات نهایی، مجموعه عواملی هستند که در تعیین میزان موفقیت اقتصادی و زیست‌محیطی این پروژه نقش دارند.» استاندار مازندران ادامه داد: «سایت پردازش پسماند قائمشهر پنج هزار مترمربع فضای روباز و سه سالن تخمیر با مجموع زیربنای حدود ۱۲ هزار مترمربع است.» طبق گفته این مقام مسئول، فرآیند اصلی مجموعه بر پردازش بخش آلی پسماند و تبدیل آن به محصولات قابل استفاده متمرکز است. ظرفیت پیش‌بینی شده برای تولید محصولات نهایی نیز حدود سه تن کود گرانول در ساعت و هشت تن کود فاین اعلام شده است. البته تحقق این ظرفیت‌ها به فعالیت پیوسته واحدها و تأمین مستمر مواد اولیه وابسته است. وی ادامه داد: «تبدیل بخش آلی پسماند به محصول قابل مصرف در کشاورزی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مرکز محسوب می‌شود. تولید کود از مواد آلی فرآوری شده، می‌تواند ساختار سنتی مدیریت پسماند را که عمدتاً بر جمع‌آوری و انتقال برای دفن استوار است، به سمت الگویی مبتنی بر پردازش، بازیابی مواد و بازگشت بخشی از منابع به چرخه مصرف سوق دهد.» طبق گفته یونسی رستمی، در چنین رویکردی، پسماند صرفاً یک ماده زائد تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از آن پس از طی فرآیندهای کنترل‌شده فنی می‌تواند به ماده‌ای دارای ارزش اقتصادی تبدیل شود.

> مرکز پردازش قائمشهر با سرمایه‌گذاری یک همتی و ظرفیت اسمی پذیرش روزانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ تن، برای پردازش بخشی از پسماند چهار شهرستان قائمشهر، سوادکوه، سوادکوه شمالی و جویبار احداث شده است، تبدیل بخش آلی پسماند به محصول قابل مصرف در کشاورزی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای مرکز محسوب می‌شود

مدیریت پسماند با سرمایه‌گذاری یک همتی

استاندار مازندران با اشاره به اینکه طبق برنامه اعلام شده، بخشی از کود گرانول تولیدی این مرکز تا آذرماه پیش‌خرید شده است، گفت: «وجود این تقاضای اولیه می‌تواند به تثبیت فعالیت مجموعه کمک کند و نشان دهد اقتصادی شدن زنجیره پردازش پسماند، علاوه بر زیرساخت و فناوری، به شکل‌گیری بازار قابل اتکا برای محصولات نهایی نیز نیاز دارد.» بالاترین مقام اجرایی استان مازندران تصریح کرد: «ورود محصولات حاصل از پردازش پسماند به چرخه کشاورزی، باید تحت نظارت دقیق فنی و زیست‌محیطی انجام شود. کیفیت پسماند ورودی، میزان و نحوه تفکیک مواد، کنترل آلاینده‌ها، فرآیند تخمیر و استانداردهای محصول نهایی، از جمله شاخص‌هایی هستند که باید در تمام مراحل تولید مورد پایش قرار گیرند. بنابراین میزان تولید به تنهایی معیار ارزیابی عملکرد مرکز نیست و کیفیت، ایمنی و قابلیت مصرف محصولات نیز باید همزمان تضمین شود.» طبق گفته وی، تصفیه و مدیریت شیرابه یکی دیگر از بخش‌های کلیدی زیرساخت این مجموعه است. برای این منظور، تصفیه‌خانه‌ای با ظرفیت ۱۰۰ مترمکعب در سایت احداث شده است تا شیرابه حاصل از فرآیند پردازش مدیریت و تصفیه شود. «یونسی رستمی»، کنترل شیرابه را از الزامات اساسی فعالیت مراکز پردازش و دفع پسماند دانست و تأکید کرد: «مدیریت نامناسب این مرکز می‌تواند زمینه‌ساز آلودگی خاک و منابع آب شود. از این رو، عملکرد مداوم تصفیه‌خانه و پایش کیفیت خروجی آن، در کنار سایر فرآیندهای مجموعه، اهمیت مستقیمی در رعایت الزامات زیست‌محیطی پروژه دارد.» طبق گفته این مقام مسئول، برای ارتقای کیفیت فرآیند تخمیر و افزایش کارایی هوادهی مواد آلی نیز دستگاه ویندروترنر ویژه در این مرکز به کار گرفته شده است. این تجهیز با هدف مدیریت مکانیزه توده‌های در حال تخمیر و بهبود شرایط هوادهی مورد استفاده قرار می‌گیرد و خرید آن حدود ۲۳۰ میلیارد ریال هزینه داشته است. در مجموع نیز سرمایه‌گذاری انجام گرفته برای احداث و تجهیز سایت حدود یک همت اعلام شده که نشان‌دهنده حجم قابل توجه منابع صرف شده برای ایجاد زیرساخت پردازش پسماند در منطقه است.

گذار از دفن به پردازش پسماند

« یونسی رستمی»، استاندار مازندران اظهار کرد: «راه‌اندازی این مرکز با این هدف انجام شده که بخشی از پسماند تولیدی چهار شهرستان به جای انتقال مستقیم به محل‌های دفن، ابتدا وارد فرآیند پردازش و استحصال شود.» طبق گفته وی، چنین تغییری در مسیر مدیریت پسماند، از یک سو می‌تواند فشار وارد بر ظرفیت‌های دفن را کاهش دهد و از سوی دیگر، امکان بازیابی مواد آلی و تولید محصولات جدید را افزایش دهد. استاندار مازندران تصریح کرد: «با این حال، میزان دستیابی به این اهداف به نحوه بهره‌برداری، استمرار تأمین پسماند، کیفیت تفکیک، نگهداری تجهیزات و استمرار تقاضا برای محصولات تولیدی بستگی خواهد داشت.» طبق گفته «یونسی رستمی»، مرکز پردازش پسماند قائمشهر در مجموع بخشی از مسیر حرکت مازندران به سمت تغییر رویکرد در مدیریت پسماند است؛ مسیری که در آن پسماند از یک هزینه مستمر برای جمع‌آوری و دفع، به یک ورودی قابل پردازش و بالقوه دارای ارزش اقتصادی تبدیل می‌شود. ظرفیت دریافت روزانه تا ۵۰۰ تن، سالن‌های تخمیر، تجهیزات هوادهی، تصفیه‌خانه شیرابه و خطوط تولید کود گرانول و فاین، مهم‌ترین ظرفیت‌های فنی این مجموعه را تشکیل می‌دهند. در صورت بهره‌برداری پایدار، رعایت الزامات زیست‌محیطی، حفظ آمادگی تجهیزات و ایجاد بازار مطمئن برای محصولات، این مرکز می‌تواند سهم قابل‌توجهی در کاهش دفن، افزایش بازیابی مواد و حرکت به سمت مدیریت منطقه‌ای و پایدار پسماند در شمال مازندران داشته باشد.

بنگاه

چراغ تولید در پارس جنوبی با ایثار صنعتگران خاموش نشد

بوشهر- مدیرعامل شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد گفت: «پارس جنوبی به عنوان بزرگترین میدان گازی مشترک جهان همواره در معرض تهدید قرار داشته است، اما صنعتگران و متخصصان این منطقه با ایثار اجازه ندادند چراغ تولید خاموش شود.»

به گزارش ایرنا، محمد شیخان در آیین تجلیل از خبرنگاران استان بوشهر به همت شرکت‌های پتروشیمی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس افزود: «این دستاورد برگ زرینی در تاریخ صنعت کشور است و روایت این افتخار، مدیون قلم و تصویر خبرنگاران است.»

وی یادآور شد: «خبرنگاران در دوران جنگ با مجاهدت حرفه‌ای، سد محکمی در برابر تهدید و دروغ‌پراکنی دشمن بودند و با پاسداری از حقیقت، در صحنه نبرد نقش‌آفرینی کردند.» شیخان با تأکید بر اهمیت حق کسب خبر در حرفه روزنامه‌نگاری افزود: «حق خبرنگار در دسترسی به اطلاعات باید محترم شمرده شود و هرگاه دسترسی به منابع اطلاعاتی تسهیل و امکان طرح پرسش‌های صریح و شفاف فراهم شود، فعالیت حرفه‌ای خبرنگار نیز به تکامل می‌رسد.»

مدیرعامل شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد تصریح کرد: «بالاترین حمایت از خبرنگار، اعطای حق دسترسی به اطلاعات است، زیرا خبرنگار پاسدار حقیقت و حافظ منافع ملی است.» شیخان در تبیین نسبت رسانه و صنعت، خبرنگاران را همراه راهبردی و مفسر تخصصی فضای تولید دانست و اظهار کرد: «خبرنگارانی که ادبیات تخصصی صنعت نفت و گاز را به زبان عمومی ترجمه می‌کنند، حلقه اتصال جامعه با زیست‌بوم تولید هستند.»

وی با اشاره به نقش رسانه‌های بوشهری در سال‌های دفاع و مقاومت، آنان را پیشران آگاهی بخشی و تزریق امید به جامعه توصیف کرد و گفت: «دانش رسانه‌ای در حوزه انرژی موفقیت‌های ملموسی برای این صنعت به همراه داشته است و باید خبرنگار را حامی و ذی‌نفع راهبردی تولید دانست و از ظرفیت رسانه برای شفاف‌سازی زنجیره ارزش صنعت بهره گرفت؛ چراکه فداکاری‌های پشت صحنه تولید، تنها از دریچه نگاه دقیق رسانه دیده و روایت می‌شود.» شیخان با تأکید بر کارکرد رسانه در تبیین علمی و فنی فرآیند تولید گفت: «رسانه، فرآیند تولید و ادبیات تخصصی آن را برای افکار عمومی قابل فهم می‌کند و بستری برای هدایت مسیر توسعه به سمت پیشرفت فراهم می‌آورد.» مدیرعامل شرکت عملیات غیرصنعتی پازارگاد با یادآوری فقدان چهره‌های برجسته کشور در یک سال گذشته، آن را فرصتی برای بازاندیشی در نسبت جامعه با سرمایه‌های انسانی خود ارزیابی کرد. شیخان اظهار کرد: «در یک سال گذشته رهبر فرزانه انقلاب، فرماندهان، متخصصان، دانشمندان و خبرنگاران متعهد را از دست دادیم و تاریخ کشور سرشار از بزرگان و سرمایه‌های ملی است که باید قدر آنان را دانست.»

نوبت اول

آگهی تجدید مزایده عمومی

شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شورای اسلامی شهر اندیشه نسبت به تجدید مزایده عمومی ۷ واحدتجاری درمجتمع اداری تجاری نور واقع درفاز ۳ اندیشه و فروش ۳۴ غرفه بازار روز گلها واقع درفاز ۴ اندیشه، تجدید مزایده ۱۳ واحدتجاری ازطبقه همکف، مجتمع اداری تجاری نور، فاز ۳ اندیشه، تجدید فروش ۱۶ واحدتجاری، طبقه دوم، مجتمع اداری تجاری نور، فاز ۳ اندیشه، به اشخاص حقیقی و حقوقی واجدالشرایط به‌صورت نقد یا اقساط اقدام نماید:

۱- تجدید مزایده ۷ واحدتجاری، طبقه اول، مجتمع اداری تجاری نور
* مهلت دریافت اسناد مزایده چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۱
* تاریخ بازگشایی: دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۳

۲- تجدید مزایده فروش ۳۴ غرفه بازار روز گل‌ها واقع در فاز ۴ اندیشه
* مهلت دریافت پیشنهادات: پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۲
* تاریخ بازگشایی پیشنهادات: دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۳

۳- تجدید فروش ۱۳ واحدتجاری، از طبقه همکف، مجتمع اداری تجاری نور، فاز ۳ اندیشه
* مهلت دریافت: چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۱
* تاریخ بازگشایی: دوشنبه ۱۴۰۵/۶/۲۳

۴- تجدید فروش ۱۶ واحدتجاری، طبقه دوم، مجتمع اداری تجاری نور، فاز ۳ اندیشه
* مهلت دریافت: چهارشنبه ۱۴۰۵/۶/۱۱
* تاریخ بازگشایی: دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۳

* شرایط شرکت در مزایده عمومی شامل مبلغ فروش، تضمین شرکت در مزایده، مدارک لازم جهت دریافت اسناد، مهلت و محل دریافت اسناد، مهلت ومحل تسلیم پیشنهادات و تاریخ ومحل بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) درج گردیده است.

چاپ نوبت اول ۱۴۰۵/۶/۴ چاپ نوبت دوم ۱۴۰۵/۶/۱۱
بهروز کاویانی - شهردارشهر اندیشه

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی

شماره: ۵۰۰۵۰۱۰۰۵۳۰۰۰۰۰۵

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری در نظر دارد محل استقرار وسایل بازی را با مشخصات و قیمت پایه کارشناسی ذکر شده در جدول ذیل، از طریق مزایده به متقاضیان واگذار نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط شرکت در مزایده می‌توانند جهت دریافت اسناد شرکت در مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی SETADIRAN.IR مراجعه نمایند.

ردیف	محل فعالیت	نوع وسیله بازی	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه کارشناسی ماهیانه (ریال)	اجاره بها سالیانه (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مزایده	شماره پارتی (مورد اجاره)
۱	پارک زیتون	ترامپولین-قطار کودک-قصر بادی	۴۰۰	۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۰۵۰۱۰۰۵۳۰۰۰۰۰۵

۱- سپرده شرکت در مزایده: شرکت‌کنندگان در مزایده می‌بایست مبلغ سپرده تعیین شده در جدول فوق را به‌شماره حساب ۱۸۰۲۱۳۱۱۰۷ نزد بانک تجارت شعبه آبادانی مسکن واریز نموده و اصل فیش بانکی را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.
۲- زمان دریافت اسناد از ۱۲ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ الی ساعت ۱۸ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۲
۳- مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از ساعت ۱۲ظهر روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ الی ساعت ۱۸ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
۴- محل بازگشایی: سالن جلسات سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرمانشاه
۵- زمان: ساعت ۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
۶- پرداخت هزینه کارشناسی رسمی دادگستری بر عهده برنده خواهد بود.
۷- متقاضیان باید در زمان بارگذاری پیشنهاد قیمت نوع وسیله بازی خود را مشخص نمایند.
۸- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مزایده قید شده است.
۹- پیشنهادات و اصل سپرده مخدوش و بعد از موعد مقرر ترتیب اثر داده خواهد شد و قیمت‌های پیشنهادی باید از حیث مبلغ مشخص و بودن ابهام در پاکت لاک و بهره شده تسلیم شود.
۱۰- سپرده نفراول و دوم تا انعقاد قرارداد ضبط و مابقی نفرات بعد از اعلام برنده آزاد خواهد شد.
۱۱- برنده مزایده باید تضمین معادل ۱۰ درصد مبلغ کل قرارداد را به‌عنوان تضمین حسن انجام تعهدات به سازمان بسپارد، سپردن این تضمین یکی از شروط عقد قرارداد با برنده مزایده می‌باشد.
۱۲- شهرداری در رد یا قبولی هر یک از یا تمامی پیشنهادات مختار است.
۱۳- این مزایده یک بار تجدید گردیده و حد نصاب تعداد پیشنهاد دهنده گان در سامانه جهت بازگشایی یک نفر می‌باشد.

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرمانشاه

نوبت دوم

آگهی فراخوان مزایده عمومی دو مرحله‌ای

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد گازهای مشعل (حاوی مقادیر زیاد CO2) پالایشگاه‌های یازدهم و دوازدهم خود را به مدت ۳ سال با شرایط ذیل از طریق مزایده عمومی دو مرحله‌ای در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به خریدار واگذار نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۱۰۰۵۰۹۷۸۴۷۰۰۰۰۰۱
شماره مزایده	۰۵/۰۰۱
موضوع مزایده	فروش گاز مشعل (حاوی مقادیر زیاد CO2) پالایشگاه‌های یازدهم ودوازدهم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی به میزان حداکثر ۱۲۲۴ میلیون استاندارد متر مکعب در مدت سه سال
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (پنجاه میلیارد) ریال
نوع تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مزایده	۱/۲۲۴/۰۰۰/۰۰۰ (یک میلیارد و دویست و بیست و چهار میلیون) ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد	۱۰ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران
آخرین مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی، فنی و پیشنهاد مالی	دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد
آدرس مزایده گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-فاز ۲ و ۳- ساختمان اداری مرکزی ستاد -مدیریت بازرگانی-واحد تنظیم قراردادها و فروش محصولات جانبی- اتاق ۲۲۲

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مزایده الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد وبه پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند. مزایده‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت سامانه ستاد مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۲۲۱۵-۰۷۷۳۱۳۱۲۲۸۰ تماس حاصل فرمایند.

شناسه ۲۲۵۸۴۸۵
روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

انتخاب مشاور برای خدمات مطالعه، طراحی، تهیه نقشه و برآورد پروژه‌های عمرانی

(شماره ثبت سامانه ۲۰۰۵۱۰۰۳۰۱۰۰۰۰۱۴)

شهرداری شمشک دربندسر در نظر دارد به استناد کد طبقه‌بندی ۱۰۴۰۱۰۱ بودجه مصوب سال ۱۴۰۵، نسبت به انتخاب مشاور پروژه‌های شهرداری به مبلغ ۳۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (به‌حروف: سی میلیارد ریال) از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به اشخاص حقوقی واجد شرایط و دارای گواهی صلاحیت خدمات مشاور اقدام نماید. لذا بدین‌وسیله از کلیه شرکت‌های دارای سوابق و شرایط دعوت می‌گردد برای کسب اطلاعات بیشتر و شرکت در فراخوان به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

۱- مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ ساعت ۱۳ می‌باشد.
۲- مهلت زمان ارائه پیشنهاد: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ ساعت ۸ می‌باشد.
۳- زمان بازگشایی، بررسی پیشنهادات مرحله اول ارزیابی: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ ساعت ۱۳ می‌باشد.
۴- متقاضیان برای شرکت در فراخوان می‌بایست نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به آدرس اینترنتی سامانه ستاد مراجعه نمایند.
۵- کلیه مراحل برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس فوق‌الذکر می‌باشد.
۶- متقاضیان قبل از ارائه پیشنهاد حتماً و با دقت برگ شرایط و ضوابط را مطالعه و همچنین از موقعیت جغرافیایی شهر بازدید به عمل آورند.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار (واحد امور قراردادها) جهت دریافت اطلاعات بیشتر:
نشانی: تهران - شمیرانات - رودبار قصران - شهر شمشک دربندسر - جاده دیزین - شهرداری شمشک دربندسر
تلفن تماس: ۲۴۸۷۳۰۰۰ - ۲۶۵۲۶۹۴۹

شهرداری شمشک دربندسر

نوبت دوم

تجدید آگهی مناقصه عمومی (همراه با ارزیابی کیفی)

شماره ۶-۱

شرکت عمران شهر جدید پرند، به آدرس کیلومتر ۳۰ اتوبان تهران -ساوه، فاز چهار شهر جدید پرند در نظر دارد، جهت تأمین خودروهای در اختیار شرکت عمران پرند، حسب مشخصات ذیل به پیمانکار واجد شرایط که توانایی اجرای کار را داشته و دارای صلاحیت (پروانه کسب) از اتحادیه صنف مؤسسات اتومبیل کرایه باشند را به‌شماره سیستمی ۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۲۴ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی واگذار نماید:

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها اعلام به برنده و غیره از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم به ذکر است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

جمع کل برآورد: ۲۸۷،۸۸۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای (با ارزیابی کیفی)
نوع و تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۱۴،۳۹۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال حسب بخش‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ- مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و همچنین اصلاحیه آن به شماره ۵۲۱۱/ت۵۷۵۹۲هـ-مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ هیأت محترم وزیران که در مشخصات مناقصه قیدگردیده است.
الف) چاپ آگهی نوبت اول در روزنامه ایران و مناقصه-مزایده مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ و چاپ آگهی نوبت دوم در روزنامه ایران مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ می‌باشد.
ب) مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه برای متقاضیان واجدشرایط، روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ تا روزسه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ از سامانه مذکور می‌باشد.
پ) آخرین مهلت ثبت اسناد مذکور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ساعت ۱۳:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ می‌باشد.
ت) آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف (تضمین) به‌صورت لاک و مهر شده، تا ساعت ۱۳:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ به دبیر خانه شرکت عمران شهر جدید پرند الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه اصل پاکت الف (تضمین)، پاکات ب و ج بازگشایی نمی‌گردد)
ث) تاریخ بازگشایی پیشنهادها ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ ساعت ۱۰صبح (اتاق جلسات)
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۵۶۷۹۰۰۵۴ با داخلی ۱۵۳ بابت اسناد و بابت مسائل فنی با آقای شعبانی با داخلی ۱۳۲ تماس حاصل نمایند.
توجه مهم: مهر و امضای دیجیتال اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) با استفاده از نرم‌افزار مهر و موم الزامی می‌باشد. در ضمن برای فایل ارزیابی کیفی تمام فایلهای PDF از طریق برنامه مهر و موم امضا زده شود و فایل PDF با پسوند SIGN در ارزیابی کیفی بارگذاری گردد.

شرکت عمران شهر جدید پرند

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی (همراه با ارزیابی کیفی)

شماره ۶-۲

شرکت عمران شهر جدید پرند، به آدرس کیلومتر ۳۰ اتوبان تهران - ساوه، فاز چهار شهر جدید پرند در نظر دارد، نسبت به احداث و تکمیل مدارس، براساس بخش‌نامه سرجمع (به‌صورت مقطوع) تا سقف ۷۰درصد تهاتر از اراضی و مستحدثات در شهر جدید پرند را حسب مشخصات جدول ذیل و به‌شماره‌های سیستمی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی به پیمانکاران واجد شرایط که دارای حداقل رتبه ۵ ابنیه و ظرفیت آزاد براساس بخش‌نامه شماره ۹۹/۴۰۴۲۴۵ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۹ و بخش‌نامه ۹۵/۵۷۶۷۵۶ مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ و ۱۹۴۰۹۲/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ و ۳۷۸۷۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ و سال ۱۴۰۵ از سازمان برنامه و بودجه کشور می‌باشند، واگذار نماید:

شماره سیستمی	عنوان پروژه	متراژ ساختمان اصلی (مترمربع)	مبلغ برآورد اولیه براساس فهارس بهای ۱۴۰۴ (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۲۵	تکمیل عملیات اجرایی دو باب مدرسه ۲۱ کلاسه امام حسن(ع) و ثارالله واقع درجنوب فاز ۳ شهر جدید پرند	مدرسه امام حسن (ع) ۳۱۲۶/۳۹ — مدرسه ثارالله ۳۱۲۶/۳۹	۷۷۴،۸۹۷،۹۲۷،۹۷۹	۳۸،۷۴۴،۸۹۶،۳۹۹
۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۲۶	احداث یک باب مدرسه ۱۵کلاسه واقع در شمال فاز ۵ شهر جدید پرند (اراضی موسوم به ۸۸هکتاری)	۱۵۵۳/۹۷	۳۶۷،۸۵۴،۳۹۷،۵۹۸	۱۸،۳۹۲،۷۱۹،۸۸۰
۲۰۰۵۰۰۱۰۷۷۰۰۰۰۲۷	احداث یک باب مدرسه ۱۲کلاسه واقع در شمال فاز ۶ شهر جدید پرند (اراضی موسوم به ۱۳۰هکتاری)	۲۳۸۳/۴۴	۴۵۸،۱۷۳،۹۵۳،۸۱۸	۲۲،۹۰۸،۶۹۷،۶۹۱

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها اعلام به برنده و غیره از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم به ذکر است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه مذکور، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی درسامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.
نوع مناقصه: عمومی یک مرحله‌ای (با ارزیابی کیفی) (حداقل ۳ مناقصه‌گر حایز امتیاز لازم ارزیابی(شصت امتیاز))
نوع و تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ قید شده درجدول فوق (درصورت شرکت در مناقصه بیش ازیک مورد ضمانت‌نامه هرکدام بایستی جداگانه ارائه گردد) و حسب بخش‌نامه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ و همچنین اصلاحیه آن به‌شماره ۵۲۱۱/ت۵۷۵۹۲هـ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۲ هیأت محترم وزیران که در مشخصات مناقصه قیدگردیده است.
الف) چاپ آگهی نوبت اول درروزنامه ایران و مناقصه - مزایده مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ چاپ آگهی نوبت دوم درروزنامه ایران مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ می‌باشد.
ب) مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه برای متقاضیان واجدشرایط، روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ از سامانه مذکور می‌باشد.
پ) آخرین مهلت ثبت اسناد مذکور در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ساعت ۱۳:۳۰ ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ می‌باشد.
ت) آخرین مهلت ارسال اصل پاکت الف (تضمین) به‌صورت لاک و مهر شده، تا ساعت ۱۳:۳۰ ظهر روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ به دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پرند الزامی می‌باشد. (درصورت عدم ارائه اصل پاکت الف (تضمین)، پاکات ب و ج بازگشایی نمی‌گردد)
ث) تاریخ بازگشایی پیشنهادها ۱۴۰۵/۰۷/۰۶ ساعت ۱۰ صبح (اتاق جلسات)
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با تلفن ۰۲۱-۵۶۷۹۰۰۵۴ با داخلی ۱۵۳ بابت اسناد و بابت مسائل فنی با آقای مهندس فلاح نژاد با شماره موبایل ۰۹۱۲۰۱۴۷۷۶۱ تماس حاصل نمایند.
توجه مهم: مهر و امضای دیجیتال اسناد ارزیابی کیفی و پاکت‌های (ب) و (ج) با استفاده از نرم‌افزار مهر و موم الزامی می‌باشد. در ضمن برای فایل ارزیابی کیفی تمام فایل‌های PDF از طریق برنامه مهر و موم امضا زده شود و فایل PDF با پسوند SIGN در ارزیابی کیفی بارگذاری گردد.

شرکت عمران شهر جدید پرند

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور هم‌زمان با هفته دولت اعلام کرد؛

۲ هزار و ۸۳ پروژه در انتظار تأمین مالی با انتخاب مالیات‌دهندگان

خبر

امین محمودی

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با تشریح جزئیات «طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها» گفت: در سال ۱۴۰۵، مودیان مشمول می‌توانند محل هزینه‌کرد مالیات خود را از میان ۲ هزار و ۸۳ پروژه اولویت‌دار ملی و استانی انتخاب کنند و در چارچوب این طرح، ۲۸۲ هزار میلیارد ریال از درآمدهای مالیاتی به تأمین مالی و تکمیل این پروژه‌ها اختصاص خواهد یافت؛ رویکردی که با پیوند دادن مالیات پرداختی به پروژه‌های مشخص، زمینه مشارکت مؤثرتر مودیان در تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای کشور را فراهم می‌کند و با مشارکت مردم فصلی از سازندگی نوین را رقم می‌زند.

سید محمد هادی سبحانیان رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، با اشاره به تداوم حرکت نظام مالیاتی در مسیر مردمی‌سازی اقتصاد و تقویت مشارکت مودیان در تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای و عمرانی، اظهار داشت: برای سومین سال متوالی، مودیان مشمول تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم می‌توانند محل هزینه‌کرد مالیات خود را از میان ۲ هزار و ۸۳ پروژه زیربنایی ملی و استانی انتخاب کنند.

وی افزود: در چارچوب این طرح بیش از ۲۸ هزار میلیارد تومان از درآمدهای مالیاتی برای تأمین مالی و تکمیل این پروژه‌ها اختصاص خواهد یافت که از مجموع پروژه‌های تعریف‌شده، ۹۹۶ پروژه در سطح ملی و یک‌هزار و ۸۷ پروژه در سطح استانی قرار دارند.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور با اشاره به ترکیب پروژه‌های مشمول طرح در سال جاری گفت: حوزه آموزش و پرورش با ۹۰۹ پروژه، معادل ۴۳ درصد کل پروژه‌ها، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. پس از آن، حوزه آب، کشاورزی و محیط زیست با ۳۴۶ پروژه، فرهنگ، ورزش و گردشگری با ۲۲۲ پروژه، سلامت و رفاه اجتماعی با ۲۰۵ پروژه و حمل‌ونقل، عمران شهری و روستایی با ۱۹۴ پروژه در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

سبحانیان ادامه داد: همچنین ۱۱۷ پروژه در حوزه عمومی، قضایی، دفاعی و امنیتی و ۳۶ پروژه در بخش انرژی در فهرست پروژه‌های امسال قرار گرفته‌اند. پروژه‌هایی در حوزه‌های صنعت، معدن و بازرگانی و همچنین فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نیز مشمول این طرح شده‌اند.

وی افزود: مودیان مشمول تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم هنگام پذیرش مالیات مقطوع موضوع این تبصره می‌توانند محل هزینه کرد مالیات پرداختی خود را از میان پروژه‌های اولویت‌دار استانی و ملی انتخاب کنند.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور خاطرنشان کرد: به این ترتیب، مودیان علاوه بر انجام تکالیف مالیاتی خود، در فرآیند تأمین مالی و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای کشور نیز مشارکت فعال خواهند داشت و می‌توانند مالیات پرداختی خود را به حوزه‌هایی همچون بهداشت و درمان، آموزش، راه و ترابری و سایر بخش‌های اولویت‌دار اختصاص دهند.

سبحانیان با اشاره به آثار مشارکت مودیان در تعیین محل هزینه‌کرد مالیات بر نگرش آنان نسبت به نظام مالیاتی اظهار داشت: تجربه اجرای این طرح، نشان می‌دهد هرچه ارتباط میان مالیات پرداختی و آثار ملموس آن در توسعه و آبادانی کشور برای مودیان شفاف‌تر و عینی‌تر شود، درک آنان از کارکرد درآمدهای مالیاتی نیز تقویت خواهد شد: از این منظر مشارکت مودیان در تأمین مالی و تکمیل پروژه‌های عمرانی و زیرساختی، علاوه بر هدایت منابع مالیاتی به سمت اولویت‌های توسعه‌ای کشور می‌تواند به ارتقای اعتماد عمومی، تقویت احساس مشارکت و افزایش همراهی مودیان با نظام مالیاتی منجر شود.

وی در تشریح فرآیند انتخاب پروژه‌ها و تخصیص منابع اظهار داشت: طرح‌ها و پروژه‌های اولویت‌دار، مطابق ضوابط قانونی و در چارچوب فرآیندهای تعیین‌شده، از سوی سازمان برنامه و بودجه کشور انتخاب و به سازمان امور مالیاتی کشور معرفی می‌شوند.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور افزود: براساس آیین‌نامه اجرایی هیأت وزیران، سازمان امور مالیاتی کشور میزان منابعی را که مودیان به هر یک از پروژه‌های منتخب اختصاص داده‌اند، به‌صورت سیستمی به سازمان برنامه و بودجه کشور اعلام می‌کند؛ پس از آن سازمان برنامه و بودجه کشور مکلف است حداکثر ظرف یک ماه از زمان دریافت اطلاعات، نسبت به تخصیص اعتبار و منابع بودجه‌ای مورد نیاز پروژه‌های مربوط اقدام کند.

سبحانیان در ادامه با اشاره به تجربه اجرای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها در دوسال گذشته گفت: در سال ۱۴۰۳ حدود ۲ هزار پروژه با اعتباری بالغ‌بر ۱۲ هزارمیلیارد تومان برای انتخاب مودیان در نظر گرفته شد؛ در سال ۱۴۰۴ نیز مودیان در قالب طرح نشان‌دار کردن مالیاتی می‌توانستند محل هزینه‌کرد ۱۸ هزارمیلیارد تومان مالیات خود را از میان ۸۸۱ پروژه ملی و استانی انتخاب کنند.

به گفته رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، این پروژه‌ها طیف گسترده‌ای از حوزه‌های اولویت‌دار کشور، از جمله حمل‌ونقل و عمران شهری و روستایی، آبرسانی، کشاورزی و محیط زیست، فرهنگ، گردشگری و ورزش، امور عمومی و امنیتی، سلامت و رفاه اجتماعی، آموزش عالی، تحقیقات و فن‌آوری، انرژی و آموزش و پرورش عمومی را دربر می‌گیرد.

سبحانیان در پایان خاطرنشان کرد: در طرح نشان‌دار کردن مالیات در دوسال گذشته نیز حوزه آموزش و پرورش بیشترین سهم از میان پروژه‌های زیربنایی را به خود اختصاص داده بود که نشان‌دهنده اولویت بالای این حوزه برای برنامه‌ریزان و مودیان بوده است.

پاسخ نظام مالیاتی به روایتی که از چند رقم، یک بحران را نادرست تصویرسازی می کند

مالیات عقب نمانده؛ این شیوه محاسبه و اندازه‌گیری است که عقب افتاده است

در اقتصاد هر کشوری، گاهی ارقامی می‌توانند درست باشند اما از دل آن داده‌ها روایتی نادرست آن هم به دلیل نبود درک و دانش درست از وقایع و نداشتن آگاهی اقتصادی ارائه شود که ناخودآگاه تبدیل به یک بحران خواهد شد.

درآمدهای مالیاتی در چهار ماه نخست امسال، ۵۷۷ هزار میلیارد تومان بوده است. اگر این رقم با کل درآمد مالیاتی مصوب سال مقایسه شود، سهم وصولی چهار ماهه حدود ۲۰.۵ درصد بوده است؛ این نسبت در چهار ماهه سال گذشته حدود ۲۱ درصد بوده است.

این تفاوت مهم است. زیرا در یک روایت، ممکن است گفته شود «تحقق مالیات به حدود ۵۱ درصد رسیده و نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است» و از همین گزاره نتیجه گرفته شود که نظام مالیاتی با بحران وصول مواجه شده است.

اما نکته مقابل آن است که هنگامی که مبنای مقایسه به شکل دیگری تعریف شود، تصویر متفاوت خواهد شود و اینجاست که یک پرسش تعیین‌کننده مطرح می‌شود.

پرسش این است که آیا می‌توان داده‌های چهار ماهه اول سال ۱۴۰۵ را با یک معیار مشخص به صورت یک روایت تک خطی، خط کشی کرده و به کل سال ۱۴۰۵ تسری داد؟

برای پاسخ به این پرسش نه تنها کارشناسان اقتصادی بلکه هر فردی که با حوزه اقتصاد آشنایی اندکی داشته باشد «خیر» است. زیرا درآمدهای مالیاتی در ۱۲ ماه به‌صورت یکنواخت وصول نمی‌شوند و این موضوع حداقل در ۳۰ سال گذشته نیز وجود داشته است. برای توضیح بیشتر به این موضوع زمان تسلیم اظهارنامه ها، سررسید پرداخت ها، قطعی شدن مالیات، رسیدگی به پرونده‌ها و مالیات‌های عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده و حتی تمدید مهلت‌های قانونی، هنگام وصول را جابه‌جا می‌کنند.

بنابراین چهار ماه اول سال ۱۴۰۵، از حیث وصول منابع درآمدی مالیاتی «یک‌سوم سال» نیست که بتوان درآمد مالیاتی آن را به‌صورت مکانیکی به یک‌سوم هدف سالانه تسری داد.

اگر این نکته بدیهی در تحلیل لحاظ نشود، یک فاصله زمانی به «شکست سیاست مالیاتی» تبدیل می‌شود.

توان وصول نظام مالیاتی نسبت به سال ۱۴۰۴ افزایش یافته است

در چهار ماه اول سال ۱۴۰۴، رشد درآمدهای مالیاتی نسبت به مدت مشابه سال ۱۴۰۳ حدود ۳۲ درصد بود؛ این نرخ در چهار ماهه اول سال ۱۴۰۵ به حدود ۴۶ درصد رسیده است. این رقم به‌تنهایی برای جشن گرفتن کافی نیست؛ همان‌طور که برای صدور حکم شکست نیز کافی نیست. اما یک چیز را به‌روشنی نشان می‌دهد، توان وصول نظام مالیاتی نسبت به سال قبل افزایش یافته است. این افزایش در شرایطی اتفاق افتاده که کشور با نااطمینانی اقتصادی، محدودیت‌های فعالیت، شرایط ویژه و تغییر زمان‌بندی برخی تکالیف مالیاتی مواجه بوده است. نگاهی به‌عملکرد نظام مالیاتی در تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده در سال‌های قبل نیز راهگشا است. سال گذشته علیرغم دو جنگ تحمیلی، ۹۴ درصد درآمد مالیاتی پیش‌بینی شده محقق شد. بر همگان واضح بود اگر در ماه پایانی سال جنگی به کشور تحمیل نمی‌شد، این درصد از ۱۰۰ هم می‌گذشت. نشان به آن نشان که در دو سال قبل از ۱۴۰۴ نیز درصد تحقق همیشه از ۱۰۰ عبور کرده است. بنابراین پرسش اصلی دیگر این نیست که «چرا مالیات افزایش یافته؟» بلکه پرسش مهمتر آن است که چگونه بدون افزایش نرخ‌های مالیاتی و بدون فشار مضاعف بر مؤدیان و حتی با بروز جنگ و محاصره اقتصادی که منجر به کاهش واردات و مالیات مربوطه شد، وصول مالیاتی ۴۶ درصد رشد کرده است؟

برای این پاسخ کافی است به جریان مالیات‌ستانی رجوع شود، آن‌جا که بخشی از این تغییر، حاصل عبور تدریجی از مالیات‌ستانی سنتی به سمت مالیات‌ستانی داده‌محور و سیستمی است. این تغییر شاید در جدول درآمدهای بودجه دیده نشود، اما برای فهم آینده نظام مالیاتی مهم‌تر از خود عدد وصولی است.

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

مناقصه ۱۱-۱۴۰۵
نوبت دوم

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را با شرایط ذیل و به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید.

نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بالاتر از خیابان جلال آل احمد، بین کوچه یازدهم و دوازدهم، پلاک ۱۹۲۱، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، منطقه تهران، کدپستی ۱۴۳۹۷۳۳۱۱۱

شماره فراخوان در سامانه ستاد	۲۰۰۵۰۹۲۱۶۰۰۰۰۰۱۲
موضوع مناقصه	واگذاری حجمی- زمانی اداره امور بهره‌برداری، نگهداشت و تعمیرات تأسیسات تصفیه‌خانه ری
مدت اجرای قرارداد	یک‌سال شمسی
مبلغ برآورد	۱۹۴,۸۱۳,۷۰۵,۵۳۹ ریال بر مبنای قانون کار
مبلغ تضمین	۹,۷۴۰,۶۸۵,۲۷۷ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضامین قابل قبول طبق آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۰۹/۲۲ (درصورت واریز نقدی رسید وجه امور مالی منطقه در پاکت الف ارائه گردد.) * (تضامین ارائه شده توسط بانک‌های گردشگری و پاسارگاد و کارگزاران آنها و ارائه هر گونه چک قابل قبول نمی‌باشد.)
تاریخ انتشار در سامانه ستاد	ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷
تاریخ جلسه توجیهی	رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد در سامانه ستاد	تا ساعت ۱۹:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱
شرایط متقاضیان	رعایت و بارگذاری کلیه مفاد مندرج در متن شرایط عمومی و برگ شماری در اسناد مناقصه منتشر شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت الزامی می‌باشد.
تاریخ گشایش پاکات ارزیابی کیفی	ساعت ۸ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲
تاریخ گشایش پاکات الف، ب و ج	از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹
تاریخ اعتبار پیشنهادات	سه ماه بعد از بازگشایی پاکات نرخ

• بدیهی است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.
• اطلاعات تماس سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۱۴۵۶ دفتر ثبت‌نام: ۰۲۱-۸۸۹۶۹۷۳۷ و فاکس ۰۲۱-۸۸۹۵۵۹۵۳

شناسه: ۳۲۵۷۷۵۵

روابط عمومی منطقه تهران

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای شماره ۴۴۵/۰۲۷/۰۵
نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران
(سهامی خاص)

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی مربوط به **نصب دیوار بتنی مجتمع صنعتی بازنان۲ به‌شماره مناقصه (۴۴۵/۰۲۷/۰۵)** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوت‌نامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی	۱۴۰۵/۰۶/۰۵
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی	۱۴۰۵/۰۶/۱۹
نوع مناقصه	عمومی - یک مرحله‌ای
میزان اهمیت مناقصه	متوسط
بازه اعلام شده	مطابق بند ۱۰ پیوست فرم الف ۲۰+/- درصد برآورد بهنگام می‌باشد
حداقل امتیاز ارزیابی کیفی جهت شرکت در مناقصه	۶۵
برآورد کارفرما	۲۷۹٫۳۱۳٫۴۹۴٫۰۶۳/- ریال
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار پیمانکاری	۱۳٫۹۶۵٫۶۷۴٫۷۰۳/- ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی
مدت قرارداد، تعدیل و پیش پرداخت	مدت اولیه پیمان ۸ ماه و تعدیل‌پذیر می‌باشد
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار	آدرس شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران: ساختمان اداره مرکزی- صندوق پستی: ۱۹۱ - کدپستی: ۷۵۸۱۸۷۳۸۴۹ -تلفن: ۰۷۴۳۱۹۲۱۴۲۱
تلفن‌های سامانه ستاد	مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ - دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

مناقصه‌گران متقاضی ملزم به ارائه مدارک زیر از طریق سامانه ستاد می‌باشند:
۱) گواهی (معتبر) صلاحیت پیمانکاری ازسوی سازمان برنامه و بودجه (حداقل رتبه ۵ در رشته راه / ابنیه)- گواهی صلاحیت در زمان ارزیابی می‌بایست حداقل سه ماه اعتبار داشته باشد.
۲) روزنامه رسمی آخرین تغییرات شرکت درخصوص ترکیب اعضای هیأت‌مدیره
۳) تکمیل فرم ارزیابی کیفی مناقصه‌گران و الصاق مستندات مربوط به توان مالی، توان تجهیزاتی، توان مدیریتی، سوابق کاری، ارزشیابی سوابق و...

شناسه ۳۲۵۸۶۸۴

امور حقوقی و قراردادهای شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران

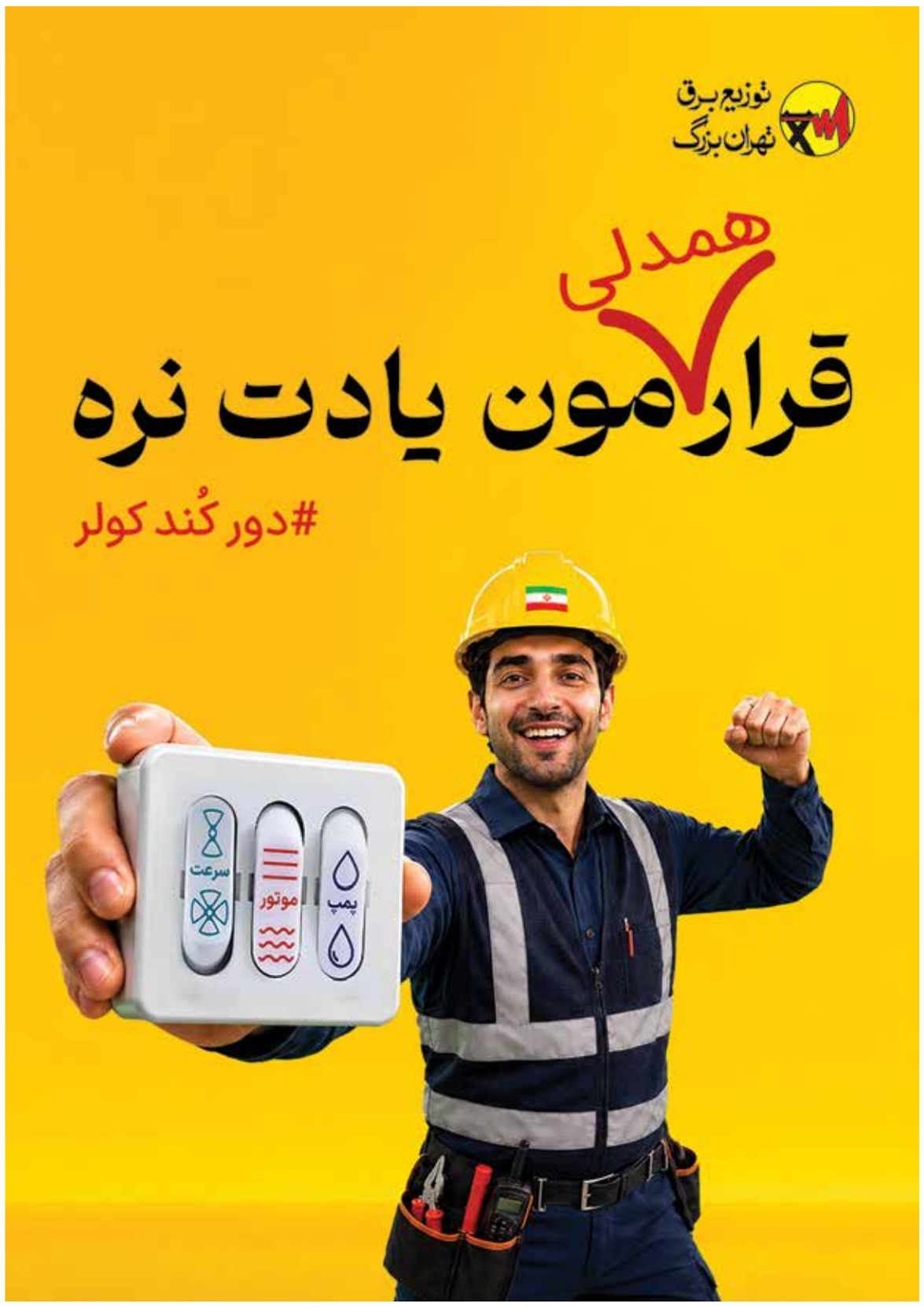

«ایران» از دو نشست علمی در دانشگاه تهران گزارش می‌دهد

ایران و جنگ؛ مسأله‌ای روی میز دانشگاه

رویداد

مرتضی گل پور
معاون سردبیر

عکس: علی محمدی/ایران

دوشنبه گذشته، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه میزان دو نشست بود که در هر یک از آنها پیامدهای جنگ تحمیلی علیه ایران از ابعاد و در موضوعات مختلفی، بحث و بررسی شد. در نشست «دانش سیاست و مسأله تجاوز خارجی به ایران» دکتر جهانگیر معینی علمداری استاد دانشگاه تهران، دکتر مجتبی مقصودی استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز و دکتر رضا نجف‌زاده استاد دانشگاه شهید بهشتی سخن گفتند. عنوان نشست علمی دیگر، «مهاجران و تجاوز خارجی به ایران» بود که محمدصالح عطار دانشجوی عراقی دانشگاه تهران، رضا عطایی دانشجوی افغانستانی سابق دانشگاه تهران و دکتر رسول صادقی استاد دانشگاه تهران، دیدگاه‌های خود را طرح کردند. میزبان هر دو نشست «گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران» بود.

مقصودی: وظیفه دانشگاه دفاع از هویت ملی ایران است

نشست «دانش سیاست و مسأله تجاوز خارجی به ایران»، با سخنرانی دکتر مجتبی مقصودی، استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی آغاز شد. وی با اشاره به حوزه‌های پژوهش دانش سیاست، گفت که مانند هر دانش دیگری، دانش سیاسی هم باید موضوعات و مسأله‌های خود را توصیف کند سپس آنها را علت‌یابی و ابعاد آن را شناسایی کند، در مرحله بعد روندهای محتمل را پیش‌بینی کند و در مرحله آخر درباره مسأله‌ها و موضوعات، راهبرد ارائه دهد.

وی با بیان اینکه دانش سیاسی، علمی است مبتنی بر بررسی متغیرها و گزاره‌ها، افزود: «در دانش سیاسی و زندگی روزمره، با گزاره‌های بسیاری روبه‌رو هستیم که ابعاد هرکدام از آنها نامشخص است. به عنوان مثال درحالی که جنگ تحمیل شده به ما دفاع مقدس است، اما درباره نحوه اداره این جنگ دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد.»

استاد دانشگاه آزاد تهران مرکز، با اشاره به اینکه در مواقع بروز بحران‌هایی چون جنگ، انتظارات از علوم سیاسی بالا می‌رود درحالی که حتی علم پزشکی که علم طبیعی و جزو علوم دقیقه است هم نمی‌تواند همه مسائل را با قطعیت بیان یا پیش‌بینی کند، گفت: «در توان علم سیاست نیست که بتواند بگوید آینده چه خواهد شد، اما می‌تواند ابعاد هر پدیده را توصیف کرده و توضیح دهد که در این صورت شاید بتوان در آینده‌پژوهی‌ها، برحسب ترسیم سناریوهای مختلف، آینده‌های محتمل هر موضوع را پیش‌بینی کرد.»

مقصودی، یک دلیل تعین‌ناپذیری علم سیاست را روبه‌رو بودن با انسان‌ها برشمرد و گفت: «معمولاً این‌طور گفته می‌شود که انسان‌ها چیزی را می‌گویند و چیز دیگری را می‌خواهند. همچنین، اساساً در سیاست با حوادث و متغیرهای زیادی هم روبه‌رو هستیم که همه اینها ارائه یک نظر قطعی را دشوارتر می‌کند.»

این استاد دانشگاه در بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های علوم سیاسی در ایران، بررسی خاستگاه تاریخی دانش سیاست در ایران را ضروری دانست و گفت: «عقبه دانش سیاسی در ایران هم قابل توجه است. مثلاً برخی از اساتید گذشته علوم سیاسی در ایران صرفاً به حوزه نظریه توجه داشتند، برخی دیگر به تاریخ نظر داشتند و برخی هم به حقوق. درحالی که در چند دهه اخیر علوم سیاسی یک علم بین رشته‌ای شده و به همه حوزه‌ها ورود پیدا می‌کند.»

وی در توضیح بین رشته‌ای شدن دانش سیاسی، با بیان این مثال که امروز نمی‌توان جنگ را از حوزه اقتصاد جدا کرد، افزود: «دفاع یک ضرورت است، اما شرایط اقتصادی تا حد زیادی شیوه جنگیدن و حتی نوع پایان جنگ را مشخص می‌کند. این امر نشان دهنده این است که داشتن دانش سیاسی نیازمند دانستن متغیرهای زیادی از حوزه‌های مختلف است که آن را بین‌رشته‌ای می‌کند.»

مقصودی با اشاره به اینکه در ایران، گاهی علوم سیاسی با حوزه ژورنالیسم رقابت کرده است، افزود: «در این رقابت، مدام از اندیشمندان علوم سیاسی پرسیده می‌شود چرا شما درباره حوادثی که به سرعت روی می‌دهد، نظر و ایده‌ای ندارید؟ درحالی که برای ارائه یک نظر یا راهبرد در حوزه دانش سیاسی، باید ابعاد مختلف پدیده را ببینیم و در داوری خود همه این ابعاد را بسنجیم و ارتباطات آنها را در نظر بگیریم. اما امروز شاهد شکل‌گیری این انتظار از علوم سیاسی هستیم که پس از بروز حوادث و پدیده‌ها، دانشمندان علوم سیاسی سریع اظهارنظر و داوری خود را ارائه دهند. حتی برخی دستگاه‌های مرتبط با دانش سیاسی، اظهار می‌کنند که ورود اندیشمندان این حوزه‌ها به پدیده‌ها و بررسی مسائل، دیرهنگام است.»

وی با اشاره به موضوع نشست، یعنی «نسبت دانش سیاست و مسأله تجاوز خارجی به ایران»، با تأکید بر اینکه جنگ‌های اخیر علیه ایران را، نه صرفاً از زاویه مفهوم یا پدیده جنگ بلکه باید از زاویه «مسأله تجاوز نظامی» نگاه کرد، گفت: «اساساً بسته به اینکه از کدام زاویه به یک پدیده سیاسی همچون جنگ نگاه کنیم، می‌توان رویکردهای متفاوتی نسبت به آن داشت.»

این استاد دانشگاه، با طرح این سؤال که در شرایط امروز ایران، انتظار از دانش سیاسی ایران چیست و آیا انتظاری که از دانش سیاسی ایران وجود دارد، تکلیفی است یا خیر؟ تصریح کرد: «علوم سیاسی در ایران گاهی با اجبارهای فرهنگی و ساختاری مواجه است و مطابق این اجبارها، از علوم سیاسی خواسته می‌شود براساس تکلیف محول شده، عمل کند یا سخن بگوید. سؤال دیگری مطرح می‌شود که آیا این تکلیف از سوی ایران‌دوستان مطرح شده است یا غیرایران‌دوستان، یا از حوزه‌ها و نهادهای دیگر.»

وی، تعدد تکالیف متغیر و متنافر به دانش علوم سیاسی را یکی از دلایل سکوت این دانش در ایران برشمرد و با بیان اینکه این سکوت باید آسیب شناسی شود، پرسش دیگری از وضعیت دانش سیاسی در ایران را مطرح کرد: «اصلاً چه میزان از اظهارات، گفته‌ها یا راهکارهای مطرح شده از سوی دانش علوم سیاسی در ایران، عملی شده و توجه‌ها را به خود معطوف کرده است؟»

مقصودی با اشاره به اینکه بیش از ۱۰ سال پیش «انجمن مطالعات صلح» را راه‌اندازی کرده است، اما کسی به فعالیت‌های این انجمن و دغدغه هایش توجهی نکرد، گفت: «ما حوزه علوم سیاسی را سیاه و سفید دیدیم، درحالی که دانش سیاسی بنابه ماهیت پدیده‌هایی که به آنها روبه‌رو است، اساساً خاکستری است، چرا که سیاست، همچون دیگر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی، مبتنی بر راهبرد بده-بستان است.»

این استاد دانشگاه با بیان اینکه ما در ایران دچار پدیده «از جا دررفتگی» هستیم، توضیح داد: «از جا دررفتگی یعنی کمتر فردی یا کمتر نهادی را می‌توان دید که در حیطه خودش فعال باشد، کما اینکه امروز مسئولان ما موضع انتقادی دارند، به این دلیل که موضع انتقادی برای فرد جایگاه می‌آورد.»

وی با بیان اینکه می‌پرسند دانش سیاسی ایران در ۴۸ سال گذشته چه کار کرده است؟ اظهارکرد: «حوزه دانش سیاسی تا آنجا که توانسته است، کار کرده است، بنابراین، سؤال این است که پرسندگان این پرسش، خودشان چه کرده اند؟»

مقصودی با اشاره به اینکه حوزه دانش سیاسی در ایران تلاش کرده است، ولو لنگان لنگان، اما خود را بکشد، اضافه کرد: «در انجمن مطالعات صلح بیش از هزار نشست برگزار کردیم، اما درنهایت دچار سرخوردگی شدیم. ما دانشگاهیان سعی کردیم با اخلاق سیاسی یا دانش اخلاقی، با سخن و حتی گاهی با سکوت، چارچوب‌های اخلاق علمی و سیاسی را رعایت کنیم.»

وی با بیان اینکه ارتقای کرامت انسانی، دستیابی به صلح و آرامش از اهداف انقلاب اسلامی بوده است، ادامه داد: «پس از هر انقلابی، باید دولت ملی شکل بگیرد و همه ارکان باید در همین چارچوب عمل کنند.»

این استاد دانشگاه تأکید کرد که در شرایط جنگی امروز، دانش سیاسی باید علاوه بر تأکید بر مقاومت، راهکارهای دیگری مانند توجه به دیپلماسی چندلایه، بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی و استفاده از مذاکرات چندجانبه را ارائه دهد.

مقصودی با اشاره به درخواست رئیس‌جمهوری از دانشگاهیان مبنی بر اینکه برای مسائل ایران راه‌حل ارائه دهند، تصریح کرد: «علوم سیاسی پیش از این درباره بسیاری از مسائل ایران، مانند مسائل قومی حرف زده و راهکار ارائه داده است.»

وی با تأکید بر اینکه وظیفه ما دفاع از کیان ملی و هویت ملی ماست، تصریح کرد: «مسأله من به عنوان استاد دانشگاه، همواره ایران و ایران‌گرایی بوده است. علوم سیاسی در ایران با نگاه ایران‌گرایانه و وطن‌خواهانه کار خود را انجام داد، اما در قبال تکالیفی که از حوزه‌هایی غیر از حوزه‌های علمی به دانشگاه وارد می‌شود، قدری دچار مشکل می‌شویم.»

معینی علمداری: واکنش دانشگاه به مداخله خارجی مناسب نبود

دکتر جهانگیر معینی علمداری، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز با اشاره به اینکه عنوان این نشست، به دلیل ایجاد تفاوت میان «جنگ» و «مداخله نظامی»، برخی سوءتفاهم‌های موجود درباره جنگ‌های تحمیلی اخیر علیه ایران را برطرف می‌کند، اظهارکرد: «جنگ، واژه‌ای کلاسیک و به معنای برخورد دو نیرو است که عمدتاً با هدف تصرف سرزمین روی می‌دهد، اما «مداخله خارجی» عمدتاً ناظر بر دخالت کردن یک نیروی خارجی در ساختار قدرت کشور دیگری است.»

وی با بیان اینکه هدف جنگ اخیر آمریکا علیه ایران، تلاش یک نیروی خارجی برای دخالت در ساختار قدرت ایران است، افزود: «مقامات آمریکایی بارها اعلام کرده‌اند هدف ما از جنگ و تحریم، براندازی است. بنابراین اگر بنا به تعریف، جنگ پدیده‌ای است که میان دولت‌ها رخ می‌دهد، «مداخله» از جمله مداخله نظامی به معنای نفوذ یک قدرت خارجی در داخل کشور، با هدف تغییر ساختار رژیم است. این امر نشان می‌دهد ما اکنون با شیوه متفاوتی از اقدام مواجه هستیم، زیرا در «مداخله» اولویت با امر سیاسی است و ابزار نظامی وسیله‌ای برای این هدف است.»

معینی علمداری با اشاره به اینکه «دانشگاه» کمتر به مسأله «مداخله خارجی» پرداخته است، اظهار کرد: «اساساً دانشگاه نتوانسته است نسبت به مسأله «دخالت نظامی گسترده از پیش تنظیم شده» واکنش درخوری داشته باشد.»

وی در عین حال با اشاره به اینکه در قیاس با ما به‌عنوان نسل قدیمی‌تر دانش سیاسی در ایران، نسل جوان علوم سیاسی در این جنگ بسیار سریع وارد میدان شد، گفت: «ورود نسل جدید علوم سیاسی به مسأله جنگ به گونه‌ای بود که در جنگ اخیر، برای دریافت اطلاعات به منابع خارجی متکی نبودیم و بر منابع داخلی استوار بودیم و احساس کمبود هم نمی‌کردیم، اما این واقعیت، این دغدغه را در من ایجاد کرد که چرا در دانشگاه نمی‌توانیم به حوادث جدید واکنش درخوری نشان دهیم؟»

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، با تفکیک سه سطح واکنش دانشگاه به جنگ‌های اخیر علیه ایران، شامل سطح کارشناسی، سطح همکاری نهادی و سطح سیاست‌گذاری، در توضیح مسأله «همکاری نهادی» گفت: «ما به‌عنوان «دانشگاهیان»، آن‌طور که باید، نمی‌توانیم با این قضیه برخورد کنیم. شاید یکی از دلایل این امر این باشد که به اندازه واقعی در دانش ژئوپلتیک و دیگر مسائل مرتبط با جنگ سرمایه‌گذاری نکرده‌ایم.»

وی اضافه کرد: «نقد من به دکتر مقصودی این است که گفتن ضعف دیگران، مثلاً ضعف نهادهای رسمی، نمی‌تواند باعث شود ما به‌عنوان دانشگاه ضعف‌های خود را نبینیم، زیرا معتقدم دانشگاه نتوانست نقش خود را به‌خوبی ایفا کند، درحالی که می‌توانستیم برخورد و واکنش سازمان‌یافته‌تری نسبت به جنگ داشته باشیم.»

معینی علمداری، با اشاره به این ضعف‌های نهادی، با بیان اینکه هم ما به‌عنوان دانشگاه باید درس بگیریم و هم نهادی رسمی مانند وزارت امور خارجه باید درس بگیرد، اظهار کرد: «درس گرفتن وزارت امور خارجه می‌تواند این باشد که هنگامی که خطراتی در این سطح و در این چارچوب کشور را تهدید می‌کند، یک هسته فکری نخبه را جمع و در کنار آن، دانشگاه هم پیش‌بینی‌های ۱۰ تا ۱۵ ساله از فرآیندهای سیاسی و دیگر مسائل مرتبط با ایران را ارائه کند.»

وی با بیان اینکه من مشکل را «ساختاری» می‌بینم، در توضیح این مشکل ساختاری گفت: «حرف بر سر فلان مسئول و بهمان مدیر نیست، بلکه باید ساختاری رابطه‌ای میان تحقیقات علمی حوزه‌های مختلف مانند حوزه ژئوپلتیک و دیگر حوزه‌ها ایجاد کنیم و این ساختار رابطه‌ای میان دانش را با حوزه تصمیم‌گیری برقرار کنیم، اما نه‌تنها این ساختار را ایجاد نکردیم، بلکه دانشگاه حتی در ارتباط با افکارعمومی هم دچار مشکل است.»

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، با ابراز امیدواری مبنی بر اینکه ایران بتواند فاجعه جنگ را به‌خوبی از سر بگذراند، گفت: «چه بسا ما در دانشگاه هم، هنوز متوجه بزرگی و اهمیت شرایطی که بر کشور تحمیل شد، نیستیم؛ اما امیدواریم ساختاری ایجاد کنیم تا در سیاست‌گذاری، قدمی رو به جلو برداشته شود و بتوانیم از درون این سیاست‌گذاری‌ها به نتایج ملموسی برای کشور برسیم، نه اینکه صرفاً منتظر فرا رسیدن آینده‌ای نامعلوم باشیم.»

وی در سخن پایانی خود اظهار کرد: «این حوادث نشان داد در دانشگاه ضعف‌های اساسی داریم که باعث شد نتوانیم واکنش‌های مناسب را نسبت به جنگ داشته باشیم.»

معینی علمداری با بیان اینکه جنگ، درهایی را به روی ما بست و درهایی را هم گشود، گفت: «دانش، از جمله دانش سیاست باید معطوف به آینده هم باشد، نه اینکه صرفاً به گذشته توجه کند، اما دانشگاه ما به لحاظ علمی فاقد چنین بعدی است.»

وی با بیان اینکه دانشگاه‌ها هم می‌توانند منبع اقتدار ملی برای ایران در منطقه و جهان باشند، بیان کرد: «در این صورت باید بپرسیم دانشگاه تا چه حد می‌تواند به کشور در دسترسی به این هدف کمک کند؟ ما در «دانشگاه» اغلب درباره گذشته حرف می‌زنیم و «دانشگاه» نه‌تنها دچار محافظه‌کاری نسبت به محیط اجتماعی است، بلکه علاوه بر قدرت، نسبت به تغییرات واقعیت هم محافظه‌کار است.»

توضیح نجف‌زاده از جنگ نامتقارن پسااستعماری

رضا نجف‌زاده، استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، سخن خود را با این تأکید آغاز کرد: سخن گفتن از این جنگ پسااستعماری دشوار است، زیرا این جنگ زمانی رخ داد که مسأله‌های اجتماعی ما حل نشده بود و مسأله‌های مرتبط با حکمرانی و حاکمیت نیز معلق مانده بود.

وی، جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران را «جنگ نامتقارن مبتنی بر هوش مصنوعی پسااستعماری» توصیف کرد و گفت: «همه الفاظ به کار رفته در این مفهوم، از یک تحول جدید در استراتژی‌های نظامی و نیز یک تحول در مقاومت مردمی ایران حکایت می‌کند.» نجف‌زاده با اشاره به اینکه تاریخ جنگ‌های ایران، پیوستاری را نشان می‌دهد که جنگ‌ها را به هم متصل می‌کند، ادامه داد: «از جنگ‌های ایران با روس تزاری تا تجاوز شوروی به ایران در جنگ جهانی دوم، در همه این جنگ‌ها، مقاومت‌های مردمی شکل‌های متفاوت، اما بسیار تعیین کننده دارند. کما اینکه در جنگ جهانی دوم، اگر مقاومت چریک‌ها در اطراف تهران نبود، الان استان‌های ایران جزو اقمار روسیه بود.»

استاد دانشگاه شهید بهشتی، با اشاره به مقاومت پراکنده ایرانیان هنگام تهاجم به ایران در جنگ جهانی اول، اضافه کرد: «اما در دهه ۱۳۵۰ هجری شمسی، شاهد تحولی در نیروهای مسلح و ارتش ایران هستیم، به این معنی که ارتش ایران، فراتر از مرزهای خود در جنگ‌های ظفار یا حتی در جنگ ویتنام شرکت می‌کند.»

وی با اشاره به نقش ارتش و نیروی نظامی در حفظ و شکل‌گیری موقعیت سرزمینی ایران، گفت: «همه این تجربه‌ها و پیش زمینه‌های تاریخی، به نوعی در تعیین شکل و نوع مواجهه ایران با جنگ جدید مبتنی بر هوش مصنوعی پسااستعماری امروز، اثر خود را دارند.» استاد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، با اشاره به اینکه بنا به تجارب تاریخی، جنگ برای توسعه و پیشرفت‌های فناورانه امری سازنده است، اظهارکرد: «اظهارات ترامپ و دیگر مقامات آمریکا نشان می‌دهد که آمریکا در این جنگ علیه ایران، مدعاهای استعمارگرایانه دارد که ایران دقیقاً جلوی همین مدعیات استعماری ایستاده است.»

وی، گزاره‌های استعماری ترامپ مانند اینکه «تنگه هرمز متعلق به آمریکا است» را بخشی از یک نوع شیزوفرنی توصیف کرد که آمریکای ترامپ وارد سیاست جهانی کرده است و افزود: «یک نشانه دیگر این شیزوفرنی، واپس‌گرایی و ارتجاع رئیس‌جمهوری آمریکا است، نیز اینکه برخی از ایرانیان دنبال «کینگ» باشند نشانه دیگری از همان شیزوفرنی است.»

نجف‌زاده با بیان اینکه ایران امروز به «میهن دوستی ایران خواهانه یکپارچه» نیاز دارد، اظهارکرد: «این میهن دوستی یکپارچه باید به گونه‌ای باشد که وحدت و کثرت موجود در ایران را توأم کند و این، ضرورتی است که امروز کنش‌های ایرانیان باید بر آن تأکید کنند.»

وی با اشاره به اینکه پس از پیروزی جنبش مشروطه، مفهوم «عمق استراتژیک» برای ایران مطرح شد، تأکید کرد: «اگر باورهای مبتنی بر ایدئولوژی را کنار بگذاریم، می‌بینیم که در رژیم گذشته هم بر عمق استراتژیک ایران تأکید می‌شد، زیرا اساساً عمق استراتژیک ایران، فراسوی مرزهای حقوقی این کشور است و موفقیت در جنگ‌ها، نیازمند توفیق در حفظ این عمق استراتژیک است.»

استاد دانشگاه شهید بهشتی، با بیان اینکه در شرایط جنگ، نیازمند ارائه تعریفی درباره ماهیت دولت و حاکمیت هستیم، ادامه داد: «این تعریف نیازمند وجود ثبات است، از این رو هر نیروی معطوف به فروپاشی مانع ارائه این تعریف می‌شود، خصوصاً کسانی که زخم تاریخی مشروطیت معلق را همیشه احساس می‌کنند.»

نجف‌زاده با تأکید بر اینکه تحولات جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، هر روز در حال «شدن» و «صیرورت» است، گفت: «وقتی به مسأله و چرایی بقای ایران پس از این جنگ نگاه می‌کنیم، می‌توانیم نوعی «سیستم نامریی یکپارچه و نامتمرکز قدرت عمومی و بایوپلتیکال و روانشناختی» در ایران را شناسایی کنیم که تأثیر زیادی در حفظ این سرزمین داشته است، اما امروز دانش علوم سیاسی با این پرسش مواجه است که این «سیستم نامریی یکپارچه و نامتمرکز قدرت عمومی» که از قضا، آماده رزم نامتقارن هم هست، چیست و چگونه کار می‌کند؟»

وی گفت: «این سیستم، بسیار براساس منطق‌های جدید زیستی عمل می‌کند و مفاهیمی چون کارکردگرایی یا ساختار همگرا، نمی‌تواند آن را توضیح دهد.»

> جنگ پدیده‌ای است که میان دولت‌ها رخ می‌دهد، اما «مداخله» از جمله مداخله نظامی به معنای نفوذ یک قدرت خارجی در داخل کشور، با هدف تغییر ساختار رژیم است. این امر نشان می‌دهد ما اکنون با شیوه متفاوتی از اقدام مواجه هستیم، زیرا در «مداخله» اولویت با امر سیاسی است و ابزار نظامی وسیله‌ای برای این هدف است

> ترور آیت‌الله خامنه‌ای باعث «بعثت خون» در مردم افغانستان شد و ما شاهد نوعی «خون شریکی» و «غم شریکی» میان مهاجران و مردم خود افغانستان با ایرانیان در این جنگ بودیم

مهاجران پشت سر ایران ایستادند

در نشست «مهاجران و تجاوز خارجی به ایران»، نخست محمدصالح عطا، دانشجوی عراقی دانشگاه تهران، گزارشی از برهه‌های تاریخی طرد و اخراج شیعیان ایرانی‌الاصل از عراق ارائه کرد و گفت: «فرآیند اخراج شیعیان ایرانی‌الاصل از سال ۱۹۷۰ میلادی، یعنی ۹ سال پیش از پیروزی انقلاب و پس از قدرت گرفتن حزب بعث در عراق آغاز شد و پس از به قدرت رسیدن فرعون عراق، صدام، این روند تکرار شد، به طوری که فردی را صدا می‌زدند و بدون هیچ اعلام و اخطاری، او را به طرف مرز می‌بردند.»

به گفته وی، بعد از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، نهادی در عراق تأسیس شد تا علاوه بر بازگشت مدارک هویتی عراقی این افراد، اموال و دارایی‌های مصادره شده را به آنان بازگرداند.

عطا، اضافه کرد: «این مهاجران در تهران، قم، اصفهان و دیگر شهرها ساکن شدند و بخش بزرگی از مهاجران عراقی در جنگ هشت ساله، پا به پای رزمندگان ایرانی مقابل رژیم بعث ایستادند.»

این دانشجوی عراقی دانشگاه تهران اظهار کرد: «در این جنگ، دفاع مهاجران عراقی از ایران در مقابل آمریکا، برخاسته از علقه‌های مذهبی آنان بود، زیرا آنان هم در این جنگ و هم در وقایع پیش از آن، نسبت به درخطر بودن دین‌شان احساس خطر کردند.» به گفته عطا، مهاجران عراقی حمله نظامی آمریکا به ایران را حمله به نظامی می‌دانند که پرچم‌دار مذهب تشیع و مدافع و حامی دین آنان است.

رضا عطایی، دانشجوی افغانستانی سابق دانشگاه تهران نیز با اشاره به اینکه حضور پناهندگان مهاجر افغانستانی در ایران به ۵ موج تقسیم می‌شود که از دوره حمله شوروی به افغانستان آغاز شد و تا سال ۲۰۱۴ ادامه یافت، اظهار کرد: «قبل از نظم وستفالیایی و شکل گیری دولت‌های منطقه مانند افغانستان یا عراق، مردم در دو سوی مرز مدام در تردد و رفت و آمد بودند.» وی در توضیح جهت‌گیری مردم افغانستان نسبت به جنگ ۴۰ روزه، اظهار کرد: «فارغ از تفاوت‌های مذهبی، ترور آیت‌الله خامنه‌ای باعث «بعثت خون» در مردم افغانستان شد و ما شاهد نوعی «خون شریکی» و «غم شریکی» میان مهاجران و مردم خود افغانستان با ایرانیان در این جنگ بودیم.»

عطایی با اشاره به اینکه عموم افغانستانی‌ها در این جنگ با ایرانی‌ها همدلی نشان دادند، گفت: «مهاجران افغانستانی در تجمعات میادین حضور می‌یافتند، زیرا خود را متعلق به این آب و خاک دانسته و این جنگ را جنگی متوجه خودشان تلقی می‌کردند.»

به گفته این فعال افغانستانی، حتی نخبگان فکری و علمی افغانستانی که در اروپا و آمریکا ساکن هستند نیز در این جنگ با ایران همدل بودند، تا جایی که علاوه بر برگزاری تجمعات در اروپا، انواع کنش‌ها را در حمایت از ایران انجام دادند.

وی درعین حال با اشاره به اینکه از روزهای سوم و چهارم جنگ ۱۲ روزه، موج جاسوس‌انگاری نسبت به مهاجران افغانستانی ایجاد شد، اظهار کرد: «بیش از ۳۰۰ هزار محتوای مهاجرستیز در شبکه‌های اجتماعی داخلی ایران تولید و منتشر شد. این جاسوس‌انگاری درحالی بود که مهاجران افغانستانی نسبت به محله و شهر زندگی خود احساس تعلق دارند و تعلق به ایران، در مرتبه به مراتب بالاتری قرار می‌گیرد.»

عطایی، با اشاره به مسدودشدن سیمکارت‌های برخی از افغانستانی‌های مقیم ایران پس از جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد: «باوجود همه اینها، در زمینه حمایت افغانستانی‌ها از ایران خللی ایجاد نشد، تا جایی که «مهران پوپل» شاعر پشتون و اهل سنت افغانستانی، شعری به این مضمون برای ایران سرود: «هلا آنها که می‌خواهید قرآن را نگه دارید؛ به قرآن اصل قرآن است ایران را نگه دارید؛ و هر شهرش یکی از سوره‌های پاک قرآن است؛ و شاید سوره نور است تهران را نگه دارید؛ خبردار! این نبردی بین اسرائیل و ایران نیست؛ نبرد کفر و ایمان است ایمان را نگه دارید.»

رسول صادقی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران هم گفت: «افغانستانی‌ها به دلیل تجربه زیسته طولانی مدت‌شان در جنگ، با ایرانیان همدل و همدرد بودند. سال‌ها زندگی، باعث ایجاد هویت ایرانی در نسل‌های دوم و سوم مهاجران افغانستانی شده است و البته جامعه میزبان هم به آنان نگاه مشابهی دارد. برای همین است که در جنگ ۴۰ روزه و ۱۲ روزه افغانستانی‌ها با ایران احساس تعلق و همبستگی داشتند و این حس همبستگی و تعلق در موضوعات و رویدادهای دیگری هم بروز می‌یابد.»

وی، احساس مهاجران مقیم ایران در جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه را «احساس تعلق اجتماعی» توصیف کرد و گفت: «درحالی که ما اغلب رویه طرد را نسبت به مهاجران دنبال می‌کنیم و رویکرد یکدستی نسبت به مهاجران نداریم، اما خود مهاجران افغانستان، گروه‌ها، سبک‌ها و نگرش‌های مختلفی را شامل می‌شوند که شاید در درازمدت باعث رادیکال شدن آنان شود، اما این عده بسیار قلیل هستند و تصویر کلی‌تر مهاجران افغانستانی، همان همبستگی و احساس تعلق به ایران است.»

این استاد دانشگاه تهران با اشاره به اینکه فرآیند جاسوس‌انگاری مهاجران افغانستانی در مواردی باعث حضور کمرنگ‌تر آنان در اجتماع یا حتی کتمان کردن هویت افغانستانی آنان شد، گفت که این امر باعث تسریع در خروج آنان از ایران، پس از این جنگ شد.

وی با اشاره به خدماتی که مهاجران به جامعه میزبان ارائه دادند، مانند کارهای ساختمانی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی، تأکید کرد که وقتی صحبت از تاب‌آوری ایران می‌شود، باید نقش مهاجران را در تاب‌آوری ایران دید و به آن ارج نهاد.

رسول صادقی با اشاره به دستاوردهای مهم جنگ برای ایران، مانند ایجاد تصور ایران قوی، نسبت به شکل گرفتن چندقطبی‌ها درباره مسأله مهاجران ابراز نگرانی کرد و گفت: «اگر این فضا به درستی مدیریت نشود، می‌تواند چالش‌هایی برای مهاجران و جامعه میزبان ایجاد کند، به ویژه اینکه مهاجران هم مانند مردم ایران از پیامدهای جنگ مانند تورم و دیگر مشکلات اقتصادی مانند بیکاری تأثیر می‌پذیرند.

عکس: حسین نقی‌زاده/ایران

irannewspaper.ir

چهارشنبه • ۴ شهریور ۱۴۰۵ • سال سی و دوم • شماره ۹۱۰۷
• اذان ظهر ۱۲/۰۶ • اذان مغرب ۱۸/۵۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲ • اذان صبح فردا ۰۴/۰۴ • طلوع آفتاب فردا ۳ ۰۵/۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام صادق(ع):
شادی در سه چیز است: وفاداری، رعایت حقوق و ایستادگی در برابر سختی‌های زمانه.

نهج‌الفصاحه، ص۳۲۹

نقل قول

فرهنگ، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حفظ ارتباط ایران با جهان است

فرهنگ، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حفظ ارتباط ایران با جهان است. بنابراین با تمام توان تلاش می‌کنیم ارتباطات فرهنگی و حضور بین‌المللی کشور را حفظ و تقویت کنیم، نه اینکه آن را کاهش دهیم. در حوزه سینما، در جشنواره‌های بین‌المللی از جمله جشنواره کن حضور داشته‌ایم و در سایر رویدادهای فرهنگی نیز این مسیر را ادامه خواهیم داد. با توجه به همدلی‌ها و همراهی‌هایی که در جهان با ملت ایران شکل گرفته است، فرصت‌های تازه‌ای برای گسترش ارتباطات فرهنگی فراهم شده و باید از این ظرفیت استفاده کنیم.

گزیده‌ای از صحبت‌های سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه آیین افتتاح «نمایشگاه دائمی کتاب‌های برگزیده جمهوری اسلامی ایران»/ ایرنا

نقاشی‌های «سیروس مقدم» در نمایشگاه «مدرسه میناب»

نمایشگاه «مدرسه میناب» با حضور جمعی از هنرمندان شناخته‌شده هنرهای تجسمی، روایتی هنرمندانه از پیوند هنر، هویت ملی و مظلومیت دانش‌آموزان و شهیدان میناب روز جمعه ۶ شهریورماه ۱۴۰۵ افتتاح می‌شود. علاقه‌مندان نیز می‌توانند از ۷ تا ۳۱ شهریور، از این نمایشگاه بازدید کنند.
در این رویداد آثاری از هنرمندانی همچون بهزاد شیشه‌گران، سیروس مقدم، غلامعلی طاهری، مرتضی اسدی، کاظم چلیپا، علی ندایی، حسن یاقوتی و... به نمایش درمی‌آید./ صبا

تغییر نام یک خیابان در منطقه یک به نام «اکبر عبدی»

در شصت و پنجمین صورت جلسه کمیسیون نامگذاری و تغییر اماکن و معابر عمومی شهر تهران که روز گذشته در صحن شورای شهر تهران برگزار شد پیشنهاد شد در منطقه یک تهران نام خیابان «بیدار» به نام مرحوم اکبر عبدی، کوچه طوفان در خیابان پورابتهاج به نام شهید سعید عبداللهیان، کوچه شکوفه در خیابان پاسداران به نام مرحوم آیت‌الله سید محمدتقی حکیم، خیابان کوهیار به نام شهید مرتضی بهمنی، کوچه رزاقی به نام شهید مهدی بیداد و کوچه لادن به نام شهید رضا سعیدی نامگذاری شود./ ایسنا

«پژمان بازغی» همسفر سفرنامه «راه تاز»

مستند سفرنامه «راه تاز» که پژمان بازغی گرداننده آن است، از شبکه سه سیما پخش می‌شود. این مستند در قالب یک سفر روایت دستاوردهای ایران است که جمعی از هنرمندان کشور از جمله شهرام قائدی، علی مشهدی، فرهاد جم و... در آن حضور دارند. آنها مسیری ۱۸۳۰ کیلومتری از چابهار تا اروند را پیموده‌اند. مستند «سفرنامه راه تاز» به تهیه‌کنندگی پویان کمایی و کارگردانی عادل زمانی از محصولات جدید شبکه سحر است که در همکاری مشترک با سازمان برنامه و بودجه و صداوسیما تولید شده است./ مهر

گزارش

دومین المپیاد ملی هنر با معرفی ۱۵ تیم برگزیده به کار خود پایان داد

میدانی تازه برای کشف استعدادهای هنری

گروه فرهنگی

آیین اختتامیه دومین المپیاد ملی هنر در فرهنگسرای نیاوران برگزار شد؛ رویدادی که با مشارکت هزاران هنرجو و صدها مرکز آموزشی هنر در سراسر کشور، فرصتی برای شناسایی استعدادهای جوان و معرفی ظرفیت‌های آموزش هنر فراهم کرد. این دوره از المپیاد با محور «هنر برای ایران» برگزار شد و در نهایت ۱۵ تیم در دو بخش آموزشگاه‌های آزاد هنری و هنرستان‌های هنری به عنوان برگزیده معرفی شدند.
این مراسم با حضور مهدی شفیعی معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیکنام حسینی‌پور رئیس مرکز روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدحسین اسماعیلی مدیرکل دفتر توسعه آموزش‌های فرهنگی و هنری و دبیر المپیاد هنر، جمعی از مدیران فرهنگی، هنرمندان، استادان، مدیران آموزشگاه‌ها و هنرستان‌ها و هنرجویان برگزار شد.
در این مراسم پس از نمایش فیلم‌هایی درباره آموزش هنر و المپیاد برای حاضران پخش شد و گروه هنرستان موسیقی پسران تهران نیز اجرای موسیقی ایرانی داشت.

آموزش؛ پایه شکل‌گیری هنر

در ادامه این مراسم معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش را یکی از سه ضلع اصلی هنر دانست و گفت: «هنر از آموزش، تولید و آفرینش و نقد و پژوهش شکل می‌گیرد و تعامل این سه حوزه می‌تواند زمینه رشد و ارتقای هنر را فراهم کند.»
مهدی شفیعی با اشاره به جایگاه آموزش هنر در گذشته اظهار کرد: «این حوزه زمانی محدود و فاقد رسمیت کافی بود، اما امروز آموزش هنر جایگاه خود را در نظام فرهنگی و آموزشی کشور پیدا کرده است.»
به گفته شفیعی، اکنون ۷۰ هنرستان هنرهای زیبا در سراسر کشور فعالیت می‌کنند و در بسیاری از استان‌ها هنرستان‌های دخترانه و پسرانه با رشته‌های متنوع هنری وجود دارد. همچنین حدود ۶ هزار و ۲۵۰ آموزشگاه هنری در حوزه‌هایی همچون موسیقی، هنرهای نمایشی، خوشنویسی، هنرهای سنتی و هنرهای تجسمی فعال هستند.
او با اشاره به حضور پررنگ بانوان در مدیریت آموزشگاه‌های هنرهای تجسمی، این حضور را امیدبخش دانست و از استادان، مدیران مراکز آموزشی و خانواده‌هایی که از هنرجویان حمایت می‌کنند، قدردانی کرد.
در ادامه مراسم، پیام سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط نیکنام حسینی‌پور قرائت شد.

المپیاد هنر بستری برای کشف استعدادها

محمدحسین اسماعیلی، دبیر دومین المپیاد هنر این رویداد را محلی برای بروز استعدادهای ناب هنری و شناسایی نیروهای مستعد دانست. به گفته او، المپیادها محل حضور استعدادها و نخبگان هستند و المپیاد هنر نیز در دوره دوم تلاش کرده ظرفیت‌های تازه هنر ایران را شناسایی و معرفی کند.
اسماعیلی با اشاره به موفقیت اولین دوره گفت: «پس از برگزاری دوره اول، استمرار المپیاد به یک مطالبه جدی تبدیل شد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیم گرفت این رویداد را به عنوان جریانی فرهنگ‌ساز و آموزش‌محور ادامه دهد.
او ساختار المپیاد را به یک لیگ قهرمانی و مسابقات تیمی مراکز آموزش هنر تشبیه کرد که در سه سطح برگزار می‌شود. در مرحله اول، رقابت درون آموزشگاه‌ها و هنرستان‌ها انجام می‌شود، سپس تیم‌های منتخب در سطح استانی به رقابت می‌پردازند و در نهایت برگزیدگان استانی وارد مرحله ملی می‌شوند.

> دومین دوره المپیاد هنر با محور «هنر برای ایران» برگزار شد و در نهایت ۱۵ تیم در دو بخش آموزشگاه‌های آزاد هنری و هنرستان‌های هنری به عنوان برگزیده معرفی شدند

«هنر برای ایران» موضوع محوری دوره دوم

محور موضوعی دومین المپیاد هنر «هنر برای ایران» انتخاب شد. آغاز فرآیند این دوره در سال ۱۴۰۴ و همزمان با شرایط خاص کشور صورت گرفت و هنرمندان و هنرجویان با تولید آثار مختلف تلاش کردند نگاه خود را به ایران و مسائل مرتبط با آن در قالب هنر بیان کنند.
در این دوره دامنه مشارکت نیز نسبت به دوره اول افزایش یافت. علاوه بر هنرستان‌های هنرهای زیبا وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آموزشگاه‌های آزاد هنری، هنرستان‌های هنری آموزش و پرورش و آموزشگاه‌های سینمایی و مهارتی نیز امکان حضور پیدا کردند.
برگزارکنندگان امیدوارند این رویداد در سال‌های آینده فراگیرتر شود و در نهایت امکان برگزاری المپیاد هنر در سطح بین‌المللی فراهم شود.

هنرستان اولین گام مسیر حرفه‌ای

رامتین شهبازی، نماینده هیأت داوران، در این مراسم هنرستان را یکی از مهم‌ترین مراحل شکل‌گیری مسیر حرفه‌ای هنرجویان دانست. به گفته او، نوجوانان در هنرستان‌ها و آموزشگاه‌ها علاوه بر یادگیری مبانی و تکنیک‌های هنری، شناخت عمیق‌تری از هنر و ظرفیت‌های آن پیدا می‌کنند.
شهبازی تأکید کرد: «اگرچه دانشگاه نقش مهمی در تکمیل آموزش هنری دارد، اما هنرجویان در دوره هنرستان اولین گام‌های جدی خود را برای ورود حرفه‌ای به عرصه هنر برمی‌دارند.»

پایان یک رقابت، آغاز یک مسیر

در پایان مراسم، جوایز برگزیدگان اهدا شد و حاضران از نمایشگاه آثار منتخب دومین المپیاد هنر و پویش «هنر برای ایران» بازدید کردند.
مهدی شفیعی پس از بازدید از نمایشگاه، میزان خلاقیت و ذوق هنرجویان و توجه آنان به موضوعات روز را امیدبخش دانست و تأکید کرد: «برگزاری چنین رویدادهایی می‌تواند انگیزه مراکز آموزشی، استادان و هنرجویان را برای ارتقای کیفیت آموزش هنر افزایش دهد.»
دومین المپیاد هنر در حالی به پایان رسید که تجربه این دوره نشان داد آموزش هنر، کشف استعداد و تولید آثار خلاقانه می‌تواند در قالب یک رویداد ملی به یکدیگر پیوند بخورد. اکنون مهم‌ترین مرحله پس از پایان رقابت، حمایت از استعدادهای شناسایی شده و ایجاد مسیر مناسب برای ادامه فعالیت حرفه‌ای آنان است؛ مسیری که می‌تواند بخشی از آینده هنر ایران را شکل دهد.

برش

حضور ۵۵۸۴ هنرجو در ۱۳۹۶ تیم

در دومین المپیاد هنر، ۵ هزار و ۵۸۴ هنرجو در قالب یک‌هزار و ۳۹۶ تیم شرکت کردند. از این تعداد، ۸۳۶ تیم از آموزشگاه‌های هنری و ۵۶۰ تیم از هنرستان‌های هنری کشور بودند.
پس از داوری اولیه، ۱۸۰ تیم شامل ۹۲۶ نفر به مرحله نهایی راه یافتند و در نهایت ۶ تیم آموزشگاهی و ۹ تیم هنرستانی به عنوان برگزیدگان معرفی شدند.

اختتامیه این دوره همزمان با اولین «هفته آموزش هنر» برگزار شد؛ هفته‌ای که با هدف افزایش توجه عمومی به اهمیت آموزش‌های هنری، تقویت مراکز آموزش هنر و توسعه عدالت فرهنگی و آموزشی برنامه‌ریزی شده است.

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای — نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه‌های توزیع نیروی برق خود را به پیمانکار واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

شرح مختصری از کار:

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۵۰۹۵۲۰۵۰۰۰۰۰۳	۲۰۰۵۰۹۵۲۲۷۰۰۰۰۰۵	۲۰۰۵۰۹۵۱۴۸۰۰۰۰۰۹	۲۰۰۵۰۹۷۴۸۶۰۰۰۰۰۶
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۵۲۱۴۱۰۸۰۴	۱۴۰۵۵۱۳۱۰۸۰۰	۱۴۰۵۵۱۵۱۰۸۱۱	۱۴۰۵۵۰۵۱۰۸۲۱
موضوع مناقصه	اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه (تکلیفی)	اجرای عملیات توسعه فیدرونصب کیوسک جهت تقلیل باریست ها(تجدید)	اجرای عملیات توسعه، احداث، اصلاح و بهینه‌سازی شبکه	اجرای عملیات توسعه و احداث و اصلاح و بهینه‌سازی شبکه pc (تجدید)
محدوده عملیاتی	منطقه برق سینا	منطقه برق پاسداران	منطقه برق بوعلی	منطقه برق نارمک
برآورد انجام کار(ریال)	۴۲,۳۴۹,۹۰۹,۰۲۷	۴۹,۳۱۸,۸۹۶,۴۹۳	۴۲,۹۵۵,۶۷۰,۸۱۳	۴۴,۰۸۹,۲۵۲,۲۱۵
مبلغ ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار (ریال)	۲,۱۱۷,۴۹۵,۴۵۱ ریال	۲,۴۶۵,۹۴۴,۸۲۵	۲,۱۴۷,۷۸۳,۵۴۱	۲,۲۰۴,۴۶۲,۶۱۱
مهلت فروش اسناد	از روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ لغایت سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰			از روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ لغایت چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴			
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۰۹:۰۰ دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳	تا ساعت ۱۰:۰۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲	تا ساعت ۰۹:۰۰ چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵	تا ساعت ۰۹:۰۰ چهارشنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۱۱:۰۰ دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳	ساعت ۱۱:۰۰ یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲	ساعت ۱۰:۰۰ چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵	ساعت ۱۰:۰۰ چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۵
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران- شهرک ولیعصر- خیابان آقایی -روبه‌روی دادسرا- منطقه برق سینا- اداره دبیرخانه و محل بازگشایی سالن جلسات منطقه	تهران-میدان ارتش (اقدسیه)خیابان موحددانش سه راه نسترن منطقه برق پاسداران	تهران- خیابان دماوند رو به روی بیمارستان بوعلی منطقه برق بوعلی- اداره دبیرخانه و محل بازگشایی سالن جلسات منطقه	تهران: خیابان دماوند- نبش خیابان وحیدیه منطقه برق نارمک - دبیرخانه و محل بازگشایی سالن جلسات

نوع سپرده فرآیند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:
-جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- داشتن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور الزامی می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
-سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
- سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
- کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

آتی ساز

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (نوبت اول)

شرکت آتی ساز (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط جهت اجرای کلیه عملیات مربوط به " طراحی، تهیه مصالح، حمل و اجرای درز انقطاع کف خیابان و پیاده رو بلوار جام جم مراغه همراه با آب بندی کامل با متراژ حدود ۲۱۰۰ متر طول تا مرحله بهره‌برداری " براساس فهرست مقادیر ضمیمه اسناد مناقصه از طریق مناقصه دو مرحله‌ای اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت و تکمیل اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:

۱- موضوع: طراحی، تهیه مصالح، حمل و اجرای درز انقطاع کف خیابان و پیاده رو بلوار جام جم مراغه همراه با آب بندی کامل با متراژ حدود ۲۱۰۰ متر طول تا مرحله بهره‌برداری
۲- نوع مناقصه: عمومی دو مرحله‌ای. (مطابق آیین‌نامه معاملات شرکت)
۳- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: تهران- شهرک قدس (غرب)- بلوار خوردین- چهارراه هرمزان- شرکت آتی ساز
آدرس پروژه: مراغه، بلوار جام جم
۴- مدت پیمان: ۳ ماه شمسی
۵- نحوه پرداخت: به‌صورت ۵۰٪ تهاتر از سبد املاک آتی ساز و ۵۰٪ نقدی. لازم به ذکر است معادل ۳۰٪ بخش نقدی قرارداد به‌عنوان پیش پرداخت در قبال ارائه ضمانت‌نامه بانکی معتبر قابل پرداخت می‌باشد.
۶- سپرده تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ ۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه نقد یا رسید کسر از مطالبات ثبت شده یا چک صیادی ثبت شده (کپی تضمین شرکت در مناقصه روی پاکت اصلی چسبانده شود).
۷- مجوز فعالیت: دارای سوابق کاری مرتبط با موضوع مناقصه
۸- دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از محل دبیر خانه شرکت آتی ساز: از ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ تا ساعت ۱۶:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴. به‌صورت لوح فشرده.
۹- تحویل پاکت اسناد ارزیابی کیفی و پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج" به‌صورت فیزیکی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ به دبیرخانه شرکت آتی ساز در قبال اخذ رسید تحویل شود. (صرفا اسناد خریداری شده)
۱۰- زمان و محل بازگشایی پاکت: پاکات الف و ب ساعت ۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸، در سالن اجتماعات شرکت آتی ساز بازگشایی می‌گردد. زمان بازگشایی پاکت ج متعاقباً توسط کارفرما اعلام می‌گردد.
۱۱- هزینه خرید اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه ۵۰,۰۰۰,۰۰۰ (پنجاه میلیون ریال) است.
۱۲- شرکت آتی ساز در رد یا قبول هر یک و یا تمام پیشنهادها بدون اعلام دلیل مجاز است.
۱۳- پرداخت هرگونه عوارض و مالیات برعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۴- به پیشنهادهای مشروط و مبهم و پیشنهادهایی که با شرایط مندرج در آگهی اختلاف داشته و یا بعد از مدت مقرر واصل گردد مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۵- مناقصه‌گزار مجاز خواهد بود مطابق شرایط قرارداد تا ۲۵ درصد از میزان کار را کاهش و یا افزایش دهد.
۱۶- هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸۸۰۹۰۰۳۰ داخلی ۳۱۶ تماس حاصل نمایید.